

مسائل بین المللی

" مسائل بين العلى " که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد
به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص
دارد .

مندرجات این نشریه از میان مقالات مجله " مسائل صلح
و سوسیالیسم " که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست
و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست ، انتخاب
و ترجمه میشود .

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های یازدهم و
دوازدهم (نوامبر - دسامبر ۱۹۶۳) مجله " مسائل
صلح و سوسیالیسم " به چاپ رسیده است .

نقش جهانی و اهمیت مبارزه

حزب کمونیست اتحاد شوروی

لوتیجی لونگو

فکر میکنم در لحظه کنونی صلاح باشد بار دیگر و لوله طور اجمال هم شده نقش عظیم می همتایی را که حزب کمونیست اتحاد شوروی در امر تکامل سوسیالیسم در سراسر جهان ایفا کرده و ایفا میکند خاطر نشان سازیم .

حزب کمونیست اتحاد شوروی حزب پرورده لنین است ، حزبی است که در آتش نخستین انقلاب کبیر سوسیالیستی پیروزمند آبدیده شده و ۴۶ سال است نخستین دولت کارگران و دهقانان را ، که همیشه سر مشق آزادی و مبارزه برای تمام ملل بوده وارد وهای فاشیستی را در هم کوبیده و عامل قاطع ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم بوده - رهبری کرده است ، حزبی است که هم اکنون در یک ششم کره زمین گذار از سوسیالیسم به کمونیسم را " بخاطر انمان و تامین سعادت انسانها " آغاز نهاده است ، حزبی است که پرچم مارکسیسم انقلابی را باهتزاز در آورده و آنرا با تعالیم گران قدر لنین تکمیل کرده و این پرچم را به محور اتحاد تمام نیروهای مبارز جهان در راه دگرگونی انقلابی جامعه بدل ساخته است ، حزبی است که اندیشه و عملش همواره دور نمای امید بخش صلح و آزادی و ترقی را برای جامعه بشری پدید آورده و میآورد .

نهایت فراموش کرد که در جریان پرغلیان و پرحادثه تاریخ ۵۰ سال اخیر سمعت گیری همیشه کار آسانی نبوده است . تاریخ رسالت گستن زنجیر سرمایه داری و عبور از آنما کشف و سرشار از مصائب و حرمانهای بیسابقه را بعهده لنین ، بعهده حزب کمونیست اتحاد شوروی محول کرد . انقلاب اکتبر عصر جدیدی را در تاریخ جهانی آغاز نهاد . سوسیالیسم بر رهبری بلشویک ها - نیروی کار طبقه کارگر و دهقانان در وجود نظام سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی نوین متجلی گردید ، بقدرت دولتی و سیاست جهانی بدل شد ، رشد شعور سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان تمام کشورهای با حرکت جهشی تسریع کرد و ثقتنها سیمای جهان بلکه جریان تاریخ را نیز دگرگون ساخت .

تعالیم بلشویک ها و فعالیت علی آنها سر مشقی بود برای پشاهنگ های طبقه کارگر کشورهای

سرمایه داری ورخی از کشورهای مستعمراتی که با استفاده از آن بر پایه اصول سیاسی و سازمانی جدید به تشکیل احزاب کمونیست در کشورهای خود پرداختند . ولی انقلابهای سوسیالیستی بعلمت ناموزونی تکامل اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری همزمان گسترش نیافت و طبق الگوهای از پیش تهیه شده — تکامل نپذیرفت . کشور شوروی که درگیر بود ارجنگ داخلی ویران گشته و در اثر نابسامانی اقتصادی ضعیف شده بود یکه و تنها بمقابله در برابر ته — حاجم بیگانگان ایستاد . پس از دفع تجاوز مسلحانه امپریالیستها و احراز پیروزی در جنگ داخلی سیاست اقتصادی نوین (نپ) شالوده ریزی شد . حزب تحت رهبری لنین برنامه تحول بنیادی کشور یعنی برنامه ساختمان سوسیالیسم را تنظیم کرد . ولی آیدار قبالی تثبیت نسبی سرمایه داری و در شرایط نپ میشد . این مسئله را طرح کرده ساختمان سوسیالیسم در یک کشور نه فقط آغاز کرد بلکه بانجام نیز برسد ؟

این همان پرسش عظیمی است که حزب با اتکا به ره نمود های لنین بآن پاسخ مثبت داد و حقانیت خود را بر اساس واقعیات و در جریان مباحثات حاد با تروتسکیسم به ثبوت رسانید . تکنیک و اقتصاد در مید حرکت سطح نازلی داشتند و حملات جهان سرمایه داری ، که یگانه کشور — سوسیالیستی را در حلقه محاصره خود میفشرد ، سخت و خنده گرانه بود . در چنین شرایطی مبارزه طبقاتی در این سالها در اتحاد شوروی آشکال بسیار حادای بخود گرفت . همانطور که لنین پیش بینی کرد اقدام بانقلاب در روسیه بمراتب آسانتر از ادامه آن بود .

حزب بلشویک به احسن وجه از عهد انجام وظایف محوله برآمد ، هرگونه مقاومت ، هرگونه تزلزل و دشواریها را با قطعیت تمام از سر راه برداشت و در فاصله زمانی بسیار کوتاه بی هیچ کمک خارجی اتحاد شوروی را بمکشور صنعتی عظیم بدل ساخت ، استقلال اقتصادی خود را در قبالی کشورهای سرمایه داری تامین کرد و مناسبات اقتصادی و تمام شیوه زندگی دهقانان را دگرگون نمود . ساختمان سوسیالیسم انقلاب فرهنگی بسود خلق را نیز در بر میگرفت . توده های زحمتکش که اکثریت قریب بتعام آنها بیسواد بودند جهش عظیمی بسوی قلمهای فرهنگ و علم انجام دادند . بیش از صد قوم و ملیت ساکن اتحاد شوروی نه فقط حق شناسایی و احترام به خصوصیات ملی خویش را بدست آوردند ، نه فقط از برابری حقوق سیاسی برخوردار شدند بلکه از عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی نیز که تساریسم آنها را بدان محکوم کرده بود ، نجات یافتند و راه سوسیالیسم ، راه پیروزی را در پیش گرفتند و اکثر آنها مرحله سرمایه داری را در سیر تکامل تاریخی خود ، طی نشده گذاشتند . اتحاد شوروی در نتیجه این دستاورد های سترک نیرومندی و قدرت دفاعی خود ، اعتبار و نفوذ خود را در سراسر جهان بمیزان عظیمی افزایش داد .

اتحاد شوروی این کامیابیها را در بر تومساعی و از خود گذشتگی های ملل کشور ، در بر تومساعی کار و تلاشهای خستگی ناپذیر حزب بلشویک برای یافتن اشکال و اسالیبی که به بهترین نحوی برای ساختمان جامعه نوین متناسب باشند ، بدست آورد و برای نیل بان راهی نامشکوف پراز دامهای خنده گرانه و دشواریهای بزرگ پیمود . شاید به همین جهت بود که در جریان ساختمان سوسیالیسم ، که تحت شرایط داخلی و خارجی انچنان دشوار صورت گرفت ، اشتباهات و افراط و تفریط هائی روی داد . ولی با وجود اشتباهات رهبری دوران استالین ، با وجود شدت عمل این رهبری در قبالی دفع مقاومت و درهم کوفتن دشمن — در محتوی طبقاتی و در مفهوم دیموکراتیک و سوسیالیستی واقعیت نوین یعنی واقعیت شوروی تغییریری حاصل نشد .

واقعیات نشان میدهند که علیرغم ادعاهای تروتسکیستها پیروی از مشی ساختمان سوسیالیسم در یک کشور منحصر بقدر معنایش نشان دادن محدودیت ملی و خودخواهی در بررسی مسائل انقلاب جهانی نبود . برعکس پیروی از این مشی با اتحاد شوروی اجازه داد در رشته اقتصادی پسرعت به کشورهای سرمایه داری برسد و تمام نیروی نخستین کشورهای سوسیالیستی را بدفاع از صلح و آزادی بگمارد در جریان ساختمان سوسیالیسم و پاپهای کامیابیهای آن وزن و اعتبار فعالیت اتحاد شوروی در مبارزه بخاطر صلح و آزادی ملل روز بروز بیشتر شد . در همین دوران بود که اتحاد شوروی توانست در راه ملل و دلی که مضموم شده بودند در قبال تجاوز فاشیستی ایستادگی کنند ، قرار گیرد .

در همین دوران بود که در پرتو تجارب حزب بلشویک جنبش جهانی کمونیستی فعالیت خود را در کشورهای تحت اسارت استعمار تقویت کرد و دامنه مبارزه در راه صلح و علیه فاشیسم را توسعه داد و نیز در همین دوران بود که مشی وحدت ملل فقط میان نیروهای کارگران و سایر زحمتکشان بلکه همچنین میان تمام هواداران صلح و مبارزان ضد فاشیست و میان تمام دموکراتها ببارد بگردد و تکمیل شد و امکانات و خواستههای جدید ماساز گردید . این مشی بعد هاد رکنگره هفتم انترنال - سیونال کمونیستی تدقیق شد و تکامل پذیرفت و پایه تشکیل جبهه خلق در بسیاری از کشورهای گردید و هنگامیکه اسپانیای جمهوریت در معرض تهاجم ژنرال های شورشی پیر فاشیسم آلمان و ایتالیا قرار گرفت و تنها کشورهای شوروی بود که بان کمک واقعی اقتصادی و نظامی و سیاسی میکرد - ملل سراسر جهان را در مقیاس وسیع برای دفاع از جمهورخواهان اسپانیایی بسیج کرد . کمک با اسپانیای جمهوریت نخستین نمونه عملی تحقق اتحاد و یگانگی عظیم ملل ، احزاب و دلی علیه فاشیسم بود . ضرورت این اتحاد را رکنگره هفتم انترنال سیونال کمونیستی تاکید کرده بود و تحقق آن سرمشقی شد برای اتحادی که بعد هاد در جریان دومین جنگ جهانی بمقیاس بسیار وسیع ادامه عمل بخود پوشید و پایه ای برای غلبه بر فاشیسم قرار گرفت .

اتحاد شوروی در امر تار و مار کردن فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن نقش قاطع ایفا کرد و بدینسان جامعه بشری را از خطر اسارت فاشیستی نجات بخشید . پیروزی در جنگ بعلت شرکت اتحاد شوروی در آن برای ملل یکسلسله از کشورهای اروپا و آسیا شرایط مساعدی جهت سرنگونی حکومت سرمایه داران و زمین داران بزرگ فراهم ساخت . پس از جنگ کشورهای بسیاری راه سوسیالیسم در پیش گرفتند . در چین نیز انقلاب خلق پیروز شد . این پیروزیهای برق آسای سوسیالیسم ضریب تازه ای بر مواضع امپریالیسم وارد ساخت . اکنون سوسیالیسم نه در یک کشور بلکه در مجموعه ای از کشورهای سوسیالیستی با جمعیتی معادل یک سوم تمام جامعه بشری ، شکوفان است . ایمن کشورهای اشتراک سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ملل آزاد و حاکم بر سر نوشت خویش را تشکیل میدهند که منافع و اهداف مشترک ورشته های محکم همبستگی سوسیالیستی آنها را بیکدیگر پیوند میدهد . این همبستگی ضامن امنیت آنها در قبال ارتجاع امپریالیستی است . کمکهای مادی و سیاسی اتحاد شوروی باین ملل امکان داد در فاصله زمانی بسیار کوتاه ویرانیها و مضائب ناشی از جنگ ویا ناشی از عقب ماندگی میراث دوران گذشته را بر طرف سازند .

کشورهای دموکراسی توده ای تجارب سیاسی تازه ای اند و خسته اند که بسیاری عناصر جدید و اصیل در اشکال سازمان اقتصادی و سیاسی جامعه وارد ساخته است . این تجارب خصوصیات تکامل انقلاب سوسیالیستی را در شرایط تضعیف امپریالیسم و تغییر تناسب قوا کدر عرصه جهانی بسود سوسیالیسم انجام میدهد ، منعکس میکند . خصوصیات تاریخی و ملی هر یک از کشورهای

د موکراسی توده ای در این تحارب تازه متمرکز شده است *

ولی این تحارب تازه نیز مومد اثر بخشی در سهای اساسی انقلاب اکتبر و تجربه اتحاد شوروی است و نشان میدهد که فقط در صورتیکه زمام حکومت بدست طبقات زحمتکش باشد میتوان در ساختمان سوسیالیسم به کامیابی رسید ، فقط اتحاد محکم باتوده های زحمتکش غیر پرولتر طبقه کارگر امکان میدهد نقش خود را بعنوان خالق جامعه نوین ایفا کند و فقط کشور سوسیالیستی میتواند توده ها را متشکل و متحد کند ، رهبری امور اقتصادی و فرهنگی را بر اساس برنامه واحد علی سازد و دفاع از دستاوردهای انقلاب را تامین نماید *

اتحاد شوروی و جامعه مشترک کشورهای سوسیالیستی در دوران پس از جنگ به استوارترین در دفاع از صلح و آزادی ملل بدل شدند * فعالیت آنان به نوسازی نظامات سراسر جهان همه ریشه کن ساختن سیستم استعمار و پیروزی سوسیالیسم در سراسر جهان کمک میکند * تفوق قوای سوسیالیسم بر قوای امپریالیسم ، قوای صلح بر قوای جنگ هم اکنون در مقیاس جهانی با وضوحی بیش از پیش نمود ارمی شود * کمترین تردیدی نیست که پیدایش این تناسب قوای جدید در عرصه جهانی برای جامعه بشری خوشبختی عظیمی است زیرا بدینسان خطر ماجراجویی های جنگی امپریالیسم هرچه بیشتر کاهش میپذیرد * اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن در امر حصول این مقصود نقش قاطع داشته و دارند و این فقط نتیجه تاثیر انقلاب اکتبر و ساختمان سوسیالیسم نیست بلکه نتیجه تاثیر هدایت کننده پیدایش کشورهای جدید سوسیالیستی و سیستم سوسیالیسم نیز هست * ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی با منافع تمام سیستم جهانی سوسیالیستی و منافع پرولتاریای بین المللی و تمام جامعه بشری مطابقت دارد *

هم اکنون یاد آور شدیم که کار عظیم و پیروزمندانه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و ایفای نقش رهبر جهانی و ارائه سرمشق که شرایط تاریخی مشخص عملاً بعهد حزب کمونیست اتحاد شوروی گذشت در دوران رهبری استالین بدون اشتباهات و تحریفات و افراط و تفریط انجام گرفت * شرایط عینی تاریخی که تحت آن این کار و این رهبری انجام گرفت کار را به تمرکز بیش از حد قدرت سوق میداد * ولی این تمرکز حتی زمانی هم که این شرایط عینی دیگر وجود نداشت و چنین تمرکزی با جامعه سوسیالیستی رشد یافته تضاد پیدا کرده بود باقی ماند و حتی تشدید شد * استالین توجه بشری را بحد اقل میرسانید و همه چیز را بعوامل ذهنی ، به استعداد و قابلیت ، به سمت گیری و وفاداری رهبران و سازمانهای پائین تابع میساخت *

سمت مبارزه علیه دشمن طبقاتی بدین طریق بداخل حزب و علیه کارشکنی و "خیانت" متوجه گردید و قدرت در دست عدو معدودی متمرکز شد و اسلوب امر و نهی حاکم شد * دموکراسی درون حزبی و دموکراسی سوسیالیستی غالباً فدای کیش استالین پرستی میشد و ستایشگری در کار سیاسی مانع درک معضلاتی بود که سیر عینی تکامل جامعه شوروی بعین میکشید و این امر موجب تضعیف پایداری و قابلیت پیکار حزب میگردد * البته اشتباهات و کجته بینی های رهبری استالینی هیچگاه به ارکان پروسه انقلابی مربوط نمیشد و تاثیر آنرا در جریان حوادث جهانی تغییر نمیداد ولی مع الوصف در راه تکامل این پروسه پاگیر بود و این امر در جریان ساختمان سوسیالیسم ، در پیشرفت سوسیالیسم در کشورهای دیگر ، در خلافت تعالیه مارکسیستی و در حل مسائل ویژه جنبش جهانی کارگری تاثیر منفی بخشید *

در دوران استالین هرگونه اختلاف نظری به تضاد آشتی ناپذیر ، به "عدول" از اصول

وه گسیختگی تبدیل میشد. وقتی هراختلاف نظری به گسیختگی بدل گردد دیگر امکان بحث باقی نماند. ولی تکامل خلاق مارکسیسم - لنینیسم بمباحثات آشکاره مقابل آزادانه عقاید وه کاوش های دائم نیازمند است. باینجهت بسط دامنه دموکراسی درون حزبی شرط حفظ ارتباط دائم فعالیت حزب با واقعیت عینی، شرط چاره اشتباهات و شرط کار صحیح مرکزیت دموکراتیک بسط دامنه دموکراسی سوسیالیستی، شرط حفظ ارتباط روز-افزون میان حزب و توده های عظیم مردم است. وحدت اندیشه و عمل، وحدت بحث و فعالیت علی همان عاملی است که حزب کمونیست بر اساس آن ثابت میکنند که در طبیعت خود حزب مبارزه و عمل انقلابی است. گرامشی تاکید کرده است که: " شرط طبیعی و ضروری اصلیت اشتی ناپذیرد فعالیت علی، ابرازشکیبائی در مباحثه ایست که بر اساس آن باید تصمیم اتخاذ گردد".

واقعیت بسیارشایان توجه اینست که ابتکار و اقدام به تقیح و رفع اشتباهات و کج رویهای دوران استالین از خود حزب کمونیست اتحاد شوروی منشأ گرفت. کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی کثیر استالین پرستی را با قطعیت تمام افشا کردند و موجبات مبارزه در راه احترام اکید به اصول قوانین سوسیالیستی و در راه توسعه دموکراسی رافراهم ساختند.

پایین عمل قابلیت نظام شوروی و حزب کمونیست برای اعتراف به اشتباهات و نقائص خویش و رفع آنها از داخل در عین الهام گرفتن از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم تأیید شد.

فی الواقع هم همانطور که لنین نوشته است: " نحوه برخورد حزب سیاسی به اشتباهاتش یکی از مهمترین و موثق ترین معیارهای حدی بودن حزب و تحقق علی وظایف آن در قبالی طبقه خویش و توده های زحمتکش است. اعتراف آشکار به اشتباه، کشف علل آن، تحلیل اوضاع و احوالی که موجب بروز آن شده، بررسی دقیق و سائل رفع اشتباه - اینست نشانه حزب جدی، اینست نحوه انجام وظایف از طرف آن، اینست طرز تربیت و تعلیم طبقه و سپس ایضاً توده ها". (لنین، کلیات آثار، جلد ۳۱، ص ۳۹).

نکوهش کبیر شخص پرستی و تقیح عواقب آن سهم عظیمی بود که حزب کمونیست اتحاد شوروی در امر احیاء اصول مارکسیسم - لنینیسم در جنبش جهانی کارگری و در امر تکامل بعدی آن ادا کرد. انتقادات کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی در حکم آغاز یک دوران تحولی و متحد قطعی بود و پیروسه رفع اشتباهات و تفحصات جدیدی را در احزاب کمونیست برانگیخت و آنها امکان داد که نظریات مبتنی بر فرمولهای قالبی و مواضع سکتاریستی را از بین ببرند و تغییرات وارده و امکانات جدید عمل انقلابی را بهتر درک کنند. مختصر آنکه نیروی خلاقه احزاب کمونیست فزونی یافت و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم در جریان تماس زنده با واقعیت عمیقتر و غنی تر شد. ابتکار انتقاد و پژوهشی و تکمید کنند همایه الهامی بود برای تنظیم اسناد برنامه های جنبش جهانی کمونیستی در مورد مهمترین مسائل دوران ما، اسنادی که توسط جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری منعقد و در مسکو تنظیم و تصویب شده است.

کمونیست ها بر اساس اسناد و مدارک کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی و اسناد مصوبه جلسات مشاوره مسکو این گرایش را مشتخصی دادند که اسلوب ها و رفتارهای ککمونیستهای اتحاد شوروی در شرایط تاریخی خاص احیاء از آن پیروی میکردند، بعنوان سرمشق منحصر بفرد و تنها راه ممکن رسیدن بسوسیالیسم تلقی شود. ضمناً این نتیجه گیری

انعکاسی است از زهنمودهای دقیق لنین که در سال ۱۹۰۸ اخطار کرده است که * جنبش انقلابی جهانی پرولتاریا در کشورهای مختلف موزون و اشکلهای یکسان انجام نمیگیرد و نمیتواند انجام گیرد * * * هر کشور مهر و نشان ارزنده واصل خود را بر حین جریان عمومی نقش خواهد کرد * * * (کلیات آثار، جلد ۱۵، ص ۱۶۴) *

لنین در سال ۱۹۲۰ در یکی از فصول کتاب خود * بیماری کودکی * چپ روی * در کمونیسم * از بحث خود علیه سکتاریسم چپ نتیجهگیری میکند و مینویسد : * * * آنچه را که وحدت تاکتیک بین المللی جنبش کمونیستی کارگری تمامکشورها ایجاد میکند از بین بردن تنوع و محتویات ملی نیست (چنین چیزی در حال حاضر از روی بوجی بیش نیست) بلکه بکار بستن اصول اساسی کمونیسم (یعنی استقرار حکومت شوراهای و دیکتاتوری پرولتاریا) بصورتی است که جزئیات اصول را بدرستی تغییر شکل دهد و امتیازات ملی و دولتعلی بدرستی دمساز کند و تطبیق دهد * * * وظیفه عمده تمامکشورهای پیشرو (و نه فقط کشورهای پیشرو) در لحظه تاریخی کنونی عبارتست از پژوهش، بررسی، کاوش، کشف و دریافت خصوصیات و ویژگیهای ملی اسالیب مشخصی که هر کشور برای انجام مشترک انترناسیونالیستی خود بکار میرد * (لنین، آثار منتخبه، جلد دوم، قسمت دوم، ص ۵۰۵ - ۵۰۶، چاپ فارسی، مسکو، سال ۱۹۵۷) *

در سال ۱۹۴۳ هیئت رئیسه کمیته اجرائیه انترناسیونال کمونیستی این مطلب را خاطر نشان ساخت : * وجود تمایز عمیق میان طرق تکامل تاریخی کشورهای مختلف جهان، تفاوت و حتی متضاد بودن نظام اجتماعی آنها بایکدیگر، اختلاف سطح و اختلاف آهنگ سرعت پیشرفت اجتماعی و سیاسی و سرانجام اختلاف سطح آگاهی و تشکر کارگران و ظاغی را هم که در برابر طبقهکارگر هر یک از کشورها قرار دارد از یکدیگر متمایز کرده است * * * نظر باین اصل هیئت رئیسه کمیته اجرائیه انترناسیونال کمونیستی درست در آن هنگام که اقدامیابیهای جنبش کمونیستی و اوضاع و احوال ناشی از جنگ امکانات و طرق جدیدی برای پیشروی بعدی بوجود آورده بود - تصمیم بآنحلال انترناسیونال گرفت *

طرق جدید بر اساس نتیجهگیریهای سیاسی جدید و اقدامات توده ای وسیع پیموده شد * * * تحسین اشکال نوین تقرب و پیشروی بسوی انقلاب بصورت مبارزه بخاطر استقرار دموکراسی طراز نوین متحلی شد و در کشورهایی که حکومت بدست جبهه متحد نیروهای توده ای دموکراتیک و ضد فاشیست - متشکله در جریان بیکار میهن پرستانه علیه فاشیسم - افتاد بصورت دموکراسی توده ای تحقق یافت * * * بعبارت دیگر در این کشورها تصرف حکومت بشکلی جز آنچه که در اتحاد شوروی بود، انجام گرفت و این کار با استفاده از اسلحهها بترکیب نیروهای محلی شد که در قیاس با تجربه اتحاد شوروی از خود مختصات ویژه ای داشتند *

ابتکار حزب کمونیست اتحاد شوروی را در مورد نفی هرگونه مفهوم دولت " رهبر " و حزب " رهبر " که پس از تقبیح کیس استالین پرستی انجام گرفت، میتوان تکامل منطقی اقدام سال ۱۹۴۳ در مورد آنحلال کمیترن دانست * * * این بهیچوجه بمعنای نفی یکم بهادادن به نقش تردیدناپذیری که اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی در سراسر جهان ایفا کرده و میکنند نیست بلکه فقط در حکم تاکید برابری حقوق تمام احزاب کمونیست و استقلال کامل آنها در تعیین مواضع سیاسی و اقدامات محلی و تعیین اشکال سازمانی و فعالیت درون حزبی متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی خاص هر کشور، متناسب با سنن و اشکال دموکراتیک حیات هر کشور و مطابق با

وظائف مستقیمی است که در عین همبستگی کامل برقراری وحدت ایدئولوژیک با مجموعه جنبش جهانی کارگری و دموکراتیک، در این کشورها مطرح است *



در نتیجه تحلیل اوضاع و احوالی که بمناسبت تشکیل سیستم کشورهای سوسیالیستی و تلاشی سیستم استعمار و تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی یسود سوسیالیسم، بوجود آمده امکان پیدايش اشکال جدید گذار به سوسیالیسم و شیوه های جدید تشکیلات و استفاده از حکومت برای ساختمان جامعه سوسیالیستی - بیشتر شده است *

در اسناد جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مسکوف گفته میشود: " در شرایط کنونی در یک سلسله از کشورهای سرمایه داری طبقه کارگر تحت رهبری پیشاهنگ خود امکان دارد بر پایه جبهه متشکل از کارگران و سایر توده های مردم و استفاده از اشکال ممکن دیگر توافق و همکاری سیاسی میان احزاب و سازمانهای اجتماعی مختلف، اکثریت مردم را متحد کند و زمام حکومت را بدون توسل به جنگ داخلی بدست آورد و مسائل اساسی تولید را به دست مردم درآورد *
طبقه کارگر باتکیه بر اکثریت مردم و با طرد قطعی عناصر اپروتونیستی که قادر نیستند از سازشکاری با سرمایه داران و مالکان دست بکشند امکان دارد به نیروهای ارتجاعی دشمن مردم شکست وارد سازد، اکثریت باید اردو پارلمان بدست آورد، پارلمان را از افزایش منافع طبقاتی - بورژوازی به افزایش منافع مردم زحمتکش بدل سازد، مبارز توده ای وسیعی را در خارج از پارلمان گسترش دهد، مقاومت نیروهای ارتجاعی را درهم شکنند و شرایط لازم را برای تحقق مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی فراهم آورد * *

در کشورهای سرمایه داری رشد یافته انحصارات بزرگ منافع طبقه کارگر و توده های عظیم مردم را در کلیه شئون پایمال میکنند * فشار انحصارات نه فقط برای طبقات زحمتکش بلکه برای کلیه قشرهای دیگر اهالی نیز روز بروز تحمل ناپذیرتر میشود * در این شرایط بحرکت درآوردن جنبش وسیع و پیوسته کارگران و توده های دهقان و قشرهای میانه حال شهرنشین علیه سرمایه انحصاری بزرگ، علیه سیاست ارتجاع و جنگ و در راه دموکراسی و اجرای اصلاحات عمیق و، با اصطلاح ما، اصلاحات استروکتور، امکان پذیر میشود *

در این شرایط در یک سلسله از کشورهای سرمایه داری میتوان میان مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه در راه سوسیالیسم پیوستگی محکم برقرار ساخت بقسمیکه یکی برد دیگری تاثیربخشد و زنجیره پیگیری از جنبشها و اصلاحات، خاص در دوران گذار آغاز شود که با تغییر تدریجی تناسب قوا مقدمات و موجبات لازم را فراهم سازد تا طبقه کارگر و دیگر طبقات زحمتکش رهبری حیات اقتصادی و سیاسی را از طریق انقلابی بدست خود گیرند * بدین طریق مبارزه ضد مونوپولیستی و مبارزه در راه رفرفرمهای استروکتور در راه دموکراسی بجز "لایفنگ مبارزه در راه سوسیالیسم بدل میشود *
جنبش کمونیستی فقط با برقراری ارتباط محکم میان یک شکل مبارزه با شکل دیگر میتواند از یکسو علیه رفرفرمسم، که به دورنمای سوسیالیستی اعتنائی ندارد و آنرا مردود اعلام میکند، و از سوی دیگر علیه افراطیون سکتاریست که فقط در گفتار این دورنما را تاکید میکنند ولی برای تحقق آن قادر به هیچگونه فعالیت سیاسی موثر در آرای جنبه توده ای نیستند، بطور شمر بخش مبارزه کنه

جنبش جهانی کمونیستی در اسناد مصوب جلسات مشاوره مسکود ر قسمت مربوط به امکان انجام مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی ، کهکنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرده است ، باین نتایج رسیده است . ولی در این اسناد خاطر نشان شده است که در شرایط حدید نیز نباید رهنمود های لنین را درباره اینکه طبقات حاکم د اوطلبانه از قدرت دل برنمیکنند ، زیاد برد . همانطور که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است بدیهیست که " کامیابی مبارزه طبقه کارگر در راه پیروزی انقلاب وابسته بآن خواهد بود که طبقه کارگر و حزب آن تاچه اندازه بر تمام اشکال مبارزه ، اعم از مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز ، پارلمانی و غیر پارلمانی ، احاطه خواهند داشت و تاچه اندازه برای تعویض بسیار سریع و ناگهانی یک شکل مبارزه باشکل دیگر آن آمادگی خواهند داشت " .

کمونیست ها در یکسلسله از کشورهای سرمایه داری در نظر دارند از راه دموکراتیک و مسالمت آمیزه سوسیالیسم برسند . ولی این بدان معنی نیست که در تمام موارد میتوان از قیام و جنگ داخلی احتراز جست ، زیرا گروه های مرتجع بورژوازی برای سد راه پیشرفت سیاسی و اجتماعی همیشه آماده اند به قوه قهریه توسل جویند . اما کمونیست ها گسترش دامنه جنبش مبارزه کارگران و تمام توده های مردم را همان عاملی میدانند که بکمک آن میتوان نیروهای ارتجاعی را فلج نمود و آنها را مجزاً و منفرد ساخت و چنانچه بقوه قهریه توسل جویند آنها را در میدان نبرد نیز درهم کوبید .

قرار های کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت نیاز مند یها و وظایفی که در آن کنونی در مورد مسائل مربوط به جنگ و صلح یا آنها را بر و است سهم بسیار موثری در غنی ساختن مارکسیسم - لنینیسم اد کرده است . از آنجمله است مسائل مربوط به عواقبی که جنگ در نتیجه نیروی تخریبی دهشتناک سلاح هسته ای در پی دارد ، امکانات علی موجود برای پیشگیری این جنگ بمناسبت تغییر تناسب قوایان جهان سرمایه داری و جهان سوسیالیسم ، ضرورت همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی مختلف و نیز وظایفی که جنبش کارگری و کمونیستی برای ایجاد جهان فارغ از سلاح و فارغ از جنگ باید انجام دهد .

قرار های کنگره بیستم ، که ضمن بعنوان پایه ای برای تنظیم اسناد جلسات مشاوره احزاب کمونیست و کارگری مورد استفاده قرار گرفت (و سپس در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز منعکس گردید) مقدم بر هر چیز پند ار های پوچ و کود کانه ایرا که هنوز در میان برخی از اقشار باقی مانده بود زائل ساخت . آنها در این پند ار بودند که انجام انقلاب ناشی از تکامل داخلی هر کشور و تشدید تضاد های موجود در خود آن کشور و وابسته بد رجه رشد طبقه کارگر و حزب آن و درجه مقاومت طبقات حاکمه نبوده بلکه انقلاب را میتوان از خارج انجام داد - یا بکمک إعمال فشار کشورهای سوسیالیستی و یا بکمک جنگ .

خدمت کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و جلسات مشاوره جهانی در مسکو این بود که حکم مارکسیسم - لنینیسم را علیه " صدور انقلاب " مطرحی اولی علیه " صدور ضد انقلاب " با وضوح کامل خاطر نشان ساختند . در اعلامیه ۸۱ حزب مصوبه سال ۱۹۶۰ گفته میشود : " این واقعیت که هر دو جنگ جهانی ، که توسط امپریالیست ها آغاز شد با انقلاب های سوسیالیستی انجامید به هیچ وجه بدان معنی نیست که راه انقلاب اجتماعی بویژه در دوران ماکه سیستم جهانی نیرو مند سوسیالیسم وجود دارد حتما از وادی جنگ جهانی میگذرد " . برنامه حزب کمونیسم

اتحاد شوروی نیز خاطر نشان کرده است که " کمونیست ها هرگز معتقد نبودند که همراه انقلاب حتماً آزادی جنگ میان دول میگذرد . انقلاب سوسیالیستی با جنگ پیوستگی حتی ندارد . * هدفهای عالی طبقه کارگر بدون جنگ جهانی تحقق پذیر است " .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در برنامه خود اعلام میدارد که " هدف عمده خود را در ریشه سیاست خارجی غارت میداند از * * * تامین شرایط صلح آمیز برای ساختمان جامعه کمونیستی در اتحاد شوروی و تکامل سیستم جهانی سوسیالیسم و نیز نجات جامعه بشری از جنگ خانمانسوز جهانی با توافق تامهمل صلحدوست " . این سخنان تأیید سیاست سنتی دیرینی است که اتحاد شوروی از روز پیدایش خود تعقیب کرده است . بیاد بیاوریم که اتحاد شوروی با دعوت صلح از " همه و همه " پای بعرضه وجود نهاد * ولی امروز سیاست اتحاد شوروی در شرایط جدیدی عملی میشود که بکمک آن میتوان به بارزه علیه جنگ تیروی جدیدی بخشید و در نهای صحیح تری را در نظر گرفت .

اقتدار روز افزون اتحاد شوروی و سیستم کشورهای سوسیالیستی و مسیح نیروهای صلح در سراسر جهان به امپریالیستها امکان نداد مسابقه میان دو سیستم را به مجرای جنگ بیانند آزند و این مسابقه را براه تصادمات مسلحانه و جنگ سوق دهند . این ره آورد اساسی سیاست مسالمتآمیز اتحاد شوروی و حزب کمونیست آنست ، ولی در عین حال نشانه تغییراتی که در جهان انجام گرفته و میگیرد نیز هست . البته طبیعت تجاوزکار امپریالیسم تغییر نکرده است . اگر کار فقط وابسته به اراده امپریالیستها بود جهان مدتها پیش به جنگ جهانی جدید کشانده شده بود . ولی جنگ و صلح امروز دیگر فقط وابسته به هوس امپریالیستها نیست . در جهان نیروهای پدید آمده اند که قادرند نقشهای تجاوزکارانه آنها را برهم بزنند و هوس توسل به سلاح هسته ای برای برقراری تسلط جهانی را از سر آنها بدرکنند .

البته خطر جنگ جدید بر طرف نشده ، ولی " تحکیم کشور شوروی و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی ، گامهای تاریخی در راه تحقق آرزوی دیرین بشریت در باره حذف جنگ از صفحه زندگی جامعه است . در بخش سوسیالیستی جهان طبقات و گروههای اجتماعی ذینفع در سرافروختن ناآثره جنگ وجود ندارند . سوسیالیسم با پیش گرفتن بر سرمایه داری در یک سلسله از رشته های مهم علم و تکنیک ، وسائل مادی نیرومندی برای جلوگیری از تجاوز امپریالیستی بدست ملل صلحدوست داده است * (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی) . موجودیت و اقتدار اتحاد شوروی و سیستم کشورهای سوسیالیستی همان عاملی است که به علل تمام کشورهای امکان داده است طی سالهای اخیر از نعمت صلح برخوردار باشند .

ولی آیا در شرایط بین الملل کنونی میتوان از جنگ احتراز جست ؟ این سئوالی است که ملل از خود میکنند . حزب کمونیست اتحاد شوروی باین سئوال چنین پاسخ میدهد : " با مساعی مشترک ارد و گاه نیرومند سوسیالیستی و کشورهای صلحدوست غیر سوسیالیستی و طبقه کارگر بین المللی و تمام نیروهای مدافع صلح میتوان از جنگ جهانی جلوگیری کرد . " تفوق روز افزون قوای سوسیالیسم بر قوای امپریالیسم ، قوای صلح بر قوای جنگ موجب میشود که قبل از پیروزی کامل سوسیالیسم در جهان در همان حال که سرمایه داری هنوز در بخشی از جهان باقیست برای حذف جنگ جهانی از صفحه زندگی جامعه امکان واقعی پدید گردد . " (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی) .

تامین صلح از طریق خلع سلاح عمومی و کامل مشمول کنترل اکید بین المللی ، از طریق قطع

* جنگ سرد * و تعقیب سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری امکان پذیر خواهد بود * چنین است پیشنهادها و محتوی سیاست اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی * همزیستی مسالمت آمیز اصول زیراد برمیگردد : نفی جنگ بعنوان وسیله حل مسائل مورد اختلاف میان دول ، حل این مسائل از طریق مذاکره ، برابری حقوق ، تفاهم و اعتماد متقابل میان دول و رعایت منافع یکدیگر ، عدم مداخله در امور داخلی ، شناسائی حق هر ملت برای حل مستقل تمام مسائل کشور خویش ، احترام کامل به حاکمیت و تمامیت ارضی کلیه کشورها ، بسط دامنه همکاری اقتصادی و فرهنگی بر پایه برابری کامل و رعایت منافع متقابل * (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی) * اتحاد شوروی به پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز قرارداد مسکو را در باره منع آزمایشهای سلاح هسته ای در هوا و در فضا و زیر آب با اتفاق ایالات متحده امریکا و انگلستان امضا کرد و با این عمل به کامیابی جدید قابل ملاحظه ای نائل آمد .

میدانیم که همزیستی مسالمت آمیز یکی از اشکال ویژه مبارزه طبقاتی میان دو سیستم است و بهمین جهت هدف آن به پیچوجه حفظ وضع اجتماعی و سیاسی موجود در جهان نیست * کشورهای سوسیالیستی همزیستی مسالمت آمیز را اساس فعالیت خود بمنظور تقویت بیش از پیش مواضع سیستم سوسیالیستی در مسابقه این سیستم با سرمایه داری میدانند * همزیستی مسالمت آمیز بنیاد نیکویی است برای اقدامات مجدانه در کشورهای سرمایه داری و برای پیشرفت طبقه کارگر و برانداختن نیرو و حکومت بورژوازی بزرگ در کشورهای مستعمره یا کشورهای که قبلاً مستعمر بوده اند *

اتحاد شوروی همواره از سیاست همزیستی مسالمت آمیز پیروی کرده و اکنون نیز بنحویست پیروی میکند * این گمانه اصل معقول و عادلانه مناسبات میان کشورهای پیرو رژیمهای اجتماعی مختلف است * یا همزیستی مسالمت آمیز میان دو سیستم و یا جنگ جهانی منهدم کننده ؛ چنین است حتم ناگزیر عصر حاضر * در اعلامیه جلسه شماره ۸۱ حزب/کمونیست های تمام جهان دفاع از همزیستی مسالمت آمیز و مبارزه قاطع در راه پیشگیری از جنگ را متعهد شده و اعلام داشته اند که برای کمونیستها و طبقه کارگر برای صلح و دموکراسی سراسر جهان امروز وظیفه ای برتر و خجسته تر از مبارزه در راه منافع جامعه بشری از فلاکت جنگ جهانی جدید وجود ندارد * صلح و همزیستی مسالمت آمیز برای ملی که از قید تسلط امپریالیسم آزاد شده اند بهترین شرایط را جهت رستاخیز ملی ، برانداختن عقب ماندگی و فقر دیرین و احراز استقلال کامل سیاسی و اقتصادی فراهم میسازد * امپریالیستها میکوشند به روشی که ای شد مستعمرات سابق را در قید وابستگی خود نگاه دارند و استثمار آنها را ادامه دهند * آنها میکوشند مواضع خود را در ایمن کشورهای اشکال و اسالیب تازه و در لفافه کمک حفظ کنند و مواضع جدیدی بدست آورند * آزادی ملی با احراز استقلال سیاسی ختم نمیشود و فقط نقطه عطفی است برای انجام تحولات عمیق در حیات اجتماعی و اقتصادی برای حل برترین مسائل رستاخیز ملی *

انقلاب کبیر اکثر و تحقق عملی برابری مطلق تمام ملل اتحاد شوروی خاور زمین را باید آر کرد و ملل مستعمرات را به جنبش عظیم در راه آزادی و استقلال ملی جلب نمود * پیروزی اتحاد شوروی در زمین جنگ جهانی و پیدایش سیستم کشورهای سوسیالیستی عامل قاطعی بود برای انجام پیروزمندانانه این جنبش که امکان یافت از کمک برادرانه کشورهای سوسیالیستی و هواخواهی و پشتیبانی جنبش جهانی کارگری برخوردار شود * اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی در

مرحله بهرنج و دشوارکنونی نیز که کشورهای آزاد شده از قید استعمار باید از استقلال کسب شده خود دفاع کنند و در راه بنیاد گذاری زندگی ملی نوین به پیشروند برای آنها دست صدیقی و وفادار بود و هستند * در اعلامیه ۸۱ حزب گفته میشود: * آنها باین کشورها کمک و پشتیبانی میدهند ای مبدول میدارند تا در راه ترقی واحداث صنایع ملی و توسعه و تحکیم اقتصاد ملی و در امر تهیه کادر برای خود به پیشروند * علاوه بر این در مبارزه بخاطر صلح جهانی و علیه تجاوز امپریالیستی نیز با آنها همکاری میکنند * *

حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز بنهمه خود اعلام داشته است که اتحاد برادرانه با ملل آزاد شده از یوغ استعماری و نیمه استعماری را یکی از پایههای اساسی سیاست خود تلقی میکند * حزب کمونیست اتحاد شوروی کمک بمللی را که در راه احراز و تحکیم استقلال ملی به پیشروند، کمک بتمام مللی را که در راه محو کامل سیستم استعمار مبارز میکنند، وظیفه انترناسیونالیستی خود میداند * (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی) .

به نسبتی که سوسیالیسم به پیروزیهای جدید و جدید تر نائل میشود و در راه کمونیسم بسه پیش میرود و حد عمل نیز بیشتر تحکیم پیدا یابد * نظریه آنکه انقلابهای سوسیالیستی در کشورهای مختلف در زمانهای مختلف رخ داده و نقاط مبداء * در ساختمان بنای زندگی نوین این کشورها متفاوت بود * است زمان پایان ساختمان سوسیالیسم و گذار بجامعه کمونیستی نیز در این کشورها متفاوت خواهد بود * ولی همانطور که در مورد ساختمان سوسیالیسم مشاهده شد در مورد ساختمان کمونیسم نیز کشوری که مقدم بر کشورهای دیگر براه ساختمان کمونیسم گام مینهد راههای نامکشوف را برای کشورهای دیگر مکشوف میدارد و آنها امکان میدهد از تجارب جدید استفاده کنند و زمان لازم برای ساختمان سوسیالیسم را کوتاهتر و لحظه گذار به کمونیسم را نیز بکتر کنند * باینجهت با استناد به برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی میتوان گفت که " ساختمان کمونیسم

در اتحاد شوروی حیاتی و منافع یکایک کشورهای سوسیالیستی است * زیرا علاوه بر فوائد دیگر * اقتدار اقتصاد و قدرت دفاعی اردوگاه جهانی سوسیالیستی را تقویت میکند و امکانات مساعدتری برای تقویت همکاری اقتصادی و فرهنگی اتحاد شوروی با سایر کشورهای سوسیالیستی برای کمک باین کشورها و پشتیبانی از آنها فراهم میسازد * ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی در عین حال " بزرگترین پیروزی جامعه بشری " خواهد بود زیرا " هر گام جدیدی که بسوی قتل تابان - کمونیسم برداشته میشود بقوه های زحمتکش تمام کشورهای الهام میشود، در حکم پشتیبانی معنوی عظیمی از مبارزه بخاطر آزادی تمام ملل از قید ستم اجتماعی و ملی است و پیروزی اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم را در مقیاس جهانی تسریع میکند * *

* * *

بطوریکه از همین بررسی اجمالی نکات اساسی حیات حزب کمونیست اتحاد شوروی دیده میشود مبارزه این حزب، نمونه آن و دستاوردهای آن اهمیت جهانی عظیم داشته است * لنین پیشوای بزرگ این حزب سهم گرانبه و قاطع در تکامل تئوری انقلابی اد اکرده است * وفاداری حزب کمونیست اتحاد شوروی به مارکسیسم - لنینیسم، بامر سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تردید ناپذیر است * نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوران کنونی، در دوران مسابقه پر تپ و تساب

میان سوسیالیسم و سرمایه داری، دردوران گذار به کمونیسم نیز جنبه قاطع خود را حفظ کرده است .

مجموعه این نکات مذتباست نه فقط برای کمونیستها، بلکه برای زحمتکشان و دموکرات های سراسرجهان نیز، که میتوانند جریان تاریخ را باتوجه به مفهوم واقعی آن ارزیابی کنند، روشن شده است . این امرهمواره دراسناد احزاب کمونیست و جنبش جهانی کارگری تأیید میگردد . حزب کمونیست چین نیز مثل سایر احزاب کمونیست این واقعیات را تصدیق کرد وچندی پیش اسناد جلسات مشاوره بین المللی مسکو را که این تصدیق در آنها با وضوح کامل براساس تحلیل عمیق شرایط کنونی مبارزه منعکس است، امضا کرد .

ماتاسفانه طی سالهای اخیر و مخصوص طی ماههای اخیر رهبران حزب کمونیست چین نظریات و موضع گیری خود را در مورد این مسئله تغییر دادند . آنها به ایراد اتهامات بکلی عجیب و غریب و سخیفی علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی و یک سلسله از احزاب کمونیست پرداختند که هم بمسائل عمومی تئوریک و سیاسی مربوط است و هم با اقدامات مشخص . رفقای چینی که زمانی باتفاق کمونیستهای تمام جهان تحول عظیمی را که توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی درکنگره بیستم انجام گرفته بود تهنیت میگفتند و تأیید میکردند حالا افترا میزنند و حمله میکنند و این تحول را که به حزب کمونیست اتحاد شوروی امکان داد کثیر استالین پرستی را محکوم کند، کجروشها و اشتباهات مرتکبه استالین در رشته تئوری و پراکتیک را افشا نماید، عواقب خطیر کیش شخص پرستی را براندازد و صفا و پاکی و قدرت خلاقه مارکسیسم - لنینیسم را بان بازگرداند نفی میکنند . حزب کمونیست اتحاد شوروی تغییراتی را که در نتیجه کامیابیهای سیستم کشورهای سوسیالیستی در اوضاع بین المللی رخ داده تجزیه و تحلیل کرد و امکانات جدید پیشروی بسوی سوسیالیسم در شرایط علمی هر کشور را نشان داد .

این تجزیه و تحلیل و رهنمودها را اکنون رهبران چینی بعنوان عدول از تئوری مارکسیستی - لنینیستی درباره مبارزه طبقاتی جلوه گرمی سازند و حال آنکه همانطور که دیدیم این تجزیه و تحلیل و این رهنمودها نشانه پیگیرترین تکامل تئوری منبهر در دوران تاریخی کنونی است . رهبران چینی مشی عمومی فعلی حزب کمونیست اتحاد شوروی و جنبش جهانی کمونیستی را که بر پایه تقابل اصولی سیستم امپریالیسم و سیستم سوسیالیسم مبتنی است بعنوان دستکشیدن از رسالت تاریخی انقلاب جهانی وانمود میکنند و آنرا تبیح مینمایند، آنها جنبش آزادیبخش ملل تحت ستم امپریالیسم را خود سرانه و مشیوه افترا میزند نقطه مقابل مشی انقلابی جنبش کارگری و توده ای در کشورهای سرمایه داری قرار میدهند و نیز امکان به ثبوت رسیدن احتراز از جنگ در شرایط تاریخی کنونی و ساختمان مناسبات نوین میان ملل بر پایه همزیستی مسالمت آمیز را تعجب خطرناک می شمارند .

بطوریکه می بینیم رفقای چینی تمام مشی تنظیم شده از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و جلسات مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری را نفی میکنند و مورد تبیح قرار میدهند . آنها بحای تحلیل مشخص بشیوه تجریدی و منحوخود سرانه در مقابل مواضع و تزه ابر می آیند . دشنام، تخطئه و افترا جایگزین مقابله عینی اندیشهها و تجارب میشود . رفقای چینی بدین طریق عدو جمعی خود را به در نظر گرفتن خصوصیات دروان کنونی، که راه جنبش انقلابی را معین میکند، نشان میدهند و طومار بلند بالائی از عبارات چه انقلابی کاذب ردیف میکنند که جز ایجاد مانع برای احزاب کمونیست در امر پیشرفت انقلاب، نتیجه دیگری ببار نمیآورد .

در نظریاتی که اکنون توسط رفقای چینی مطرح میشود به نقش سیستم سوسیالیستی در پروسه انقلابی جهانی بانواع مختلف کم بهاداد میشود و این واقعیت بهیچ انگاشته میشود که دوران کنونی برمدار طبقه کارگرین المللی و دستاورد اساسی آن سیستم جهانی سوسیالیستی میگردد و صفت مشخصه عمده عصر ما عبارتست از تبدیل سیستم جهانی سوسیالیستی به عامل قاطع تکامل جامعه بشری و اینکه سیستم مزبور امروز سپر مطمئنی است که ملل آزاد شده یا ملل مبارز آزاد از قید استعمار در پناه آن میتوانند استقلال خود را تثبیت کنند و پروسه انقلاب ملی خویش را با احراز موفقیت ادامه دهند . ملل آسیا و آفریقا و امریکای لاتین فقط بر پایه اتحاد کامل با کشورهای سوسیالیستی و با جنبش جهانی کارگری میتوانند به آزادی کامل ملی و به استقلال ملی در قبال امپریالیسم نائل آیند .

رفقای چینی هنگام ملاقات میان هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین ، که در مسکو صورت گرفت در باره مسائلی هم که تا اکنون مورد اختلاف نبود - یعنی درباره تبدیل اتحاد شوروی از دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت عموم خلق و تبدیل حزب کمونیست اتحاد شوروی به حزب تمام خلق - مشی خلاق حزب کمونیست اتحاد شوروی را در معرض حملات ناهنجار قرار دادند . تمام احکام فوق که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح شده صحیح و مستدل است . پس از پیروزی سوسیالیسم ، هنگامیکه در کشور فقط طبقات زحمتکش بر حاکمیتند دیگر کسی نیست که اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را مورد آن لازم باشد . در این هنگام بنیاد اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا تمام طبقات و قشرهای جامعه را در بر میگیرد و دولت پرولتری برای آنها پس از پیروزی سوسیالیسم دیگر افزایش تسلط طبقاتی نیست ، بلکه سازمان سیاسی تمام مردم بدل میگردد . در این شرایط طبقه کارگر دیگر به دیکتاتوری خود برای تأمین رهبری جامعه نیاز ندارد و این نقش خود را بر اساس موقعیت قاطعی که در تولید اجتماعی دارد بر اساس اعتبار و نفوذ خود ایفا میکند . حزب کمونیست نیز پس از تبدیل به حزب تمام خلق خصلت خود را بعنوان حزب طبقه کارگر از دست نمیدهد زیرا طبقه کارگر در جامعه شوروی بزرگترین بخش مردم مخترع پیشرو اثرات تشکیل میدهد .

رفقای چینی در مسئله کیش شخصیت یک عقب گرد واقعی ۱۸۰ درجه کرده اند . کیش شخصیت رهبران در نظر آنان گویا جزئی از تعالیم لنین در باره روابطی است که باید میان رهبران - حزب - طبقات و توده ها برقرار باشد . علت این عقب گرد نیت ستایش نقش رهبران حزب کمونیست چین و ترفیع آنان به مقام اوتوریته های خطاناپذیر در رشته تئوری و پراکتیک مارکسیسم - لنینیسم است . ولی مسئله کیش شخصیت را نباید فقط به ارزیابی شخصیت استالین یا رهبران کمونیست دیگر منحصر کرد . حد و دایره مسئله وسیعتر است ؛ سخن بر سر طرق و اسلوبهای ساختمان سوسیالیسم و نیز بر سر این مسئله است که آیا ساختمان مزبور در راه حد اعلا گسترش و توسعه دموکراسی سوسیالیستی انجام خواهد گرفت یا نه ، سخن بر سر اصول سازمان و حیات حزب بر سر این مسئله است که آیا این اصول متوجه تأمین شرکت خلاق و آگاهانه تمام فعالین حزبی در تنظیم و تحقق مشی سیاسی خواهد بود یا نه . کیش شخصیت ، با روح خلاق مارکسیسم - لنینیسم و تعالیم لنین درباره دیکتاتوری پرولتاریا و روابط میان توده ها - حزب و رهبران همساز نیست . نکوهش کیش شخصیت در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی امکان داد که سیمای سوسیالیسم از کج رویها و تحریفاتی که توسط استالین انجام گرفته بود و احزاب کمونیست را بکار خلاق برانگیخت ، شسته شود . فقط در آنجا و در آن حد و دایره که این کار خلاق انجام گرفته اختلالی جنبش کارگری نیز صورت پذیرفته است .

نیکی تا خروشچف ضمن گزارش ریگنر ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت مارکسیسم - لنینیسم همیشه هر گونه ظاهر: کیش شخصیت را شدیداً انتقیح کرده و آنرا منافق باروح جنبش انقلابی جهانی و منافق باروح کمونیسم دانسته است. * مارکس، انگلس ولنین مردم را خالق واقعی تاریخ میدانسته اند و نقش رهبری کنند و سازمان دهند حزب طبقه کارگر را خاطر نشا ساخته اند. * مارکسیسم - لنینیسم نقش مهم رهبران و پیشوایان طبقه کارگر را نفی نمیکند ولی با قطعیت تمام با ستایش و بطریق اولی با قائل شدن مقام خدائی برای این یا آن شخصیت مخالف بوده است. * ستایش یک شخصیت ناگزیر مردم و حزب را تحت الشعاع قرار میدهد و نقش و اهمیت آنها را پائین میآورد *

حزب کمونیست اتحاد شوروی بر اساس همین نکوهش کیش شخصیت بود که در کنگره های اخیر خود تصمیماتی اتخاذ کرد که مراک تمام جنبش کمونیستی حائز اهمیت تاریخی فراوان است. * حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ۲۲ سومین برنامه خود یعنی برنامه ساختن کمونیسم را تصویب کرد (برنامه اول در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ و برنامه دوم در کنگره هشتم در سال ۱۹۱۹ بتصویب رسید) * رفیق خروشچف ضمن گزارش خود در این باره چنین میگوید: * طرح این برنامه در حکم مرحله جدیدیست در راه تکامل تئوری انقلابی مارکس، انگلس ولنین * این برنامه پاسخ روشنی بتمام مسائل مشخص تئوری و پراتیک مبارزه در راه کمونیسم و مهمترین مسائل تکامل جهانی در دوران کنونی میدهد. * کنگره های ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی کمذات اصولی بسیاری در حد مسائل اساسی حیات حزب و جامعه شوروی و در تحلیل پروسه های تکامل جهانی وارد ساخت برای تدارک طرح این برنامه اهمیت عظیم و وقعات تاریخی داشته اند *

حزب کمونیست اتحاد شوروی در برنامه جدید خود متعهد شده است در آینده نیز وحدت تمام جنبش جهانی کمونیستی را تقویت نماید، روابط برادرانه با تمام احزاب کمونیست و کارگری را توسعه دهد و * * * اقدامات خود را با مساعی تمام واحد های جنبش جهانی کمونیستی برای مبارزه بترك علیه جنگ جهانی جدید و در راه منافع زحمتکشان، در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم - هماهنگ سازد *

این تعهد نیز مثل تمام تعهدات دیگری که حزب کمونیست اتحاد شوروی تقبل کرده است بی هیچ تردید اجرا خواهد شد. * این تعهدات تمام کمونیستهای جهان را مطمئن میسازد که مساعی و مبارزه آنها نیز به پیروزی خواهد انجامید *

چه کسی در قرارهای مشترک

تجدید نظر میکنند؟

در سفر اخیریکه من به برزیل کردم برای یقین حاصل شدکه نه فقط در میان کمونیست ها ، بلکه در محافل وسیع دموکراتیک نیز بمناسبت وجود اختلاف نظر در داخل اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نگرانی حکمفرماست . این نگرانی در سازمانهای توده ای انعکاس پیدا میکند و موازات بسط دامنه مباحثات ایدئولوژیک و در اثر برخی اعمالی که رهبران حزب کمونیست چین در خارج از کشور خود انجام میدهند (واز جمله دخالت در امر داخلی احزاب دیگر و نقض قوانین یکسلسله از کشورهای سوسیالیستی) - تشدید میشود .

من در جلسات بسیاری شرکت کردم ، چندین بار مرا برای گفتگو دعوت کردند و در این مجالس من سعی کردم به سئوالات حاضرین پاسخ دهم . تاثیر عمده ای که از این تماس ها برای من پیدا شد اینستکه تاریکی و ابهامی که در آغاز دوافد کار برخی افراد غیر مطلع وجود داشت بتدریج دارد برطرف میشود . آنچه که باین جریان کمک کرده است علاوه بر سخنرانی های ما ، که متن آنها باتیراژ زیاد منتشر میشود و علاوه بر مطبوعات ادواری - اسناد حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر نیز هست . اسناد اخیر خود رهبران چینی نیز از بسیاری جهات در روشن شدن مطلب بسیار کمک کرده است . این اسناد قبل از هر چیز عبارتست از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین - مورخ ۱۴ ژوئن سال ۱۹۶۳ ، اعلامیه های دولت چین علیه قرارداد منع آزمایشهای سلاح هسته ای در هوا و در فضا و نیز مقالاتی که از روز ۶ سپتامبر روزنامه " ژن مین ژیا شو " انتشار مییابد . شخص غیر مطلع آمدتی مثل این بوده که خود را در برابر همین متضاد می بیند . هر دو طرف از وفاداری به اصول اعلامیه های سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ سخن میگویند . رهبران چینی خود را قربانی " افترا مهستان " معرفی میکردند و شاکلی بودند از اینکه گویا با آنها نظریاتی رانسبت میدهند که هرگز با آن موافق نبوده اند . آنها ضمن تاکید " پشتیبانی خود از اصول انقلابی " مصرحه در اعلامیه هامدعی بودند که " رویزونیست های معاصر " این پلانترم را که از طرف تمام احزاب برادر بعنوان مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری قبول شده است ، تحریف میکنند .

ولی علاوه بر این همان رهبران حزب کمونیست چین هستند که مواخلفت با مشی عمومی مصرحه در اسناد جلسات مشاوره مسکو را در پیش گرفته اند . و حال آنکه نمایندگان آنها نیز اسناد مزبور را تصویب کرده و امضا کرده اند . رهبران حزب کمونیست چین اعتراف میکنند که " همیشه مخالف " قرارهای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بوده اند . ولی از انتقاد این قرارها احتراز میکردند تا به حیثیت حزب کمونیست اتحاد شوروی با اصطلاح زیان وارد نسازند . . . آنها با انتقاد از یکیش

شخصیت مخالفت میکنند و بهانه شان اینست که خدمات استالین تمام اشتباهات و تبهکاریهای ابراحت الشماع خود قرار میدهد * آنها هرگونه انتقادی را از دکماتیسم و سکتاریسم * چپ * بی چون و چرا مردود اعلام میکنند و تزه های نوساخته خود را جایگزین آن تزهائی میکنند که احزاب برادر را لاتفاق در باره توصیف عصر ما ، درباره جنگ و صلح ، سیاست همزیستی مسالمت آمیز ، مبارزه ایدئولوژیک ، دروغهای راسخ و امیز رسیدن به سوسیالیسم و وحدت جنبش جهانی کمونیستی تدوین کرده اند .

مع الوصف هنوز افراد بسیاری هستند ، از جمله میان خوانندگان مجله ما ، که از خود و از دیگران می پرسند : * در مباحثه ای که اکنون در جنبش جهانی کمونیستی و در جنبش آزادی بخش انجام میگیرد حق با کیست ؟ چه کسی واقعا در قرارهای مشترک تجدید نظر میکند و میکوشد مشی عمومی دیگری را جایگزین آنها سازد ؟ و یا اینکه شاید اختلاف نظر هائی که اکنون میان حزب کمونیست چین از یک سو و سایر احزاب برادر از سوی دیگر پدید شده از چارچوب قرارهای مشترک خارج نیست و فقط در حد و اختلاف تفسیر است ؟ در چنین صورتی تفسیری که رهبران چینی بها پیشنهاد میکنند تا چه اندازه قابل قبول است ؟ * همین سئوالات است که من میکوشم در مقاله حاضر بآن جواب بدهم .

از مقابله اسناد مصوبه جلسات مشاوره مسکو از بنیاد احکامی که در نامه های کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و در اعلامیه های دولت جمهوری توده ای چین و در مقالات منتشره در " زن مین ژیاو " و در مجله " خونرسی " عرضه شده است این اعتقاد پدید میگردد که رهبری حزب کمونیست چین تقریبا در تمام مسائل اساسی استراتژی و تاکتیک انقلاب جهانی سوسیالیستی با جنبش جهانی کمونیستی اختلاف نظر دارد . نظریات کنونی رهبران چینی با حد اعلای صراحت در نامه ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ آنها به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشریح شده است .

بهمین جهت هم من بطور عمده ، باین نامه ، که آنرا بحق میتوان ضد اعلامیه های جلسات مشاوره احزاب برادر نامید ، استناد خواهم ورزید . راست است که اسلوب مقابله اقوال رانمیتوان بهترین شیوه کشف حقیقت نامید ، ولی در مورد فعلی این خود رهبران چینی هستند که ما را به توسل باین اسلوب وادار میسازند . برای من کاری باقی نمی ماند جز آنکه بکمک شیوه های دلپذیر آنها در مباحثه - نشان بدهم که رهبران حزب کمونیست چین غیر غم تاکیدات مکرر خود درباره وفاداری خویش به اسناد مشترک جنبش کمونیستی ، عملا نقشه با روح بلکه حتی به منافی این اسناد نیز خیانت میکنند . در عین حال من برای جبران محدودیت ناگزیر چنین اسلومی انرا با تفسیر کوتاهی درباره ماهیت مسائل مورد بحث تکمیل خواهم کرد .

۱ - محتوی دوران کنونی و مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی

نویسندگان نامه برخلاف اسناد مشترک احزاب کمونیست ادعا میکنند که نیروی محرکه انقلابی دوران کنونی سیستم جهانی سوسیالیسم و طبقه کارگر بین المللی تحت رهبری احزاب مارکسیست

لنهنیست نیست بلکه جنبش آزاد ییخشملی است * علاوه بر این مبارزه پرولتاریای کشورهای سرمایه داری رشد یافته در راه سوسیالیسم بادغای آنها * در آخرین تحلیل وابسته است * مبارزه آزاد ییخشممل سه قاره * مفهوم این سخنان چیست ؟ نویسندگان نامه ظاهر میخوانند چنین اعتقادی را بوجود آورند که پیروزی سوسیالیسم در مسابقه جهانی پس سرمایه داری برای انقلاب جهانی سوسیالیستی حائز اهمیت اصولی نیست و طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری رشد یافته امکانات انقلابی خود را بپایان رسانده است و حال فقط با کمک از خارج است که میتوان سوسیالیسم بوی * اعطاکرد * * چنین است نتیجه ای که بطور منطقی از نام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بدست میآید * در مباحثه بارهبران چینی البته هیچکس چنین فکری را بخود راه نمیدهد که نقش جنبش آزاد ییخشممل آسیا ، افریقا و امریکای لاتین علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی را پائین بیاورد * جنبش آزاد ییخشمملی سهم گرانقدری در پروسه انقلابی جهانی دوران ما دارد و نقش تاریخی که در آینده ایفا خواهد کرد بتدریج که انجام وظایف دموکراتیک را بپایان خواهد رساند و به تحولات بنیادی اجتماعی و اقتصادی خواهد پرداخت بیشک بیش از پیش افزایش خواهد یافت * سیستم جهانی سوسیالیستی ، مبارزه انقلابی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشورهای سرمایه داری رشد یافته و مبارزه ملل متعدیده سه جنبش عظیم آزاد ییخشدوران کنونی و سه

* مناطق پهناور آسیا ، افریقا و امریکای لاتین مناطقی هستند که در آن تضادهای گوناگون جهان کنونی متمرکز است و این جهت ضعیفترین حلقه تسلط امپریالیسم و منطقه عده طوفانهای انقلاب جهانی را که ضربات مستقیم با امپریالیسم وارد میسازند ، تشکیل میدهند * *
* باینجهت امر انقلاب پرولتاریای جهانی من حیث المجموع بمفهوم معینی در آخرین تحلیل وابسته بمبارزه انقلابی مللی است که در این مناطق زندگی میکنند و اکثریت عظیم جمعیتگره زمین را تشکیل میدهند * *
از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۱۴ ژوئن سال ۱۹۶۳

* در دوران ما عمل تعیین کنند * سیر تکامل جهانی عبارتست از جریان مسابقه دو سیستم اجتماعی متضاد و نتایج حاصله از این مسابقه *
از اعلامیه سال ۱۹۵۷ جلسه مشاوره جهانی احزاب برادر *
* عامل تعیین کنند * محتوی عده ، سمت عده و خصوصیات عده تکامل تاریخی جامعه بشری در دوران کنونی عبارتست از سیستم جهانی سوسیالیستی و نیروهای که علیه امپریالیسم و در راه تجدید سازمان جامعه برمیانی سوسیالیستی مبارزه میکنند * *
از اعلامیه سال ۱۹۶۰ جلسه مشاوره جهانی احزاب برادر

جبهه مبارزه علیه امپریالیسم جهانی را تشکیل میدهند * نیروی هر یک از این سه جنبش قبل از هر چیز در اتحاد و همبستگی باد و جنبش دیگر است * وحدت هر سه جنبش باید یکدیگر مهمترین شرط رفاه اجتماعی آینده جامعه زحمتکش بشری و پیروزی ناگزیر کمونیسم در سراسر جهان است * سیستم جهانی سوسیالیستی نیروی عده این اتحاد است زیرا هم اکنون بانجام آن

وظایف تاریخی مشغول است که طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری رشد یافته و ملل کشورهای کمزرد بعد ها باید انجام دهند و آن عبارتست از نمایش برتریهای نظام اجتماعی - اقتصادی جدیدی که جایگزین سرمایه داری میشود .

واقعیت نشان میدهد که تامین کننده بهترین شرایط برای پیروزی مبارزه آزاد ییخوش ملی همان افزایش اقتدار نیروهای سوسیالیستی است . سیستم جهانی سوسیالیسم خارس حق مقدس ملل در تعیین سرنوشت و سدر راه سیاست امپریالیستی و تاراجگری استعماری است . در این مورد کافیهست تجاوز انگلیس - فرانسه - اسرائیل بمصر بیاد آورده شود ، که بمجرد آغاز آن کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی بمتجاوزان بشدت نهیب زدند و آنها را واداشتند باد و دست دراز تر از پای به خانههای خود بازگردند . کشورهای سوسیالیستی بهمین نحو ، در حالیکه اقدامات آنها مورد پشتیبانی مجدانه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و تمام حافل اجتماعسی مرفقی بود ، از تجاوز بخاک عراق و سوریه و یمن و کشورهای دیگری ، که در معرض تهدید امپریالیست ها قرار داشتند ، جلوگیری کردند .

استعمرات سابق باستثنای گروه نسبتا کوچکی از آنها هم اکنون با استقلال سیاسی نائل آمده اند ، ولی این کشورها مع الوصف هنوز با اشکال مختلف آماج تاراجگری امپریالیستی هستند . ملل این کشورها فقط با تامین ترقی اقتصادی و تحولات اجتماعی است که میتوانند باین تاراجگری خاتمه دهند و با استقلال اقتصادی نائل آیند و بدینسان استقلال سیاسی خود را نیز تحکیم بخشند . نیل باین هدفها بابت عبارت برد از بیهای انقلابی تند و تیز ممکن نیست .

مآسفانه در اسناد حزب کمونیست چین اصل طبقاتی ، چپ راست جای خود رابه اصل جغرافیائی میدهد و تازه نه فقط اصل جغرافیائی بلکه از انهم بدتر اصل نژادی ، زیرا رهبران چینی بابت تبلیغ رسالت خاص و اشتراک سرنوشت تاریخی ملل سفاره بیش از پیش دچار انحراف میشوند و ملل " رنگین پوست " را در جنبه مخالف ملل " سفید پوست " قرار میدهند . گواه این امر از جمله اینستکه نمایندگان چین در برخی از سازمانهای اجتماعی (مثلا در سومین کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در موشی و غیره) آشکارا اعلام داشتند که " سفید پوستان را در اینجا کاری نیست " . واضح است که چنین نظریاتی با اتئرناسیونالیسم پرولتاری و یا شعار لنینی : " پرولتار های تمام کشورها ، ملل ستعدیده متحد شوید " هیچ وجه مشترکی ندارد .

جنبش آزاد ییخوش ملی ملل تحت ستم امپریالیسم نیروی عظیم دوران کنونی است . وثیقه کامیابیهای آن همبستگی با ملل سازنده سوسیالیسم - کمونیسم و یا جنبش انقلابی طبقه کارگر کشور های سرمایه داری و جنبشهای عمومی دموکراتیک است . و اما روشی که رهبران چینی تعقیب میکنند کار را عملا بقراردادن جنبش آزاد ییخوش ملی در جنبه مخالف طبقه کارگر بین المللی و سیستم جهانی سوسیالیسم میکشند . ولی قرارداد آن این نیروها در جنبه مخالف یکدیگر بزیان هر جنبش بزرگ آزادی بخش دوران کنونی و فقط بسود امپریالیسم تمام خواهد شد .

سوسیالیسم در عین حال در اسناد یکه بالاتفاق تصویب کرده اند توصیه میکنند که همکاری اقتصادی همخانیه در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیسم توسعه داده شود * چنین توصیه ای از برخورد عمیقاً علمی بواقعیت و ازدرد خواستهای پیشرفت فنی و مرحله‌کنونی تکامل صنعت ناشی میشود * نیروهای مولده جامعه کنونی بیش از پیش از چارچوب ملی خود خارج میشوند و پیشرفت بعدی آنها همکاری بین المللی را در زمینه اقتصادی و فنی ایجاب میکند * در زمان ما نیل به کامیابیهای کمپیش جدی در رشته پیشرفت اقتصاد بدون مکانیزاسیون و اتوماتیزاسیون پروسه های تولیدی و بدون فراهم ساختن موجبات تولید بمیزان هنگفت و شبکه‌گزنجیری و دارای جنبه تخصصی ممکن نیست *

بنابراین تقسیم کار بین المللی ضرورت عینی مبرمی است که با پیروی از آن میتوان آهنگ پیشرفت اقتصادی را بمیزان قابل ملاحظه ای تسریع کرد * بی اغنائی باین امر و طریق اولی مقاومت در برابر آن دیربازود د شواریهای اقتصادی حدی بدنیال میآورد * این ضرورت در جهان سرمایه داری نادیده انگاشته میشود و اغارت کشورهای کم رشد از طرف دول امپریالیستی همراه است * ولی تقسیم کار جهانی سوسیالیستی با چنین وضعی مانع الجمع است ، زیرا بر اساس کاملاً داوطلبانه انجام میگردد و اصل انترناسیونالیسم پرولتری رهنمون آنست * تقسیم کار سوسیالیستی بر پایه تعاون مشترک برادرانه مبتنی است و روحیه انکالی را نفی میکند * این تقسیم کار که هوید صحت آن اکنون تنها تئوری نیست بلکه تجربه علمی نیز اثرا تأیید میکند امکان میدهد که مصالح تمام کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر هماهنگ شود و پیشرفت سریع اقتصاد ملی بسود هر یک از این کشورها و بسود سیستم سوسیالیستی من حیث المجموع تأمین گردد *

چنین است نظریه مشترک احزاب کمونیست و کارگری * رهبران چینی در مخالفت با این نظریه مشی پیشرفت اعتزالی و انفرادی اقتصاد ملی هر یک از کشورهای سوسیالیستی را تبلیغ میکنند که در آخرین تحلیل کار را به انزوای اقتصادی میکشاند * بدینسان آنها با مشی مشترک جنبش کمونیستی و در ماهیت امر با گرایش عینی بسوی تکوین تدریجی اقتصاد جهانی واحد سوسیالیستی ، که لثین خاطر نشان ساخته است ، مخالفت میکنند * با اینجهت تئوری " تکیه بر نیروی خود " علاوه بر زاین بخش بیرون خیالیافانه نیز هست ، زیرا هیچ کشوری در زمان ما قادر نیست در ورای سیستمی از روابط اقتصادی معین اقتصاد خود را با احراز موفقیت توسعه دهد * و اگر یک کشور سوسیالیستی چنین روابطی را با سایر کشورهای سوسیالیستی محدود کند (و یا قطع کند) مجبور خواهد شد جبران این روابط را در خارج از ارد و گاه سوسیالیستی یعنی در جهان سرمایه داری جستجو کند *

ولی آیا دلیلی وجود دارد برای آنکه تئوری " تکیه بر نیروی خود " بعنوان تمایمل بسه انزوای اقتصادی تلقی گردد ؟ نویسندگان نامه ضمن اعلام این تئوری در عین حال آنرا به کلمه " بطور عمد " مقید میسازند و به مصلحت بودن همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی استناد میورزند * ممکنست فرض کرد که منظور آنها از این همکاری تنها مبادله ساده کالائست بلکه روابط عمیقتر است * ولی متأسفانه چنین فرضی را نمیشود کرد ، زیرا درست در چند سطر بعد فکسیر تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی تخطئه میشود و چنین وانمود میگردد که گویا در سیستم سوسیالیستی تقسیم کار و وسیله است برای فشار اقتصادی و تحکم سیاسی کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک و کشور های بیشتر رشد یافته به کشورهای کمتر رشد یافته *

از منطبق رهبران چینی چنین مستفاد میشود که گویا اتحاد شوروی با بذل کمک (وادامه کمک)

به جمهوری توده ای چین در امر ساختمان چند صد بنگاه صنعتی بزرگ مانع آن شده که چین اقتصاد خود را " بر پایه استقلال و عدم وابستگی " پیشرفت دهد و گویا اتحاد شوروی که بنا بتقاضای دولت

" کشورهای سوسیالیستی بر پایه برابری کامل حقوق و رعایت کامل منافع متقابل و تعاون مشترک رفیقانه همکاری ذاتمند آری در زمینه های اقتصادی و فرهنگی میان خود برقرار کرده اند که در تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی هر یک از کشورهای سوسیالیستی و در تحکیم جامعه کشورهای سوسیالیستی من حیث المجموع نقش مهمی بازی میکند "

از اعلامیه سال ۱۹۵۷

" کامیابیهای کشورهای سوسیالیستی و مجموعه اردوگاه سوسیالیستی در پرستو استفاده صحیح از قوانین عام ساختمان سوسیالیسم در عین توجه بخصوصیات هر کشور و مصالح سیستم سوسیالیستی من حیث المجموع، در پرستو مساعی ملل این کشورها، همکاری نزدیک برادرانه و کمک انترناسیونالیستی متقابل و در درجه اول در پرستو کمک انترناسیونالیستی برادرانه اتحاد شوروی بدست آمده است "

" عامل وحدت سیستم جهانی اقتصادی سوسیالیسم عبارتست از یکسان بودن مناسباً تولیدی سوسیالیستی و تکامل این مناسبات بر پایه قوانین اقتصادی سوسیالیسم . شرایط تکامل موفقیت آمیز این سیستم عبارتست از : . . . تکمیل دائم سیستم تقسیم کار بین المللی از طریق هماهنگ ساختن برنامه های اقتصادی و تخصصی کردن و همکاری تولیدی در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیستی بر پایه دوطرفی و رعایت منافع متقابل و ترفیع هر چه بیشتر سطح علم و تکنیک . . . "

از اعلامیه سال ۱۹۶۰

" هر کشور سوسیالیستی باید در امر ساختمان بطور عمده بر نیروی خود تکیه کند . "

" اگر یک کشور سوسیالیستی فقط بر اساس منافع خود یکجانبه از سایر کشورهای برادر رطلب کند که خود را تابع نیازمندیهای او سازند و به بهانه مبارزه علیه باصطلاح " ساختمان در حال انزوا " و " ناسیونالیسم " مخالفت کند که سایر کشورهای برادر مرشی انجام ساختمان را بطور عمده بانگیزه بر نیروی خود تعقیب کنند، با پیشرفت اقتصاد سایر کشورهای برادر بر پایه استقلال و عدم وابستگی مخالفت کند و حتی آنها را تحت فشار اقتصادی قرار دهد، این عمل نمود آری از خود خواهی تمام عیار ملی است . "

برای کشورهای سوسیالیستی کاملاً ضروری است که کمک متقابل، همکاری و مبادله مشترک را در رشته اقتصادی عملی سازند . این همکاری باید بر اصول برابری کامل حقوق، رعایت منافع متقابل و تعاون مشترک رفیقانه مبتنی باشد .

اگر این اصول اساسی نفی شود و به بهانه " تقسیم کار بین المللی " و " تخصصی کردن " اراده خود را ب دیگران تحمیل کنند، با استقلال و حاکمیت سایر کشورهای برادر رطمه وارد سازند و منافع ملل آنها را زیر پا بگذارند - این عمل در حکم شوینسیم عظمت طلبانه است . "

از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست

چین

جمهوری توده ای چین متخصصین کارآموزده شوروی را به چین اعزام داشت با این عمل استقلال و حاکمیت جمهوری توده ای چین لطمه وارد ساخت و یا اینکه اتحاد شوروی با واگذاری رایگان تجارب بسیار گرانبهای علمی و فنی خود در اختیار مردم چین قرارگرفتن درهای دانشکده ها و دانشگاههای خود بروی پسران و دختران چینی، جمهوری توده ای چین را تحت فشار اقتصادی قرارداد * نه، تشریسمین های پکنی نفتنها پای منطقشان میلنگد، بلکه حتی از شایبه غرض هم مبری نیستند *

این خود دولت چین بود که روابط اقتصادی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در پیش گرفت * برای توجیه این مشی، که در درجه اول بمنافع خود چین شدیداً لطمه میزند، بعد ها تئوری * تکیه بر نیروی خود * اختراع گردید و راه خطئه تقسیم کار سوسیالیستی در پیش گرفته شد * جمهوری توده ای چین زمانی راه انزوای اقتصادی در پیش گرفت که دولت چین به تعقیب مشی سیاسی خاص خود در جنبش جهانی کمونیستی و در سازمانهای اجتماعی بین المللی و منظور کلی در صحنه جهانی پرداخت (۱) *

توسعه دامنه تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی همانگونه که بدرستی در اعلامیه سال ۱۹۶۰ احزاب برادر خاطر نشان شده است بر پایه تحکیم استقلال سیاسی، داوطلبی کامل، برابری حقوق طرفین و رعایت منافع متقابل انجام میگردد * در این امر مهم و بدون شك بفرنج هیچکس دیگری را به تعجیل وادار نمی سازد * هر کشور امکان دارد هزار بار بسنجد و حساب کند و به بیند که این یا آن اقدام در این رشته چمتایجی را باو نمید میدهد * هراندازه که یک کشور کوچکتر و منابع داخلی اش محدودتر باشد بهمان اندازه طبیعاً بیشتر میتواند از همکاری مبتنی بر برابری حقوق و از همکاری تولیدی با کشورهای دیگر سوسیالیستی استفاده ببرد * هراندازه سطح ترقی اقتصادی یک کشور پائین تر باشد، در صورت استفاده از تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی سریعتر میتواند آنرا ترقی دهد، زیرا بکمک این تقسیم کار میتواند از ریختن و پاش مساعی خود جلوگیری کند و نیروی خویش را برای تسریع پیشرفت آن رشته هائی از اقتصاد ملی متمرکز سازد که بیش از همه برای پیش سود مند است *

(۱) - اتحاد شوروی من حیث المجموع بجمهوری توده ای چین کمک کرد طی مدت کوتاهی قریب

۲۰۰ بنگاه صنعتی، کارگاه و تأسیسات مهم دیگر بسازد * تولید محصولات بنگاههایی که

با کمک فنی اتحاد شوروی ساخته شده است در قیاس با میزان کل تولید جمهوری توده ای

چین در سال ۱۹۶۰ عبارت بود از: چدن - ۳۰٪، فولاد - ۳۹٪، پروفیل های آهن

۵۱٪، کامیون - ۸۰٪، تراکتور - ۹۱٪، آمونیاک سنتتیک - ۳۰٪، تولید نیروی

برق - ۲۵٪، تولید توربین های بخار، هیدرولیک - ۵۵٪ *

اتحاد شوروی ۵۵۰۰ مجموعه شامل پروژه های فنی و مقادیر بیشتری اسناد فنی دیگر در

اختیار جمهوری توده ای چین گذاشت * از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ قریب ۸۵۰۰ متخصص

شوروی به چین اعزام شد *

تئورسین‌های چینی که در آغاز جواب مثبت همزیستی مسالمت آمیز را تصدیق داشتند اکنون آنرا بعنوان اساس سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی نفی میکنند .

بمبارسی ماهوی اجزا* استدلالات رهبران چینی بهر ازیم * آنها میگویند اگر همزیستی مسالمت آمیز بعنوان مشی عمومی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی قبول شود حل صحیح مسئله مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی غیر ممکن خواهد بود . ولی این بطور آشکار خلط بحث است ، زیرا جنبش جهانی کمونیستی اصل همزیستی مسالمت آمیز را پایه مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی نمیداند بلکه پایه مناسبات میان کشورهای متعلق به سیستم‌های اجتماعی مختلف میدانند . و اما مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی بر پایه دیگری یعنی بر پایه تعاون مشترک برادرانه که اصل انترناسیونالیسم پرولتری در آن بنحیض واقعی متحلی است ، استوار میگردد . حال این سؤال پیش میاید که سیاست همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری چرا و چگونه میتواند مانع همکاری برادرانه میان کشورهای سوسیالیستی شود ؟ آیا عکس این مطلب صحیحترین نیست ؟ زیرا گاهش تشنج اوضاع جهان ، قطع مسابقه تسلیحات و تحکیم صلح این امکان را بوجود میآورد که نه فقط برای پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی هر یک از کشورهای سوسیالیستی اعتبار بیشتری تخصیص داده شود و این امر بیشتر مورد توجه قرار گیرد بلکه کمک آنها بیکدیگر نیز افزایش یابد .

این مطلب در مورد مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای کمربند نیز صادق است . مگر کشورهای سوسیالیستی موظف نیستند این کشورها را با خود برابرند ، بتماامت ارضی همه حاکمیت آنها احترام بگذارند و در امور داخلی آنان مداخله نکنند ؟ چرا بدون شك موظف هستند . ولی در عین حال این امر ناخوش و مانع آن نیست که طبقه کارگر پیروز مند به پیروی از وظیفه انترناسیونالیستی خود با تمام قوا بطل مستعدیده برای احراز استقلال و تحکیم آن ، برای دفاع از استقلال خود در مقابل سو* قصد های امپریالیسم برای توسعه اقتصادی و پیشرفت فرهنگ خود کمک نماید .

واضح است که رهبران چینی با اینکه ماهیت اصل لئینی همزیستی مسالمت آمیز را نادرست درک میکنند و یا اینکه آنرا تعدد تحریف میکنند و مصالحه میان سوسیالیسم و امپریالیسم منحصر میسازند و در جهه مخالف بارزه انقلابی پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و مبارزه ملل مستعدیده در راه آزادی ملی و اجتماعی قرار میدهند .

ولی واقعیت مطالب اینست که اصل همزیستی مسالمت آمیز قانون عینی تکامل مناسبات بین المللی در دوران گذار جامعه بشری از سرمایه داری به سوسیالیسم است . بعبارت دیگر از آنجاکه گذار به سوسیالیسم در سراسر جهان همزمان انجام نمیگیرد لذا همزیستی کشورهای پیروز رژیمهای اجتماعی و سیاسی مختلف طی دوران کمپیش طولانی ناگزیر خواهد بود . این کشورها ناچارند یا در کنار هم بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند و یا علیه یکدیگر به پیکار مسلحانه ای دست بزنند که مصائب دهشتناک برای ملل بیچاره خواهد آورد .

امپریالیسم درید و امر بطوریکه میدانیم با استفاده از برتری اقتصادی و نظامی خود بارها از طریق نظامی در صدد احیاء نظام سرمایه داری در کشورهای سوسیالیستی درآمد * افزایش اقتدار اتحاد شوروی و تحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم امکان سیر حوادث در چنین ستمی را عملاً منتفی ساخت و سپس پیدایش سلاح هسته ای تلاش برای حل اختلاف میان دو سیستم از طریق توسل بجنگ را بی معنی ساخت * در دوران مادرن نقطه مقابل اصل همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات بین المللی ، چیزی جز فلاکت عام تمدن وجود ندارد و در چنین صورتی کشورهای و ملل بسیاری از صفحہ زمین محو خواهند شد و جامعه بشری شاید قرن‌ها بقیه بقرایرتاب شود * در نتیجه جنگ هسته ای صد هاملیون نفر نابود خواهند شد و چنین بهائی برای محو سرمایه داری ، که بدون آنهم از طرف تاریخ بغضی محتوم محکوم شده است ، بیشتر از حد ترخص سنگین است * همزیستی مسالمت آمیز از امصارزه طبقاتی بکمک وسائل دیگری است و هیچوجه بمعنای آن نیست که کمونیست‌ها یکنوع استاتوکوئی (status quo - وضع موجود) اجتماعی و سیاسی را در عرصه بین المللی برسمیت می‌شناسند * این همزیستی به پرولتاریای کشورهای سرمایه داری کمک میکند برای انجام تحول انقلابی سیستم اجتماعی منسوخ مبارزه کنند و ملل کشورهای وابسته کمک میکند آزادی بدست آورند و به پیشرفت اجتماعی نائل آیند *

* ولی اگر مشی عمومی سیاست خارجی کشور های سوسیالیستی فقط به همزیستی مسالمت آمیز محدود گردد ، آنوقت حل صحیح مسئله مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و نیز مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و خلقها و ملل متعددی که امکان پذیر نخواهد بود * باینجهت اشتباه است اگر همزیستی مسالمت آمیز عنوان مشی عمومی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی تلقی شود * *

* برتریهای نظام سوسیالیستی و کامیابی های کشورهای سوسیالیستی در امر ساختمان برای خلقها و ملل ستمدیده در حکم سرمشق است و آنها الهام میبخشد * *
* برخی افراد کهنفکر سابقه مسالمت آمیز میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی را یکجانبه بزرگ میکنند میگویند این مسابقه را جلگین مبارزه انقلابی خلقها نمایند * از مواظبت آنها این نتیجه حاصل میشود که گویا امپریالیسم در چنین مسابقه مسالمت آمیز خود بخود ساقط میشود و خلقها و ملل ستمدیده کارشان فقط اینستکه ساکت و آرام انتظار آنروز

* احزاب کمونیست و کارگری شرکت کنند و در این جلسه مشاوره اعلام میدارند که اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز و سیستم ، که در شرایط کنونی در قرارهای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل بیشتری یافته ، بنیهای خلل ناپذیر سیاست خارجی کشورهای سوسیالیست و پایه مطمئنی است برای صلح و دوستی میان ملل * *

از اعلامیه سال ۱۹۵۷

* سیر تکامل اجتماعی این پیشبینی لنین را که کشورهای سوسیالیسم پیروزند تاثیر عمده خود را در تکامل انقلاب جهانی از راه ساختمان اقتصادی اعمال میکنند ، تأیید مینماید * *
* سیستم جهانی سوسیالیسم به نیروی سرمشق خود افکار زحمتکشان جهان سرمایه داری را انقلابی میکند ، در مبارزه علیه سرمایه داری بانها الهام میبخشد و شرایط این مبارزه را به میزان عظیمی آسان میسازد *
در کشورهای سرمایه داری آن نیروهای داخلی که مسالمت دفاع از صلح و از استقلال ملی و تامین پیروزی دموکراسی و سوسیالیسم را بعهده دار

رابکشدند • مگر این بانظرگاه مارکسیسم - لنینیسم هیچ وجه مشترکی دارد ؟ * ازنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین	فزونی می پذیرند و محکم میشوند * از اعلامیه سال ۱۹۶۰
---	--

هیچکس در صد نیست و اصولاً نمیتواند به امریالیسم در قبال تصادمات اجتماعی و تلاطمات انقلابی تضمین بدهد * برعکس تحمیل همزیستی مسالمتآمیزه امریالیستها معنایش جلوگیری از تلاش آنهاست برای " صدور ضد انقلاب " و دینسان ایجاد شرایط خارجی مساعد برای مبارزه آزاد بیخس زحمتکش است * مگر تجربه سالهای بعد از جنگ، که طی آن دهها خلق ساکن مستعمرات یا استقلال رسیده اند، انقلاب سوسیالیستی در کوبا پیروز شد، اندونزی ایریان باختری را آزاد کرد، انقلاب آزاد بیخس در الجزیره پیروز شد و اکنون در یکسلسله از کشورهای دیگر تحولات اجتماعی انجام میگردد، گواه این مدعا نیست ؟

کامیابیهای آتی جنبش انقلابی بمیزان زیادی وابسته به درجه تشکل، رشد سیاسی و شعور، ارتباط با توده ها و نیز کمک های متنوعی است که سیستم جهانی سوسیالیستی باین جنبش مینماید * در اینجاهم تضمین در قبال " صدور ضد انقلاب " وجود دارد، هم کمک بیشانیه بکشورهای کم رشد برای احداث صنایع و هم رساندن اسلحه بعللی که علیه ستمگران خارجی به مبارزه مسلحانه مشغولند حال این سؤال پیش میآید که رهبران چینی در این مورد از چه چیز ناراضی هستند و چه دعوتی بعمل میآورند ؟ پاسخ این سؤال روشن است : به " صدور انقلاب " و هل دادن آن از خارج * در تمام اسناد اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین باین اصل لنینی که کشورهای سوسیالیستی تاثیر عمده خود را در سیر انقلاب جهانی از راه پیشرفت اقتصادی خود اعمال مینمایند، کم بهاداده شده است * علاوه بر این در همین اسناد مواضع جنبش جهانی کمونیستی در مورد این مسئله تحریف میگردد و به " برخی افراد " چنین نظری نسبت داد میشود که گویا در نتیجه مسابقه اقتصادی مسالمتآمیز امریالیسم * خود بخود * و بدون مبارزه انقلابی زحمتکشان و خلقهای ستمدیده * ساقط میشود * * ولی در اسناد مشترک احزاب برادر خاطر نشان شده است که نیروی سر مشق سوسیالیسم خود بخود امریالیسم را متزلزل نمیسازد، بلکه افکار را انقلابی میکند و زحمتکشان را به تشدید مبارزه بانظام سرمایه داری و امیدارد *

جنبش جهانی کمونیستی نخستین بار نیست که با اندیشه معیوب " هل دادن " انقلاب از خارج روبرو میشود * کافیست مبارزه لنین با تریتسکیست ها و انقلابیون افراطی چپ روکه میگفتند باید به نیروی مسلحانه پشت سرمایه داری را بخاک مالید و جنگ انقلابی عمومی علیه بورژوازی جهانی اعلام کرد - بیاد آورده شود * این فکر هذیان آمیز " جنگ صلیبی " است که هیچ وجه مشترکی با مارکسیسم - لنینیسم ندارد *

انقلاب سوسیالیستی همواره کار خود مردم بوده و خواهد بود * این انقلاب نتیجه تکامل مبارزه طبقاتی است و لحظه فرارسیدن آن منوط است به پیدایش موقعیت انقلابی * تحمید کردن سوسیالیستهای پائین یا آن خلق و طریق اولی سوسیالیسم را بروی سر نیزه بارمغان بردن معنایش بی اعتبار کردن و شکست کشاندن امر سوسیالیسم است * موضع خلل ناپذیر جنبش جهانی کمونیستی از زمان مارکس انگلس - لنین همواره همین بوده است *

در اسناد جنبش جهانی کمونیستی تصریح شده است که برای راهسالمت‌آمیز امکان واقعی وجود دارد . در این اسناد شرایط و خطوط مشخص چنین راهی نیز نشان داده شده است . ولی در نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین فقط گفته میشود که طبقه کارگر در عملی شدن این راه ذینفع است ، ولی سپهر انواع شیوه ها این فکر تلقین میشود که این راه علی نیست و توجه بان بیفایده و حتی خطرناک است .

این بار نیز در تمام استدلالات نویسندگان نامه تلاش شده است گفته‌هایی بتما کم‌سائیکه با آنها موافقت ندارند نسبت داده شود که هیچ جا و هیچگاه نگفته اند . واقعا هم اگر گذار سالمت‌آمیز به سوسیالیسم بعنوان نتیجه دست کشیدن در اوطالیانه استثمارگران از قدرت و مالکیت در نظر گرفته شود . آنوقت حقیقتا باید امید به سوسیالیسم را از دست داد و خود را بجای مارکسیست انقلابی در بناله روخیالبا فانی (اوتوپست ها) نامید که سلاطین و پانکداران رایه * وظیفه شناسی * و * حسن نیست * دعوت میکردند .

رهبران چینی بهبود می‌کوشند نظریه مورد موافقت تمام کمونیست هارا ، که بموجب آن دولت‌های کهنه یعنی دولت‌های بورژوازی خود بخود ساقط میشوند و مادامکه آنها را ساقط نمائند * قدرت را بدولت جدید یعنی بدولت سوسیالیستی واگذار خواهند کرد - انحصار خود جلوه دهند . در جهان هیچ کمونیستی نیست که این ترانقلابی را نغی کند . اختلاف پارهبران حزب کمونیست چین بر سر آن نیست که آیا باید دولت‌های بورژوازی را " ساقط کرد " یا نه ، بلکه بر سر آنستکه بچه وسیله ای باید آنها را " ساقط کرد " : فقط از طریق قیام مسلحانه و جنگ داخلی که ناگزیر قربانیها و مصائب فراوان برای توده های مردم بیار خواهد آورد یا با استفاده از بسیاری وسائل دیگر - بدون قیام و یا لاقبل بدون جنگ داخلی .

در هر دو صورت سخن بر سر اعمال قهر انقلابی از طرف طبقه کارگر ، زحمتکشان و توده های خلق در مورد طبقات حاکمه استثمارگران است ، ولی این اعمال قهر بر حسب اوضاع و احوال تاریخی مشخص میتواند هم خصلت اجبار سیاسی به تسلیم (راهسالمت‌آمیز) را داشته باشد و هم مشکل تصادف مسلحانه (راه غیرسالمت‌آمیز) را بخود بگیرد . و اما هیچکس بهتر از حزب کمونیست هر کشور نمیتواند معین کند که چه راهی اصلح و مرجح و موقوع است .

بنابراین راهسالمت‌آمیز هیچ وجه مشترکی با پندار فرقیستی درباره تداخل تدریجی سرمایه داری در سوسیالیسم ندارد . این راه عبارتست از راه مبارزه طبقاتی با استفاده از وسائل بسیار متنوع : از اعصاب در سنگاههای حد اگانه گرفته تا اعصاب عمومی در سراسر کشور ، از شرکت در انتخابات پارلمان گرفته تا گسترش جنبش توده ای در خارج پارلمان . مختصر کلام آنکه میزان آگاهی ، انضباط ، تشکل و پایداری انقلابی که راه سالمت‌آمیز از طبقه کارگر طلب میکند کمتر از مبارزه مسلحانه نیست .

مارکسیست - لنینیست هادتها قبل از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خوب میدانستند که طبقات حاکمه استثمارگران برای حفظ تسلط خود از توسل به هیچ وسیله ای روگردان نیستند .

احزاب کمونیست و کارگری با توجه به همین واقعیت است که در اسناد خود خاطر نشان میسازند که میزان شدت و چگونگی اشکال مبارزه طبقاتی بیشتر به نیروی مقاومت محافل ارتجاعی در قبال اراده اکثریت قریب بتمام مردم وابسته است تا به خود پرولتاریا و اصولاً مردم انقلابی اعمال قهر بورژوازی را متناسب یا آن با اعمال قهر پاسخ میدهند و زحمتکشان و پشاهانک سیاسی آنان باید بتمام اشکال مبارزه احاطه داشته باشند و محافظ ارتباط محکم پاتوده ها همواره برای هرگونه چرخشی در جریان حوادث آماده باشند .

ولی هیچیک از این عوامل ذره ای نافی امکان را به سلامت آمیز نیل به سوسیالیسم نیست . علاوه بر آن امکان در نتیجه تاثیر یک سلسله عوامل تشدید میگردد که از آن جمله اند :
 افزایش اقتدار سیستم جهانی سوسیالیستی و انقلابی شدن افکار توده ها در پرتو مشاهده کامیابیهای سوسیالیسم و افزایش مردم اوم تحریریه مبارزه طبقاتی و ناتوانی روز افزون نظام اجتماعی کهنه برای حل مسائل حیاتی جامعه که نمنا با انقلاب جدید علمی یعنی نیز ارتباط دارند .
 این مسائل عبارتند از تناقض روز بروز فاحش تر منافع آزمندان عده معدود انحصارات با منافع اکثریت قریب بتمام ملت و شرایطی که در اثر آن برای توسعه دامنه اتحاد های طبقاتی پرولتاریا و برای اتحاد نیروهای سیاسی مختلف در مبارزه با خطر صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم پدید میگردد و سرانجام محیط همزیستی مسالمت آمیز که " مانع ضد ورضد انقلاب " میگردد .
 در چنین شرایطی طبقه کارگر انقلابی قادر است نیروهای ارتجاعی را منفرد سازد و محیطی را پدید آورد که خود آنها اشکارا به بحث بود مقاومت مسلحانه در برابر تحولات انقلابی جامعه می بینند .
 هر اندازه که نتیجه مبارزه طبقاتی مسلحانه بر همگان اشکار تر باشد بهمان اندازه وسوسه توسل با آن کمتر میشود .

" کمونیست ها همیشه ترجیح میدهند که گذار به سوسیالیسم از طریق مسالمت آمیز انجام گیرد . ولی ایامی توان گذار مسالمت آمیز را بعنوان یک اصل جدید استراتژی جهانی جنبش جهانی کمونیستی تعبیر کرد ؟ نه ، به هیچوجه " .
 " حزب پرولتری به هیچوجه نباید رهنمود های مسلکی خود و مشی انقلابی و تمام کار خود را بر این فرضیه مبتنی سازد که امپریالیست ها و مترجمین به تحولات مسالمت آمیز ترن در می دهند " .
 " در شرایطی که استفاده از اشکال پارلمانی و اشکال دیگر مبارزه غلنی مقتضی و امکان پذیر است امتناع از استفاده از این اشکال خطا خواهد بود . ولی نشان دادن تلاهت پارلمان پرستی و قائل شدن اصالت برای مبارزه غلنی و محدود کردن مبارزه در دایره ای که بورژوازی مجساز میسرمد ، ناگزیر کار را به دست کشیدن از انقلاب

" اشکال گذار کشورهای مختلف از سرمایه داری به سوسیالیسم متنوع است . طبقه کارگر و پشاهانک آن حزب مارکسیست - لنینیست میگویند انقلاب سوسیالیستی را بشیوه مسالمت آمیز عملی سازند . تحقق این امکان جوابگوی مصالح طبقه کارگر و تمام مردم و منافع ملی کشور خواهد بود .
 در شرایط کنونی در یک سلسله از کشورهای سرمایه داری طبقه کارگر تحت رهبری پشاهانک خود امکان انزاد ارد که سرمایه جنبه متحد کارگران و سایر توده های خلق را استفاده از اشکال ممکنه دیگر توافق و همکاری سیاسی احزاب و سازمانهای اجتماعی مختلف - اکثریت مردم را متحد سازد و حکومت را بدوون حنک داخلی به تصرف خود در آورد و مسائل اساسی تولید را بتمک مردم در آورد " .

<p>• پرولتاری وازد یکتاتوری پرولتاریا منجر میسازد *</p> <p>ازنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست</p> <p>چین</p>	<p>* در شرایطی که محابقات استثمارگر به اعمال قهر علیه مردم متوسل میشوند باید امکان دیگری یعنی گذار غیر مسالمت آمیزه سوسیالیسم را در نظر داشت *</p> <p>از اعلامیه سال ۱۹۵۷</p>
--	---

رهبران چینی بهر کس که با اصطلاح آنها " بلاهت پارلمان پرستی " از خود نشان میدهد و بزرز را " درد اثره ایکه به روزوازی محاز میسرمد " محدود میکند بالحن تحقیر آمیز سخن میگویند • ولی بی بند واری ولحن توهین آمیز در چنین موردی نشانه عجز کامل در درک دیالکتیک پروسه انقلابی است • واقعا هم کمونیستهای امریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر که در کشورهای خود تصرف قدرت را از راه مسالمت آمیز برای طبقه کارگر بعنوان دورنمای آینده بدرستی علمی میدانند از هم اکنون مبارزه میکنند که شرایط و مقدمات عینی لازم برای اینکار را فراهم سازند • مبارزه آنها برای توسعه دموکراسی و ملی کردن رشته های اساسی صنعت و توسعه حقوق و اختیارات سندیکاهای مقرراری کنترل کارگری در موسسات و کنترل اجتماعی وسائل تولیدات و غیره همین مفهوم را در • در همین جاست که پیوند مستقیم میان مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه در راه سوسیالیسم آشکار میشود • پس این احزاب به " منجلاب اپورتونیسیم " در نمی غلطند، بلکه رهبران کمونیست چین که بی هیچ پایه و اساسی آنها را تقبیح میکنند بسراشیب ستارسیسم و ماحرا حوئی در میغلطند •

ناگفته نماند که رفقای چینی اصولا به امر دموکراسی خواه در جامعه سرمایه داری باشد و خواه در جامعه سوسیالیستی بسیاری اعتنا هستند • گواه این امر هم از جمله دفاع آنها از ایدئولوژی و پراتیک کیش شخصیت است •

۵ - دموکراسی سوسیالیستی و کیش شخصیت

در سال ۱۹۵۷ رفقای چینی برای کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که کیش استالین پرستی را افشا کرد و کار برانداختن عواقب سو* آن را چه در حیات کشور شوروی و چه در تمام جنبش کمونیستی آغاز نهاد، اهمیت فوق العاده قائل بودند • رهبران حزب کمونیست چین و مباحثات چینی در آن هنگام سخنرانی های بسیار میگردند و مقالات متعددی انتشار میدادند و در آنها از ایدئولوژی کیش شخصیت و همساز نبودن آنها با اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در باره سوسیالیسم تشریح میکردند • علاوه بر این آنها در سال ۱۹۶۰ اعلامیه جلسه مشاوره جهانی احزاب برادر را، که در آن کیش شخصیت مستقیما تقبیح میشود امضا کردند • ولی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در سال ۱۹۶۳ بدفاع از کیش شخصیت بر میخیزد و حتی طرح این مسئله را نیز عمل اشتباه و زیان بخش اعلام میکنند •

در این باره از استاد لال ماهوی خبری نیست و جای آن مشی اتهام " تحریف تعالیم یکپارچه لنین " تحویل میگردد . علت اتهام روشن است : مگر توجیه ضرورت خود سری و اجحاف در حق جمع کثیری از افراد و اثبات " ضرورت " و سود مندی پراتیک مضر کیش شخصیت ، کمبروهای عظیم سوسیالیسم را در قید و بند نگاه میداشت و نیز دفاع از رسمی که تمام خدمات و موفقیت های مردم را فقط بیک شخص یعنی به " سرآمد تمام نوابغ " نسبت میداد و غیره و غیره کار آسانی است ؟ مع الوصف رهبران چینی این وظیفه نافرجام را بعهده گرفتند و در این مورد علیه جنبش جهانی کمونیستی و تمام محافل مترقی جهان بمخالفت برخاستند .

کمونیست ها و تمام دوستداران سوسیالیسم اطمینان دارند که نظام اجتماعی نوین قادر است بر تمام بیماریها بکشد از جهان کهنه بیارث برده . است فائق اید و وثیقه آن جریان نیکو کمونیست که در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی انجام میگردد و نیز توسعه و تکمیل مداوم مومکراسی سوسیالیستی و همچنین روح خلاق لنینی است که اکنون در جنبش جهانی کمونیستی حکمفرما است .

" طی سالهای اخیر برخی افراد با تحریف تعالیم یکپارچه لنین در باره روابط میان رهبران - حزب طبقه و توده ها ، مسئله با اصطلاح " مبارزه علیه کیش شخص پرستی " را پیش کشیده اند که کار پرست استباه آمیز و زیان بخش " .

" طرح مسئله با اصطلاح " مبارزه علیه کیش شخص پرستی " عملاً یعنی قرارداد ن رهبران در نقطه مقابل توده ها و نقض رهبری واحد حزب که بر پایه مرکزیت دموکراتیک مبتنی است و نیز تضعیف قدرت یکپارچه و تلاش صغوف حزب " .

از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست

چین

" احزاب مارکسیست - لنینیست مراعات اکید موازین لنینی حیات حزبی مبتنی بر پایه اصل مرکزیت دموکراتیک را قانون تخطی ناپذیر فعالیت خود می شمارند و هر آنند که وحدت حزب را باید مانند مردمک چشم حفظ کرد و ... اصل دموکراسی حزبی و رهبری جمعی را اکید مراعات نمود . . . از عهد این کیش شخصیت که پابند تکامل اندیشه خلاق و ابتکار کمونیست ها است جلوگیری کرد ، فعالیت کمونیست ها را با تمام قوا توسعه بخشید و انتقاد و انتقاد از خود را در صغوف خویش گسترش داد " .

از اعلامیه سال ۱۹۶۰

مادر اینجانب مقابل اسناد پایان میدهم . عین همین کار را میتوان در مورد یک سلسله از مسائل اساسی دیگر در آن کنونی انجام داد ، ولی بدون اتهام روشن است که رهبران چینی عملاً از مشی عمومی جنبش کمونیستی انحراف جسته اند .

در نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و در سایر اسناد حزب کمونیست چین به آشکارترین وجه اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ احزاب برادر استنادات بیشمار شده است . ولی این استنادات اکثر اچیزی نیست جز تلمبار کردن مطالب و مدار کردن عبارات و الفاظ جسته و گریخته و منقطع از متن اصلی برای استتار ماهیت انشعاب طلبانه مشی سیاسی کنونی رهبران چینی . و این شیوه ها هم امروز دیگر هیچکس را نمیتوان اغفال کرد .

وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری را فقط بر پایه اصولی میتوان تأمین کرد . و بنابراین نیل باین وحدت مبارزه پیگیر ما را علیه دگماتیسم و سکتاریسم ، علیه ماحراجوی " چپ " در سیاست

وعلیه " رویزونیسم پشت روشده " در تئوری ونیزعلیه آشتی طلبی با این خطر موجود در جنبش ما ایجاب میکند *



حزب ما که در محیط مبارزات سیاسی جدی و روزافزون در کشور فعالیت میکند و میکوشد شرکت رسمی حزب را در انتخابات تأمین کند و حق انتخابات را شامل تمام کارگران ، دهقانان و درجه ناران ارتش نماید برای انجام اصلاحات ارضی و یکسلسله تحولات اجتماعی ، که علیه تسلط امپریالیسم متوجه است ، مبارز میکند ، پلنوم اخیر کمیته مرکزی خود را صرفاً به تجزیه و تحلیل و بررسی مسائل مربوط باین اختلاف نظرها اختصاص داد . کمیته مرکزی حزب کمونیست پرزبل بار دیگر مراتب پشتیبانی خود را از اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و از قرارهای تاریخی کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که مرحله جدیدی در راه تکامل جنبش جهانی کمونیستی آغاز کرد ، ابراز داشت و فعالیت هیئت های نمایندگی حزب را کفیه کما و اتحاد شوروی و جمهوری توده ای چین اعزام شد بودند تأیید نمود . کمیته مرکزی کمونیست های پرزبل را دعوت نمود احکام اساسی مشی عمومی را در جلسات و سمینارها و در مجالس گفتگو و غیره بررسی کنند و مورد بحث قرار دهند و در این مورد سنن و الای انترناسیونالیسم پرولتری حزب ما را رهنمون خود قرار دهند . ما تمام مساعی خود را بکار خواهیم برد تا در مبارزه برای تأمین وحدت جنبش کمونیستی هم در کشور خود و هم در سراسر جهان سهم خود را بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم خلاق اد اکنیم *



راه مسالمت آمیز - شکل انقلاب است

لوئیس کورولان

جنبش دموکراتیک امریکای لاتین با توجه روزافزون بحریان فعالیت سیاسی رادرشلیلی تعقیب میکند . این امر دو علت اساسی دارد : یکی اینکه درکشور شرایط لازم برای تحولات انقلابی فراهم آمده است و دیگر آنکه برای عملی ساختن این تحولات از راه مسالمت آمیز امکانات معین وجود دارد .

در سپتامبر سال ۱۹۶۴ درشلیلی انتخابات رئیس جمهوری صورت خواهد گرفت . جبهه اقدام خلقی مرکب از حزب کمونیست ، حزب سوسیالیست و حزب دموکرات ملی و سازمان های دیگر برای بدست آوردن قدرت سیاسی به مبارزه قاطع مشغول است ووظیفه ایست که بعنوان نخستین گام در راه رسیدن باین هدف در برابر خود قرار میدهد عبارتست از احراز پیروزی در این انتخابات .

مبارزه انتخاباتی از هم اکنون آغاز شده است . چهارکاندید ادر آن شرکت میکنند : سالوادرالیندر کاندید ای جبهه اقدام خلق ، خولیو ورن کاندید ای مشترک حزب محافظه کار و حزب لیبرال و حزب رادیکال که نمایند ه جبهه ائتلافی حاکمه هستند ، ادوارد وفسری کاندید ای حزب مسیحیون دموکرات ، وخوره پرات کاندید ای گروه بندی مستقل دست راست . اگر نتایج انتخابات اخیر شورای شهر را که در آوریل سال ۱۹۶۳ صورت گرفت در نظر بگیریم انوقت سه کاندید ای اول میتوانند به ترتیب روی ۳۰ درصد و ۴۷ درصد و ۲۳٪ مجموع آرا حساب کنند . کاندید ای چهارم پشتیبان حزبی ندارد و اینجبهت از این تقسیم بندی نسبی آرا خارج است . ولی تعداد آرائی که ممکنست بدست آورد معادل ۵ - ۱۰ درصد کل آرا است . این میزان را میتوان تقریباً بطور کامل بحساب آن انتخاب کنندگانی گذاشت که جزو هواداران خولیو ورن قید شده اند .

طبیعی است که ارقام بالا کاملاً تخمینی هستند . باید خاطر نشان کنیم که وضع هنوز بهیچوجه تثبیت نشده است و نتایج انتخابات طبق معمول از یک انتخابات تا انتخابات دیگر دستخوش تغییر اساسی میشود و ضمناً خصوصیت انتخابات رئیس جمهوری گرایشی است بسوی تحریک نیروهای میان دو قطب : میان هواداران و مخالفان ترقی جامعه .

عملی بودن هدفی که جبهه اقدام خلق در نظر گرفته بر عوامل زیرین مبتنی است :
آ - شیلی با بحران اقتصادی روز بروز عمیقتری دست بگریبان است که حل واقعی آن

تحولات اساسی عمیقی را ایجاد میکند .

ب - نظریات سیاسی گوناگون و نسخه های اقتصادی پیشنهادی طبقات حاکمه یکی پس از دیگری در کشور عقیمینانند و این امر نشانگر شکستگی این طبقات و سیستم آنهاست .

ج - این عوامل منشا شدید تضاد های اجتماعی و مقدم بر هر چیز تضاد میان امپریالیسم و ملت شیلی است .

د - اکثریت قریب بتمام مردم عرشان تحولات اساسی هستند .

ه - درجه تشکل ، وحدت و آگاهی سیاسی پرولتاریا و دیگر اقشار خلق بسطح نسبتاً عالی رسیده است .

و - شرایط بین المللی برای تحولات انقلابی لازم مساعد است و این در درجه اول در نتیجه افزایش اقتدار و اعتبار سیستم سوسیالیسم است .

عوامل داخلی زیر امکانات لازم را برای انجام انقلاب میدست آوردن قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز فراهم میسازد :

۱ - جنبه اقدام خلق ائتلاف محکمی است از احزاب و برنامه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی آن حوابگویی خواسته های عینی تکامل جامعه و جوابگویی منافع و امال اکثریت مردم است و همین جهت این جنبه بر پایه مبارزات توده ها میتواند نیروهای لازم برای تامین پیروزی را در زیر پرچم خود متحد سازد ،

ب - سیستم سیاسی انتخاباتی در شیلی با وجود محدودیتهای ذاتی آن در شرایط معین ، یعنی در شرایط ائتلافی مبارزه توده ها و تمرکز نیروها در دو قطب مخالف ، این امکان را میدهد که انتخابات رئیس جمهوری به عامل قاطعی برای تشکیل دولت متکی بر مردم تبدیل گردد ، اشتیاق فراوان اکثریت مردم به تحولات اساسی ناشی از اعتقاد باین حقیقت است که تحولات مزبور میتواند از طریق مسالمت آمیز تشکیل دولت متکی بر مردم عملی ساخت ،

ج - سنتهای بورژوا - دموکراتیک و مبارزات مردم در دفاع از آزادیهای اجتماعی برای توسعه این آزادیها کار نیروهای ارتجاعی افراطی را در اجرای نقشه های ضد دموکراتیک دشوار میسازد و به مبارزه علیه تلاشها و نقشه های شورش طلبانه آنها برای جلب نیروهای مسلح به انواع مآجر اجوبی ها - مساعد نمیکند .

تکامل جنبش توده ای در شیلی در سمت و در مقیاسی انجام میگیرد که همانطور که متذکر شدیم در صورت استفاده از اوضاع و احوال انتخابات آینده رئیس جمهوری میتواند موجب تشکیل دولت آزادی ملی را از طریق مسالمت آمیز فراهم سازد . روشن است که تمام اینها از حد و دیگر امکان تجاوز نمیکند ، زیرا هنوز نمیتوان نتایج این مبارزه را بدقت پیشگویی کرد و حتی هنوز نمیتوان با اطمینان کامل گفت که این انتخابات صورت خواهد گرفت یا نه . ولی حوادث (لاقلاً امروز) در این جهت بسط می پذیرد .

دگماتیک ها با استفاده از پیشبینی بیفقد ارتروستیکست ها با تمام قوا میکوشند ترمز مارکسیستی لنینیستی را در باره راه مسالمت آمیز لغت کنند و با حیل و نیرنگ میکوشند این ترمز را رویونیم و فر فر میسم و بعد از انقلاب حلوه دهند . آن احزاب کمونیست که معتقدند در کشور هایشان امکان انجام مسالمت آمیز تحولات انقلابی وجود دارد ، از طرف دگماتیک ها با سبیلی از موهن ترین القاب روبرو میشوند . دگماتیک ها بکلی باین واقعیت بی اعتنا هستند که این احزاب رهبری مبارزه توده ها در راه خواست

های خویش را بعهدہ دارند و بر این پایه سیاسی به پیشرفت‌های بزرگی در ارتقا کامل خود نائل آمده اند و در امر وحدت و سازمان دادن و توسعه دامنه جنبش انقلابی به کامیابی‌های بزرگ رسیده اند و بهترین نیروی هستند که دشمن با آن رهبر می‌شود و ضربات شدید خود را بر آن وارد می‌سازد. دگماتیک‌ها این امر را که احزاب مزبور سلاح بدست در دسته‌های پارتیزانی و در باریکاد مبارزه نمی‌کنند مورد سو* استفاده قرار میدهند و ضمناً باین مطلب هم توجهی ندارند که احزابی که اماج حملات آنها هستند در شرایط مشخص و در عرصه‌های مختلف با صلاح باید و صلاح ، ولی همیشه دوشرید و شرتودها ، مبارز کرده و اکنون هم آماده این مبارزه هستند . حزب کمونیست شیلسی مثل سایر احزاب برادر بخاطر انقلاب مبارزه میکنند . ولی در شرایط کنونی این مبارزه را با وسائد مسالمت‌آمیز انجام میدهد . حزب ما برآنستکه ندوین ترازه مسالمت آمیز و کار بستن آن تازه شروع شد و در این مورد هنوز گفتنی‌ها و دیدنی‌های بسیار در پیش‌راست . کمونیست‌های شیلسی برآنند که بررسی تجربه هر حزب برای همه سودمند است و حزب ما بر اساس تجربه خود میتواند برخی مسائل را در این زمینه مطرح کند .

راه مسالمت آمیز انقلاب و انتخابات

درد و ران کنونی در کشورهای معین و در شرایط معین انتخابات امکاناتی را بوجود می‌آورد که از آن میتوان بعنوان وسیله مبارزه بمنظور احراز قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز، استفاده کرد .

طبقات ارتجاعی در موارد بسیار قادر به حفظ تسلط خود در کار در مکرر اسی بجزروائی نیستند . بهمین جهت در اکثر کشورهای سرمایه داری رژیم‌های استبدادی برقرار میگردد ، برای تشکیل دولت تحت رهبری " شخصیت‌نیرومند " تلاش بعمل می‌آید - آزادی‌های دموکراتیک محسو میشود ، فعالیت احزاب کمونیست و دیگر احزاب مترقی ممنوع میگردد ، قوانین انتخابات مورد تغییرات ارتجاعی قرار میگیرد و اگر نتایج انتخابات امیدهای مترجمین را برآورده نساازد انتخابات معلق میشود . پایه صحنه سازیهای قلبی بدل میگردد و حتی ملغی میشود .

علت این امر چیست ؟ علت آنستکه درد و ران کنونی که افکار دموکراتیک در میان ملل با سرعت اشاعه می‌یابد و اندیشه‌های سوسیالیسم تاثیر و نفوذ فوق العاده ای کسب میکند توده‌ها از زیر کنترل طبقات ارتجاعی خارج میشوند و امکان دارند تعایلات و اراد خود را از طریق انتخابات عمومی ابراز کنند .

این بد ان معناست که هر جا طبقه کارگر بتواند جنبه توده ای وسیعی در اطراف خود پدید آورد و به حفظ آزادی‌های عمومی و سیستم انتخاباتی کم و بیش دموکراتیک نائل آید امکان آنرا خواهد داشت که ارتجاعی‌ترین بخش‌های روزی را مجزا و متفرد سازد .

کمونیست‌ها پس‌رای بسیج توده‌ها از هر نوع انتخابات و از جمله از انتخابات پارلمانی استفاده میکنند . هنگام تدارک انتخابات و اجرای آن ممکنست شرایط مساعدی برای پیروزی قاطع طبقه کارگر و تمام مردم در مبارزه آنان بخاطر احراز قدرت سیاسی فراهم گردد . با آنکه حزب کمونیست

شیلی و متحدین آنها در جنبه اقدام خلق میتوانند مواضع خود را در پارلمان تحکیم کنند (در حال حاضر کمونیست‌ها در پارلمان ۲۶ کرسی دارند) ، مع الوصف امکانات خود را برای پیروزی با انتخابات رئیس‌جمهوری مربوط میدانند (ولی البته این در با هم یکی نمیدانند) ، زیرا قوه مجریه بسبب اختیارات وسیع آن در شیلی محور مرکزی قدرت سیاسی محسوب میشود . به همین جهت انتخابات رئیس‌جمهوری نیروهای سیاسی را بحد اکثر بسوی خویش جلب میکند و آنها را وادار بانخاذ مواضع هر چه روشنتری مینماید . پس از انتخابات رئیس‌جمهوری اگر هیچ کاندیدی اثنی اکثریت مطلق بدست نیارد کنگره ملی یکی از دیکان‌های رایز را که بزرگترین تعداد آرا را بدست آورده باشند انتخاب میکند . وقتی در انتخاب یک فرد دموکرات برای ریاست دولت توفیق حاصل شود میتوان دولت دموکراتیکی تحت ریاست او تشکیل داد . در اینجا همچنین این امکان وجود دارد که اگر کاندیدی ای مردم بطور نسبی رای اول را داشته باشد و اگر توده ها بخواهند کاندیدی ای مردم به پیروزی نائل آید .

بهر تقدیر انتخابات فقط جزئی از پروسه عمومی مبارزه طبقاتی قشرهای بزرگ مردم علیه گروه مرتجعین است . اگر انتخابات بعنوان پدیده ای جدا از مبارزه توده‌ها در واقع خواسته‌های خویش تلقی شود و اگر کافق فقط بتعریف و تمجید از کاندید او تبلیغات در اطراف برنامه و فقط بحل مسائل فعالیت قبل از انتخابات منحصر گردد آنوقت خطر دچار شدن به انحراف رفرمیستی پیش خواهد آمد . بسیج توده‌ها برای مبارزه در راه نیل به حقوق حیاتی و امال و هدفهای اقتصادی و سیاسی مطابق با شرایط هر لحظه همیشه وظیفه اساسی بوده و خواهد بود . اگر اجزای مختلف مبارزه سیاسی توده‌ای بایکدیگر مرتبط شوند و مجموعه واحدی را تشکیل دهند و بدینسان شرایطی فراهم گردند که موج برآفتگی خلق در لحظه معین در انتخابات متحلی گردد ، آنگاه انتخابات میتواند نتایج نیکو و بار طبیعی است که راه مسالمت‌آمیز بطور حتمی و الزامی با انتخابات مربوط نیست . لنین پس از انقلاب قهریه تحقق شعار " تمام قدرت بدست شما " بدست آوردن اکثریت در داخل آنها را بعنوان امکانی برای انجام مسالمت‌آمیز انقلاب سوسیالیستی تلقی میکرد . و اما در مورد نیل به هدف اخیر یعنی تامین اکثریت هواداران سوسیالیسم در شماها سخن بر سر انتخاب نماینده و حد اقل انتخابات بصورتی که در کادر قوانین بورژوازی معمول است - نبود . سخن بر سر نمایندگان توده کارگران ، دهقانان ، سربازان و نوامیان در شرایط وجود موقعیت انقلابی بود .

بدین طریق در شرایط وجود بحران عمیق سیاسی میتوان تکامل مسالمت‌آمیز انقلاب را با استفاده از اشکال و وسایل دیگر مبارزه یعنی بدون انتخابات پیشینی کرد . وقتی حزب کمونیست اسپانیا مسئله اقدام به انحصار عمومی مسالمت‌آمیز در سراسر کشور را پیشبینی امکان سرنگونی فرانکو مطرح کرد انتخابات را ، لااقل در مرحله اول کار ، در نظر داشت بلکه امکان استفاده از آنها برای انجام تحولات سیاسی دارای محتوی و نتایج انقلابی ، بدون توسل به قیام و جنگ داخلی ، در نظر داشت .

احزاب کمونیست کودتاهای بصورت شورشی نظامی را که در امریکای لاتین زیاد انجام میگیرد علی الاصول نفی میکنند و بر آنند که این قبیل کودتاهایک به جنبش توده‌ها متکی نیستند جنبه ماجراجویانه دارند . ولی کمونیست‌ها این مسئله بطور کلی تمام مسائل را بطور مشخص در نظر نمیگیرند . اگر سخن بر سر عمل انجام شده باشد در برخورد خود این مطلب را مورد توجه قرار میدهند یعنی وقتی کودتا برای پیشرفت نقشه‌ها و مقاصد ارتجاعی انجام گیرد کمونیست‌ها مخالفت با آن را

میخیزند و طبع آن مبارزه میکنند . ولی وقتی کودتا توسط بورژوازی ترقیخواه یا خرده بورژوازی دارای روحیات مرفعی انجام میگردد و لااقل امکان کوچکی برای استفاده از این کودتا بسود قشرهای بزرگ مردم پدید میآورد - آنگاه کمونیستها توده هارا برای مبارزه بسیج میکنند تا بآن سمت دموکراتیک بدهند . در نتیجه این امر مردم در شرایط معینی با مبارزه سیاسی فعالانه خود میتوانند موجبات برخی تغییرات اجتماعی را فراهم سازند بی آنکه بقیام سلححانه و جنگ داخلی متوسل شوند .

هر انقلاب اعم از دموکراتیک یا سوسیالیستی دارای مختصات عمومی مشترکی است که برای پیروزی آن اهمیت قاطع دارد . ولی در مورد شکل انقلاب زندگی تاکنون اشکال گوناگونی راعرضه داشته و در آینده نیز عرضه خواهد داشت . نئین نوشته است : " مارکس دست خود ورهبران بعدی انقلاب سوسیالیستی - را در مورد اشکال ، شیوه ها و طرق انقلاب نمی بست و نیک میدانست که در جریان انقلاب چه معضلات تازه ای پدید خواهد شد و چگونه تمام اوضاع واحوال دگرگون خواهد گشت و این دگرگونی ها چقدر زیاد و شدید خواهد بود " (کلیات آثار ، جلد ۲۷ ، ص ۳۰۱) .

پروسه های اجتماعی واحد در کشورهای مختلف در جریان تکامل خود ویژگی هایی دارند و این ویژگی هارا خود واقعیت معین میکند . راه انقلاب ممکن است مسالمت آمیز باشد یا غیر مسالمت آمیز . یاشراه معین نیز از لحاظ شکل و جوتهامیز دارد . انقلابیون نمیتوانند این یا آن راه ، این یا آن شکل رسیدن بقدرت را خود مبرانه انتخاب کنند ، بلکه فقط آن راه و آن شکلی را برمیگزینند که از شرایط مشخص محیط فعالیت آنان ناشی میشود .

راه مسالمت آمیز - راه مبارزه توده هاست

دائمه هر چه وسیعتر و قدرت بسیج توده معا برای مبارزه در راه خواسته های اقتصادی واجتماعی خویش و دفاع و توسعه آزادیهای اجتماعی و نیز در راه هدفهای سیاسی دیگر با استفاده از تمام امکانات مبارزه در شئون مختلفه و همچنین متحد ساختن نیروهای هر چه بیشتر پیرامون طبقه کارگر - چنین است شرایط و اشکال عمومی مشترکی که بر اساس آنها پیشروی موفقیت آمیز در راه مسالمت آمیز امکان پذیر میگردد .

همانطور که متذکر شدیم در شیلی فعالیت برای تدارک انتخابات رئیس جمهوری آغاز شده است . ولی مردم فقط در انتظار نتایج این مبارزه ننشسته و فقط باین مبارزه اکتفا نکرده اند . از ماه مارس تا سپتامبر سال ۱۹۶۳ زحمتکشان شیلی در هفت رشته صنعتی برای دفاع از خواسته های خود اعتصاب کردند و تعداد شرکت کنندگان در مجموع این اعتصابات رویه مرفته به ۱,۳۲۷,۰۰۰ نفر بالغ گردید . " بی خانه ها " برای ساختن خانه قطعه زمین های تازه ای را اشغال کردند . دموستراسیونهای متعدد د بزرگ و حتی اعتصابات علیه لایحه قانونی دولت در باره محدود کردن آزادی مطبوعات (مرد ما ترا " قانون دهان بند " نامیدند) برپا شد .

مبارزه توده ای اشکال بسیار متنوعی بخود میگیرد . زحمتکشان علاوه بر اعتصاب از شکل دیگر مبارزه یعنی اشغال موسسات و مدارسهای چندین کیلومتری در راههایی که بشهرها و عده ختم میشود و همچنین از دموستراسیون و میتینگ و اشغال محوطه ها و پارک های متعلق به کنگره ملی و از هر وسیله دیگری که در اختیار داشته باشند ، استفاده میکنند . دهقانان نیز از اعتصاب و مارش ازدهات بشهرها بعنوان اسلوب مبارزه استفاد میکنند و گاه زمینها را اشغال مینمایند .

دانشجویان غالباً د مونسراسیونهای بزرگی برپامیکنند و ضمن آن بنای دانشگاه و دانشکده ها را تحت اشغال خود میگیرند . زحمتکشان استانیهای که از بحران آسیب سخت دیده اند غالباً بکل کار را تعطیل میکنند و معاملات اعتراضی پرچمهای نیمه افراشته نصب میکنند . اعضای شرکت دولتی مسکن که تعداد آنها به ۸۶ هزار نفر میرسد از پرداخت حق عضویت امتناع میکنند و بدینسان مراتب اعتراض خود را به افزایش کرایه خانه و یا اقساط خانه ابراز میدارند . کسبه خرده پاره علامت اعتراضی مطالبه مالیاتهای گزاف دکانهای خود را می بندند . تمام قشرهای مردم شیلسی که از بحران رنج میبرند تظاهرات توده ای ترتیب میدهند و گاه بطور مجزا و گاه متقابل با هم می آیند و علی القاعده در مبارزه خود اسلحه های خاص طبقه کارگرا بکار میبرند .

روشن است که جنبش توده ای از فرازونشیب میگذرد و نقاط ضعف صحنه صحنه دارد . گاه — متشکل با شش و ده ماهنگ کردن مبارزه بسیار شوار است زیرا نیروها هنوز پراکنده اند و دشمن هم در خواب نیست . ولی با وجود همه اینها جنبش توده ای نیرو دارد و راه ترقی و تکامل میپوید . تظاهرات هر بار دامنه دار تر و پیکار حیوانه تر میشود .

صرف نظر از اینکه نزد بکترین همدقهای هر مبارزه توده ای چه باشد با اطمینان میتوان گفت که همه آنها از نقطه نظر عینی جزئی از جنبش سیاسی و اجتماعی عمومی مشترکی را تشکیل میدهند که میگوید برای پیشرفت خود از طریق مسالمت آمیز راه باز کند . توده ها بکمک این مبارزه نحوه تشخیص دوست از دشمن را میآموزند و این مطلب برادرك میکنند که حل مشکلات آنها از طریق انجام تحولات بنیادی و اصلاحات عمده بروی کار آوردن دولت مکی بر مردم امکان پذیر است .

در گزارش رفیق اورلاند و میلیاسریه پلنوم کمیته مرکزی حزب ما (ژوئن سال ۱۹۶۳) بر اساس نظریه لنینی درباره مفهوم واژه " توده ها " در اوضاع احوال ماقبل انقلاب بانها بیت وضوح گفته شده است که باید اکثریت مردم را برای مبارزه در راه تحقق خواسته های شان و تشکیل دولت طراز نوین بحرکت در آورد . و اما در مورد خود فعالیت قبل از انتخابات و کاری که باید برای تدارک انتخابات انجام داد نیز با موضوع سیخ توده ها مطرح است و ما در این زمینه هم موفق شده ایم که ای به مراتب پیش از مجموع عدّه اعضا احزاب جنبه اقدام خلق را در کار انجام این وظایف شرکت دهیم و در همه ازار غیر حزبی را در کمیته ها متشکل کرده ایم و این افراد در آنجا دوشیرد و شر اعضای احزاب متلفه فعالیت میکنند .

حکومت فلاتک کشور ما بحرانی است که سرپای کشور ما را فرا گرفته است (این بحران در نتیجه تشدید تسلط مالکان بزرگ و انحصارات خارجی بر اقتصاد کشور پدید آمده است) . و این وضع در نتیجه سیاستی که صندوق بین المللی پول بمانحید کرده به بیش از پیش وخیم میشود . بدینسان مبارزه توده ها از لحاظ محتوی خود ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی و ضد مونوپولیستی است . گاهگاه تصادمات مستقیم با امپریالیسم روی میدهند و این در مواردیست که انحصارات ایالات متحده امریکا میکوشند نفت شیلسی را در دست خود قبضه کنند و از پرداخت میزان کامل مالیات طافره روند و علاوه بر این در مواردیست که صندوق بین المللی پول به تورم و کاهش ارزش پول کشور کمک میکند . در چنین مواردی مقاومت ضد امپریالیستی دامنمعی کسب میکند و حتی قشرهای بورژوازی غیر انحصارگرا نیز دربر میگیرد . تمام تلاشهای مکرر و مستقیم امپریالیست ها برای تحب نفت شیلسی عقیم مانده است .

مبارزه توده ای معمولاً در چارچوب قوانینی گسترش می یابد که زحمتکشان در شرایط تسلط

ضرورت پیدا کند و مصلحت باشد . بدینجهت باید همیشه برای هرگونه تغییر و تحول واحوال آماده بود و باید بر تمام اشکال مبارزه تسلط داشت .

دیگاتیکه بجا که مجبورند گاه با نزاراه مسالمتآمیز موافقت کنند - و آنهم فقط بطور صوری - بی پروا از تحریف روح و نصی اعلامیه‌های سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ حلمات شماره مسکوبات تمام قوامیکوشند این فکر را تلقین کنند که گویا انتخاب راه مسالمتآمیز فقط وابسته بطرز عمل دشمن است . رهبران حزب کمونیست چین در نامه اخیر خود بکمیت مرکزی حزب ما نوشته اند : " انتخاب راه استقرار سوسیالیسم وابسته به پیروزی است نه به پولاتاریا " . این نیز تحریفی است نظیر آنچه که در مجموعه مقالات آنها تحت عنوان " زنده باد لنینیسم " در مورد مسئله جنگ و صلح انجام گرفته و ضمن آن مرنوشت صلح عملا تمام و کمال در اختیار ستاد های ارتشهای کشورهای امپریالیستی گذاشته میشود .

در اعلامیه ۸۱ حزب گفته میشود که اولاً طبقه کارگر و پیشاهنگ آن یعنی حزب مارکسیست - لنینیست برای انجام انقلاب سوسیالیستی از طریق مسالمتآمیز مجاهدت میورزند و ثانیاً در شرایط وجود مقاومت شدید از طرف طبقات ارتداعی درجه حدت و اشکال مبارزه طبقاتی بیشتر به پولاتاریا منوط است تا بمقاومت محافظان ارتداعی در قبایل اراده اکثریت قریب بتمام مردم و توسل بقوه قهریه از طرف این محافظان در این یا آن مرحله مبارزه در راه سوسیالیسم .

ولی مسئله انتخاب راه فقط با اراده یا بدرجصقاومت دشمن منوط نیست . دایته کارگرتوده های خلق ضمن کوشش برای انجام مسالمتآمیز انقلاب در عین حال تمامه سعی خود را بکار میبرند تا دست ارتجاع وابسته نگاهدارند ، نقشه های آنها بر هم زنند و اقدام باعمال قهر را غیر ممکن سازند و با بهر حال مبارزه را به عرصه ای بکشانند که بیشتر از همه بصرفه آنها باشد .

طبقات حاکمه شیلی اطمینان ندارند که بتوانند در انتخابات آینده برای تعیین رئیس جمهوری حکومت را در دست خود نگاهدارند و از نوته آزمایش این انتخابات پیروز در آیند . بدینجهت آنها با استفاده از اکثریت خود در پارلمان میکوشند لایحه کذائی " قانون دهان بند " را از تصویب کنگره ملی بگذرانند و قانون اساسی برخی تغییرات ضد دموکراتیک وارد سازند . ولی مطالب بدینجسا پایان نمی پذیرد . آنها در لحظه معین میتوانند قسمت زیادی از نیروهای خود را به پشتیبانی از کاندیدی از دموکراتهای مسیحی بگمارند . این کاندید احوالگویی کامل منافق آنها نیست ، ولی آنها امیدوارند که بدینوسیله بتوانند از روی کار آمدن نیروهای انقلابی اصیل جلوگیری کنند . محافظان ارتداعی افراطی کشور نقشه کودتا در سر میپرورانند . خراکودتای ارتداعی قبل از انتخابات وجود دارد .

اگر تمام این مانورها عظیم ماند مردم هم طبعی برای عظیم گذاردن این مانورها مبارزه کنند آنوقت در صورت پیروزی نیروهای جنبه اقدام خلق در انتخابات ، مترجمین خواهند کوشید تا برای جلوگیری از تشکیل دولت متکی بمردم بمانورهای دیگری توسل جویند . اگر تمام این مانورها بر طرف شود یعنی در صورت پیروزی مردم و تشکیل دولت متعلق بمردم بود ، ای خلق با آزمایش سوم و برخواهند شد و آن تلاش ضد انقلاب برای ربودن قدرت از چنگ توده ها است . بدینجهت که در تمام این مانورها امپریالیسم امریکای شمالی ناگزیر شرکت خواهد کرد .

بنابراین راهیکه در برابر جنبه بر توده ای شیلی قرار دارد فارغ از موانع گوناگون نیست و لذا هیچگونه توهم پریهادن بر مسالمتآمیز در میان نیست و آنچه مواره در نه گرفته میشود امکان

پیشروی از این راه است .

از آنچه گفتیم این نتیجه بدست می آید که باید برای هر گونه چرخشی در سیر تکامل حوادث آماده بود . در شرایط کنونی کمونیست ها ، سوسیالیست ها و سایر احزاب جبهه اقدام خلق و نیز کاندیدای آنها این مسئله را آشکارا مطرح می سازند و مردم را با روح حفظ هشیاری و آمادگی برای پاسخ لازم به ضرر و زیاده ای که دشمن برای جلوگیری از نبل به پیروزی و خنثی کردن نتایج پیروزی حاصله یا سرنگون ساختن دولت توده ای آینده وارد آورد - ترسین می کنند . طبیعی است که این مسئله دارای حیوانی است که هر هیران جنبش توده ها باید آنرا مورد توجه قرار دهند . ولی جنبش توده ای فقط آمادگی برای پیکارهای بسیار دشوار و تحمل قربانیهای بزرگ را ایجاب نمی کند . معالبا این سادگی نیست . تاکتیکی را که باید در هر اوضاع و احوالی بکار بست نمی شود تماما و کمال تعیین امروز تعیین کرد . تغییراتی که ممکنست در مواضع دشمن روی دهد تعقیب این یا آن راه را با توجه به شرایط مشخصی که تعیین خود هدف بلا واسطه نیز بان وابستگی دارد ، الزام می کند .

در سال ۱۹۳۹ عناصر دست راست گروهی از افسران عالی رتبه ارتش را بشورش سوسی حلب کردند که هدف آن سرنگونی دولت پرو آگیره سرد ایمنی دولتی بود که در نتیجه پیروزی خلق روی کار آمده بود . در پاسخ این شورش طبقه کارگر در شرایط اوج جنبش توده ای از کار دست کشید ، نیروی خود را بسرعت و با وحدت تمام بسیج کرد ، خیابانها و مواضع کلیدی را اشغال کرد و پیاری اقتدار دیگر خلق با این ماحرا حوی پایان داد .

در سال ۱۹۴۲ وضع دیگری پدید شد . امپریالیسم امریکای شمالی به تعرض پسرداخت و میگوئید نمایندگان حزب کمونیست را از دولت ولتی که آن حزب درست یکسال پیش از آن بروی کار آمدن آن گفت کرده بود - بیرون کند . حزب و طبقه کارگر آماج تشبیقات شدید قرار گرفتند . در تناسب قوا تغییراتی روی داد که وقتا بزبان پرولتاریا بود . مرکز سندیکای پرولتری دوشقه شد و سوسیالیست ها و کمونیست ها محز از هم عمل می کردند . در چنین شرایطی دست بردن با سلحه در مقیاس وسیع عمل بی معنایی است . حزب و طبقه کارگر مبارز می کردند و اقدامات بسیار دشواری انجام می دادند . تاکتیکی را که آنها هنگام در اثر تعیین شرایط موجود بکار میرفت میتوان تاکتیک عقب نشینی در حال نبرد نامید . این تاکتیک بحزب امکان داد ارتباط خود را با توده ها بطور اساسی حفظ کند تا سپس با اتفاق آنها محدودا به تعرضی پردازد .

این تجربه بار دیگر گواه بر آنستکه هر تاکتیکی صحیح است و هر شکلی از مبارزه مناسب است بشرط آنکه با اوضاع و احوال مشخص مطابقت داشته باشد و معنوا و وسیله ای جهت حلب توده ها به بارز و بکار رود .

نسه برخورد مکانیکی ونه برخورد ذهنی

راهبری حزب کمونیست چین در نامه پیشگفته بعنوان کمیته مرکزی حزب ما مینا چنین نوشته است : " در امریکا لاتین " راه مسالمت آمیز " که شما برای آن مبارزه می کنید باراه انقلابی قیدن کاستر و هرقای دیکر که مردم کبهارا به پیروزی رساندند تعارض آشکار دارد . " .

قبلا از هر چیز نباید همت که حزب کمونیست شیلی برخلاف دکلماتیک ها و سگاریست ها از تنز ماردمیستی - لنینیستی راه مسالمت آمیز شیلیانی میبند ولی بر آنستکه انتخاب راه مسالمت آمیز

یا غیر مسالمت آمیز در یک کشور در صلاحیت انقلابیون خود آن کشور است . بعبارت دیگر حزب مادر خارج از حد و کشور خود هیچ مشی رایه هیچکس ارائه نمیدهد و تحویل نمیکند . همانطور که در اعلامیه مشترک شوروی و کما که روز ۲۳ ماه مه سال ۱۹۶۳ در پایان سفر رفیق فیدل کاسترو به اتحاد شوروی از طرف رفیق خروشچف و رفیق فیدل کاسترو امضا شد تصریح گردیده است :

* تعیین اشکاف و اسالیب مبارزه در راه سوسیالیسم در هر کشور وظیفه خود مردم آن کشور است . *

این نظر با اصل مصرحه در اعلامیه ۸۱ حزب مطابقت کامل دارد . در اینجا گفته میشود :

" تمام احزاب مارکسیست - لنینیست مستقل و متساوی الحقوقند و سیاست خود را بر اساس شرایط مشخص کشورهای خویش و به پیروی از اصول مارکسیسم - لنینیسم تنظیم میکنند و از یکدیگر پشتیبانی متقابل بعمل میآورند . "

بحاست باردیگر خاد نشان سازیم که تعیین مشی استراتژیک و تاکتیکی که پیروی از آن لازم است و از جمله تعیین طریقه انجام انقلاب و انتخاب لحظه اقدام تودهاها برای نبرد قطعی در یک کشور در صلاحیت حزب کمونیست و انقلابیون همان کشور است . انقلابیون این بیان کشور باخطر ارتکاب اشتباه در تعیین مشی یا در عملی ساختن این مشی روبرو میشوند . ولی آنها از اوضاع و احوالی که در آن کار میکنند بهتر اطلاع دارند و این جهت خطر ارتکاب اشتباه برای آنها کمتر است تا برای انقلابیون کشور دیگری که بخواهند نقش رایزن ناخوانده را بازی کنند . از سوی دیگر تودهها و پیشاهنگ آنها در هر کشور در درجه اول بر اساس تجربه خودشان میتوانند مشی را که منطبق بر قوانین عینی پروسه انقلابی باشد بدرستی تنظیم کنند .

رهبران حزب کمونیست چین به بازی ناپاکی دست زدند و چنین وانمود کردند که طرفدار منحصرا بفرار مسلحانه فقط خود آنها هستند و بقیه احزاب طرفدار را مسالمت آمیزند . بخشی از این بازی تلاشی است که آنها بعمل میآورند برای آنکه پروسه انقلابی ما را معارض یا پروسه انقلابی کما حلوه دهند . ولی این حرف بی معنی است . هیچیک از احزاب کمونیست که تراز مسالمت آمیز را می پذیرد راه مسلحانه را بر پایه ذهنیات پیش خود رد نمیکند . از این گذشته احزابی هستند که برای کشور خود راه مسلحانه را برگزیده اند و در عین حال با نظریات رهبران حزب کمونیست چین که ارزش تئوریک و پراتیک تراز مسالمت آمیز را نفی میکنند ، مخالف هستند . نمونه آن مشی است که حزب کمونیست پاراگوئه برخی احزاب کشورهای امریکای مرکزی تعقیب میکنند .

انقلاب کما اهمیت عظیم دارد و نمونه ایست از قهرمانی خلق کما و گواهی بارز است بر اینکه تمام ملل قاره ما در صورتیکه با قاطعیت مبارزه کنند پرهیبتگی بین المللی و در درجه اول بر پشتیبانی از اراد و گاه سوسیالیستی متکی باشند میتوانند به آزادی نائل آیند . پشتیبانی دائم از انقلاب کما و ولیفیه حیاتی مسلط تمام قارههاست . کسانی که میکوشند از مسئله خصوصیات تاکتیکی که دارای خصلت عینی است برای ایجاد اختلاف نظر در زمینه بکلی دیگر سوء استفاده کنند با این عمل با انقلاب کما کفت نمیکند بلکه فقط با نزیان میرسانند .

محتوی انقلاب هر کشور امریکای لاتین بطور کلی یکسان است . تمام ملل امریکای لاتین از سر مشق کما در قسمتی که به آزادی از قید مظلوم امریکاییسم میراند اختن زمینداری بزرگ و پابندهای دیگر راه تکامل نیروهای مولده و نیز به انجام انقلاب فرهنگی مبارز کردن راه بسوی سوسیالیسم مربوط میشود ، پیروی خواهند کرد . ولی اشکاف و وسایل نیز باین هدف با تفاوتها و وجود دارد و در آینده نیز حتما بوجود خواهد آمد . تمام مارکسیست - لنینیستها با این نکته موافقتند که هر پروسه انقلابی از خود

خصوصیاتی دارد .

گرایش‌سوی تقلید مکانیکی از این یا آن پروسه انقلابی ما تلقی این پروسه بعنوان يك الگو در بهترین حالات خود سهرکتیویسم است . انقلابیون خواه در تئوری و خواه در پراتیک روزمره حق ند آرند فقط نیات حسنه را ملاک عمل قرار دهند و شرایط مشخص محیط عمل خود را در نظر نگیرند . اگر شرایط برای پشتیبانی تود مه از انقلاب وجود نداشته باشد خود انقلاب نیز نمیتواند انجام گیرد . برای انجام انقلاب د نوع شرایط لازم است : شرایط عینی و شرایط ذهنی . شرایط نوع اول را سیر تکامل جامعه بوجود می‌آورد و شرایط نوع دوم را که بقابلیت واستعداد وعزم توده ها برای مبارزه علیه طبقات حاکمه بمنظور سرنگون ساختن آنها ازمسند قدرت مربوط است خود جنبش انقلابی ومقد مبرمه پیشاهنگ این جنبش پدید می‌آورد . باینجهت باتوجه باین نوع شرایط این فکر کاملاً صحیح است که نباید دست روی دست گذاشت ومنظر لحظه ای شد که این شرایط خود بخود پدید آیند . ولی در عین حال برای ایجاد چنین شرایطی (از لحاظ زمان و اشکال) نباید از هوی وهوس پیروی کرد و واقعیت عینی را نادیده انگاشت . چنین شرایطی فقط در نتیجه کارسرسخت وصبورانه در میان توده ها بوجود می‌آید . ونیز روشن است که اگر در انجام این وظیفه کار قابل ملاحظه ای انجام گرفته باشد واگر در اوضاع واحوال معین و در شرایطی که برای تحقق خواسته‌ها مبارزه دامنه داری انجام میگیرد توده ها باین نتیجه برسند که مسئله اساسی عمارتست از مبارزه برای بدست آوردن قدرت سیاسی واماده باشند برای آنکه این امر را هدف بلاواسطه خود قرار دهند انوقت میتوان ایجاد چنین شرایطی را تسریع نمود و کاری کرده که این شرایط در فاصله زمانی فوق العاده کوتاهی پدید گردد ولی باریگر باید متذکر شویم که تمام این عوامل از مبارزه خود توده هاهامشامیگیرد .

راه مسالمت‌آمیز وسیاست وحدت

بطوریکه میدانیم یکی از عوامل جدیدی که برای تحقق راه مسالمت‌آمیز امکان واقعی پدید می‌آورد توانائی طبقه کارگر کشورهای مختلف برای متحد ساختن اکثریت مردم پیرامون خویش بر اساس تبلیغات وسیع درباره اصلاحات دموکراتیکی است که لبه تیز آنها (اصلاحات) بطور عینی علیه تسلط امپریالیسم صورروازی انحصارگر متوجه است .

طبقه کارگراعم از اینکه راه مسالمت‌آمیز را برگزیده باشد یا راه غیر مسالمت‌آمیز را عملاً سیاست اتحاد با سایر طبقات وقشرهای اجتماعی ، سیاست برقراری وحدت میان قشرهای بزرگ مردم را بموقع اجرا میگذارد ومیکوشد دشمنان اساسی رامنفرد سازد وقشرهای متزلزل را بیطرف نماید . بدون اجرای سیاست وحدت انقلاب انجام نخواهد گرفت .

این سیاست تفاهم متقابل و وحدت واتحاد در شرایطیکه راه مسالمت‌آمیز تعقیب میشود اهمیت بیشتر کسب میکند صویژه آنکه برای علی ساختن آن امکانات فراوانی وجود دارد . قشرهای وسیعتر وحتى آن قشرهایی راکه در شرایط وجود دورنمای انقلاب مبتنی بر قیام مسلحانه دامنه در حال متزلزل هستند و چنانچه موقعیت انقلابی فوق العاده حاد پدید نشود ، که آنها را سرانجام بمبارزه بکشاند در این مبارزه شرکت نمیکنند - میتوان به راه انقلاب مسالمت‌آمیز کشاند .

در مبارزه برای تامین وحدت بسیار دامنه در میان طبقه کارگر وتعام مردم تحریبه معینی وجود دارد

که هم اکنون شهرت فراوان یافته و درد سترس تمام جنبش کمونیستی قرار گرفته است * ولی تجربه مبارزه هر حزب همچنان بر غنا * گنجینه مشترک میافزاید *

تجربه ما ما را امید آرد بآرد یگر این نظریه اساسی را تأیید کنیم که مهمترین عامل عبارتست از کار در میان توده‌ها و برقراری وحدت عمل از پائین * ولی در عین حال تجربه به ما میگوید که مسأله کمونیست‌ها باید فعالیت خود را برای ایجاد تفاهم متقابل دامنه دارد در تمام سطوح ادامه بدیم * در محافل رهبری احزاب دموکراتیک غیرپرولتاری ، و نه فقط در داخل احزاب ، نفوذ اندیشه‌های سوسیالیستی مشاهده میگردد و عقیم ماندن مستمر سیاست خودداری از ایجاد تفاهم متقابل با کمونیست‌ها تاثیر خود را میبخشد و گرایش بسوی تأمین وحدت قارغ از هر نوع تبعیض بوجود میآید *

ما کمونیست‌های شمالی در همان حال که مساعی خود را روی کار میان توده‌ها و در راه نیل بوحدت از پائین - متمرکز میسازیم ، بمسئله ایجاد تفاهم متقابل میان رهبران نیز توجه داریم * این سیاست به تأمین وحدت از پائین کمک میکند و وحدت استوارتری میان احزاب بوجود میآورد و جنبش متحد توده‌ها را گسترش میدهد *

وحدت میان احزاب جنبه اقدام خلق و بطور عمده میان کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تنها بر پایه برنامه مشترک استوار نیست بلکه یکسلسله روابط علی مبنی بر اصل برابری حقوق و احترام متقابل تعاون مشترک را نیز در بر میگیرد بهترین تحلی آن عبارتست از اصل اتفاق آراء * بهنگام اتخاذ تصمیمات اساسی و نیز موافقت بر سر این مسئله که تمام احزاب متولفه درد ولتی که برای روی کار آمدن آن مبارزه میکنند نمایندگانی متناسب با نیروها خود خواهند داشت *

در داخل ائتلافی نظیر جنبه اقدام خلق که طبقات و قشرهای اجتماعی مختلف در آن نمایندند دارند گرایش‌ها گوناگونی وجود دارد که موجب بروز اختلاف نظرهای معینی میگردد * این اختلاف نظرها غالباً مورد بررسی قرار میگیرد و این بررسی در محیط سرشار از صراحت لهجه و روح برادری انجام میپذیرد * بدیگر در الفاظ موهن عملاً از میان برده شده و جای خود را به سخنرانی‌های صمیمانه و استدلالات داده است * بدینسان مسائل بسیار حل میشود ولی البته حل همه مسائل را در بر نمیگیرد زیرا حل یکسلسله از مسائل به تناسب قواعد داخل جنبه اقدام خلق و نظریات توده‌ها در باره این مسائل وابسته است * باینجهت کار مستقل کمونیست‌ها میان مردم مسئله اساسی است *

محور رهبری انقلابی جنبش خلق را فعالیت حزب کمونیست تشکیل میدهد که حزب اساسی جنبه اقدام خلق است * این رهبری در موارد بسیار مشترکات توسط احزاب متولفه و در درجه اول سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها اعمال میشود * بسیاری از جوانب اساسی فعالیت سیاسی در شمالی بر پایه موافقت مشترک حل و فصل میشود * بهسوازیات بسط دامنه این فعالیت ممکنست شرایطی ایجاد شود که اقدامات مشترک سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و از جمله رهبری مشترک در آینده موجبات ایجاد حزب واحد مارکسیست - لنینیست با همکاری فراهم سازد *

جنبش خلق با ضرورت بسط بیشتر از پیش دامنه خود آماده شدن برای دفع هر غریبه دشمن روبرو است * این جنبش برپس از رسیدن بقدرت باید شکل مشخص اجرای برنامه خود و درجه فمريت این یا آن اقدام را بر اساس چگونگی شرایط هر لحظه ، معین کند * همه اینها بنده خود مستلزم پیشروی در راه ایجاد تفاهم متقابل و تنظیم مشی مشترک است * ناسنجیدگی در حل این

مسائل فلاکت‌بیار خواهد آورد • تا مین رهبری مشترك جنبش‌ها بگوئی ضرورت حیاتی است و نه فقط نقش کمونیست‌ها را نفی نمیکند بلکه آنها بیشتر از پیش تشدید مینمایند و موثرتر میسازد •

احزاب نیز مثل افراد از زندگی درس میگیرند و دریکی دیگر تاثیر متقابل میبخشند • هر یک از احزاب جبهه اقدام خلقی بخصوص حزب کمونیست و حزب سوسیالیست از پراتیک اجتماعی درسهای فراوان گرفته‌اند • احزاب دیگر از ما خیلی چیزها یاد گرفتند - همانطور هم ما از آنها •

ولی تا لحظه تاسیس حزب واحد طبقه کارگر حزب بزرگ و تنده ای کمونیست عامل سیاسی اساسی هست و خواهد بود • حزب ما مقدم بر هر چیز حزب پرولتاریا بزرگترین حزب دارند • بزرگترین تحریر و قابلیت مبارزه است و هشیاری خود را در مورد رسوخ نفوذ پرولتاریائی همواره حفظ میکنند و کارهای آن با روح مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تربیت میشوند • همین عوامل است که حزب ما را به نیروی اساسی جنبش خلقی بدل میسازد •

نقته‌ها سیاست حزب ما بلکه نیروی تشکل و ایدئولوژی آن نیز می‌باشد امکان میدهد برای خود

متحدینی داشته باشد • رشد و تحکیم وحدت خلقی با درجه نفوذ حزب ما بستگی مستقیم دارد • رشد و تحکیم حزب در تمام شئون برای مقاصد خود خواهانه و شهرت طلبانه انجام نمیگیرد بلکه ضرورت عینی جنبش اجتماعی آنها ایجاد میکند • حزب با این نکته واقف است و همواره برای افزایش صفوف خود مجاهد می‌جورزد •

حزب ما در شیلی عامل اساسی ایجاد امکان برای پیروزی خلقی از راه مسالمت آمیز است •

تروتسکیست‌ها و برخی از عناصر خرد پیروان و دستخوش استیصال و نومیدی با انزواء مسالمت آمیز

و دید امخالفت کرده اند • اقدامات رهبران چینی با این مخالفت افزوده شد • حزب ما مجبور شد

بمبارزه ایدئولوژیک پر تشنجی دست بزند • توضیحات ایدئولوژیک هم اکنون نتایج خود را ببار آورده

است ولی عامل اساسی عبارتست از پراتیک انقلابی و این پراتیک بخشی از مبارزه ایدئولوژیک را

تشکیل میدهد • پراتیک تحلیلی مشخص ایدئولوژی است • پراتیک عبارتست از شعوری تأیید شده بوسیله

واقعیات و لذا مرحله قاطعی است در راه تأیید صحت خود مشی اتخاذ شده •

نگاتی چند

درباره پیدایش موقعیت انقلابی

سانتیاگو الوارز

طوهار تسلط بورژوازی انحصارگر - دشمن عده صلح ، دموکراسی و شرقی جامعه بشری -
رافض در پرتوانقلابی که بدست طبقه کارگر متحد با تمام زحمتکشان انجام گرفته باشد میتوان در هم
پیچید . ولی انقلاب باسفارشی انجام نمیگیرند و از خارج وارد نمیشوند ، بلکه سیر تکامل مبارز طبقه
زمینه آنها را فراهم میسازد و خود تابع قوانین عینی معینی هستند . نقطه مبدا تحول انقلابی
که به پیروزی سوسیالیسم میانجامد ، همانطور که زندگی نشان میدهد پیدایش موقعیت Situation
انقلابی است .

احکامی که لنین درباره موقعیت انقلابی تدوین کرده است سلاح تئوریک نیرومندی برای
تعریف علمی مقدمات عینی و ذهنی انقلاب بدست انقلابیون میدهد . تجارب تاریخی بی دری
در همانحال که عمود نیروی حیاتی احکام لنینی است ، نشان میدهد که این احکام را باید تکامل
داد ، برزفا و عمق محتوی آنها افزود و مطابق با شرایط مشخص هر کشور با دقت بیشتری آنها را از
یکدیگر تفکیک نمود .

میدانیم که شرایط عینی محیطی که جنبش انقلابی کنونی در آن گسترش میپذیرد تنوع
روزافزون کسب میکند . این امر ، هم نتیجه توسعه جبهه مبارزه علیه امپریالیسم و در راه سوسیالیسم
است و هم نتیجه افزایش هرچه اشکات تروریستی های این مبارزه در کشورهای جداگانه یا گروهی از
کشورها است . امروز در عده هر چه بیشتری از کشورهای ناهمگون مسائل مربوط به انقلابهایی که به
سوسیالیسم میانجامد خصلت علی کسب میکند . در این شرایط اکتفا کردن بکلیات درباره موقعیت
انقلابی و در نظر نگرفتن خصوصیات ممیزه کشورها و مناطق مختلف روز بروز شوارتر میشود . کاریکه
اکنون بنظر ما بخصوص باید انجام گیرد عبارتست از کشف بررسی خطوط ویژه پیدایش و تکامل انقلاب
در کشورهای دارای نظام اجتماعی و اقتصادی مشابه و سن تاریخی مشابه .

در این مقال میخواهیم برخی مسائل مربوط بموقعیت انقلابی در کشورهای سرمایه داری
رشد یافته و بطور عده در کشورهای اروپای غربی را مطرح سازیم . البته قوانین عینی تکامل انقلاب
در کشورهای مختلف باشکال مختلف متحلی میشوند و تجلی آنهاقی المثل در کشورهای اسکاندیناوی
با اروپای جنوبی و در فرانسه یا آلمان غربی و هکذا متفاوت است . ولی بنظر ما برای مجموعه پروسسه
پیدایش موقعیت انقلابی در این بخش از جهان سرمایه داری میتوان یک نوع " مخرج مشترک "
گرفت .

مفهومی که مارکسیست - لنینیست ها برای موقعیت انقلابی قائلند وجود حتمی حالت اجتماعی و سیاسی خاص در جامعه است که در آن " صدر نشینان " دیگر نمیتوانند بشیوه سابق حکومت کنند و " زیر نشینان " نخواهند بشیوه سابق زندگی کنند و علاوه بر آن در سراسر کشور یک بحران سیاسی حکمفرماست که هم استثمارگر آن وهم استثمارشوندگان را در بر میگیرد و صفت مشخصه آن تشدید فوق العاده فعالیت توده ها است . موقعیت انقلابی در نتیجه حد اعلاي حدت تضادها در جامعه منقسم بطبقات متضاد پدید میگردد . پیدایش آن در این یا آن کشور معترف فراهم بودن مقدمات عینی (اجتماعی - اقتصادی و سیاسی) برای انقلاب است .

این مطالب جزو الفبای تئوری لنینی انقلاب است . کم بهاد آن باین احکام ناگزیر منشا اشتباهات سیاسی میشود . درست است که سیستم سرمایه داری درگیر بحران عمومی عمیقی است ولی این واقعیت بخودی خود نمیتواند پایه ای برای نتیجه گیری درباره وجود موقعیت انقلابی در این یا آن کشور قرار گیرد . فراهم بودن مقدمات مادی برای سوسیالیسم و وجود شرایط عینی مشخص تاریخی برای انقلاب سوسیالیستی در دوران معین - پایکد یگر تفاوت بسیار دارند . مقدمات مادی برای سوسیالیسم مدت ها است در کشورهای سرمایه داری رشد یافته وجود دارد ولی طبقه کارگر توده های زحمتکش این کشورها هنوز به پیروزی قاطع بر سرمایه داری انحصاری نائل نیامده اند . این امر برای برخی افراد در مورد امکانات انقلابی توده های مردم در کشورهای غرب شک و سرگشتگی بوجود میآورد . بطوریکه دید انیم سیاستمداران هم هستند - از جمله رهبران حزب کمونیست چین که بر این اساس امکان تکامل انقلابی مستقل کشورهای غربی را برای رسیدن بسوسیالیسم بکلی منکر میشوند .

ضرورت تحلیل مشخص مارکسیستی مسئله بعرض پیدایش و تکامل موقعیت انقلابی در این کشورها آشکار است . کلی گویی درباره ضرورت انقلاب را نمیتوان جایگزین چنین تحلیلی کرد . اگر اسلوب لنینی رهنمون عمل قرار گیرد انوقت قبل از هر چیز باید خاطر نشان کرد که نحوه طرح این مسئله امروز در بسیاری از کشورهای غربی بانیم قرن پیش متفاوت است . نادیده گرفتن این مطلب و تلاش برای حل این مسئله با تقلید مکانیک از تجربه دوران گذشته نتیجه اش فقط محروم ساختن خود از امکان اعمال تاثیر فعال بر سیر حوادث است .

موقعیت انقلابی تحت تاثیر عوامل اقتصادی و سیاسی بسیار متنوعی پدید میگردد . امروز بنظر ما بخصوص باید این نکته در نظر گرفته شود که مرخی از طلی که سابقا در پیدایش موقعیت انقلابی مؤثر بودند نقش کمتری بازی میکنند و حاکم آنها عوامل جدیدی میگيرند و خود پروسه ایجاد موقعیت انقلابی نیز تغییر شکل میدهد و آهنگ سرعت تکامل آن بطور اساسی توخیر میکند .

سابقا موقعیت انقلابی علی القاعده در اثر تلاطمات اجتماعی فوق العاده ای که تمام تضاد های جامعه در آن متعزز بود پدید میشد . این تلاطمات عبارت بودند از بحرانهای اقتصادی خانمان برانداز ، بیدادگریهای خونین طبقات حاکمه در حین تزلزل و لرزه ، از ر چیز جنگ . موقعیت انقلابی استان گمون پاریس و موقعیت های انقلابی قبل از انقلابهای سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه و انقلاب سالهای سی ام در اسپانیا و انقلابهای دموکراتیک توده ای در سالهای جهلم بهمین طریق پدید گردید .

این البته برخلاف دعوی دگماتیک‌ها بهیچوجه بمعنای آن نیست که * آغازگر انقلابی همیشه و در همه جا جنگ بوده است * میدانیم که در بسیاری از کشورها نه جنگ‌های موضعی امریای و نه جنگ‌های جهانی نتوانستند موقعیت انقلابی پدید آورند و حتی در موارد معینی جنگ‌ها جلوگیری تکامل پروسه انقلابی بوده است * مارکسیست‌ها هیچگاه جنگ را شرط الزامی پیدایش موقعیت انقلابی تلقی نکرده و همیشه برای جلوگیری از بروز جنگ‌های امریالیستی فداکارانه مبارزه کرده اند * لنین نوشته است : * سوسیالیست‌ها همیشه جنگ میان ملل را عمل وحشیانه و ددمنشانه ای دانسته و آنرا محکوم کرده اند * (کلیات آثار، جلد ۲۱، ص ۲۷۱) * در عین حال در شرایط تاریخی معینی که امکانات واقعی برای پیشگیری جنگ وجود نداشته است مارکسیست‌ها بناچار نقش جنگ‌ها را در پیدایش موقعیت انقلابی بطور کامل در نظر گرفته اند *

در شرایط کنونی که جنگ جهانی ناگزیر به جنگ هسته‌ای بدل خواهد شد چنین جنگی * عامل همه توان تسریع * پروسه اجتماعی جامعه نخواهد بود بلکه برعکس حرکت جامعه بشری را بسوی سوسیالیسم دچار وقفه خواهد نمود * اکنون همزیستی مسالمت‌آمیز دو سیستم که شکل جدیدی از مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی است - شرط رسیدن ملل به سوسیالیسم شده است * تکامل سوسیالیسم جهانی در سطح و در عمق عرصه قوانین امریالیسم را محدود میکند و شکل بروز این قوانین را تغییر میدهد و درین طریق برای پیشگیری تصادمات جنگی میان دول امکان بوجود میآورد * این امر منتهی خود در توسعه دامنه مبارزه از ادبیات و بخش انقلابی که اشکال قبلی و چگونگی جریان آن بیشتر بشرایط ناشی از جنگ مربوط بود تغییرات اساسی وارد میسازد *

یکسلسله از پدیدمهای جدید تکامل داخلی کشورهای امریالیستی نیز به تغییر برخی از جوانب مبارزه طبقاتی کمک میکند * از آنجمله گذشته‌هایی که بورژوازی تحت فشار مبارزه توده‌ها و تحت تاثیر مسابقه مسالمت‌آمیز میان سرمایه داری و سوسیالیسم مجبور بود و درآینده نیز مجبور خواهد بود بآن تن در دهد و ارتقا * معینی که در نتیجه این امر در سطح زندگی زحمتکشانشان پدید آمده موجب میشود که نیازمند بیهام و مصائب توده‌ها که مسالمت‌حتمی پیدایش موقعیت انقلابی بود مثل سابق بآن شدت فوق العاده و به آن مقیاس عمومی افزایش نیابد *

بطور کلی نظر ما بر آنستکه شرایط عینی تکامل اجتماعی در کشورهای امریالیستی در جهت کاهش معین نقش عواملی که بانیروی انفجاری زیاد عمل میکردند و در زمان معینی متمرکز نبودند و از چرخشهای فوق العاده در مسیر تکامل جهانی ناشی میشدند - تغییر میپذیرند * آن خصوصیات * محلی * سنتی و پایدار کشورهای سرمایه داری رشد یافته (یعنی نیرومندی خاص، آموذگی و قدرت مانور طبقه حاکمه، پابرجایی سنتها اجتماعی و سیاسی، انشعاب طولانی و عمیق جنبش کارگری و غیره) نیز که لنین در نظر داشت بر اساس آن میگفت شروع کردن انقلاب سوسیالیستی در این کشورها از روسیه دشوارتر است، در همین جهت عمل میکنند *

ولی کمونیسمهای کشورهای غرب هیچ مجوزی برای بدبینی در مورد دورنمای تحول انقلابی جامع ندارند * تکامل سرمایه داری و جریان مبارزه باقیاتسوی همواره امکانات تازه ای برای انقلاب و طاق تازه ای برای پیدایش موقعیت انقلابی فراهم میسازند * کمونیست‌ها امکان حوادث فوق العاده را نفی نمیکند ولی در انتظار بروز چنین حوادثی نمی نشینند و قصد ندارند در چنین انتظاری بنشینند، آنها مبارزه تعرض آمیز فعالی را علیه سرمایه بسط میدهند و به اشکالی از جنبش توده‌ها متکی هستند که

د انما خود زندگی پدید میآورد .

حزب کمونیست اسپانیا نیز در عین بسط مبارزه برای سرنگونی دیکتاتوری فرانکو و استقرار دموکراسی کامیابی این مبارزه را بچنگ پایه تلاطمات نظیران در قاره مامربوط نمیسازد .
 ماتمام مساعی خود را بکار می بندیم تا دیکتاتوری را بهمت مبارزه فعال زحمتکشان اسپانیا سرنگون سازیم و بدینسان به تغییر تناسب قوا در اروپا بسود صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم کمک کنیم .

۲

لنین مینویسد : " مارکسیستها نمیتوانند تنها با استناد کردن به " ضرورت " اقدامات جدید از طرف توده ها اکتفا ورزند و باید نخست نشان دهند که چه غلبي فرار سیدن بحران انقلابی جدید را موجب میگردند (چنانچه موجب میگردند) " (کلیات آثار ، جلد ۱۷ ، ص ۳۲۳) .
 و اما آن پروسه های عینی که در شرایط کنونی میتوانند موجبات چنین بحرانی را بطور مشخص در کشور های سرمایه داری رشد یافته فراهم سازند کدامند ؟

خصوصیت مهم مرحله کنونی پروسه انقلابی جهانی عبارتست از تشدید نفوذ عوامل خارجی در شرایط مبارزه طبقاتی در کشورهای مختلف سرمایه داری . جنبش های بزرگ انقلابی همیشه در میان توده های زحمتکش کشورهای دیگر موجی از شور و شوق و ایمان به آینده پدید آید است . انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ بارزترین نمونه این واقعیت است . و نیز خوب میدانیم که جنگ آزاد یخشتمی مردم اسپانیا در سالهای ۱۹۳۶ - ۱۹۳۹ چه انگیزه مهمی برای اختلال جنبش ضد فاشیستی در اروپا و امریکای لاتین بود ، پیروزی انقلاب چین چه انعکاس دامنه داری بخصوص در آسیا داشت ، نمونه انقلاب کوبا در ملل امریکای لاتین و ملل دیگر و نمونه انقلاب الجزیره در ملل آسیا چه تاثیر انقلابی کننده عمیقی میبخشد .

نکته دیگری که بخصوص باید خاطر نشان کرد اینست که اکنون مبارزه توده ها در شرایطی گسترش مییابد که جهان سوسیالیسم به عامل قاطع تکامل جامعه بشری تبدیل میگردد .
 آهنگ های سریع پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای علمی و فنی آنان بویژه در رشته تسخیر کیهان ، توسعه و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی ، اقدامات این کشورها در رشته سیاست خارجی که هدف آن جلوگیری از جنگ هسته ای است مجموعاً قدر و منزلت سوسیالیسم را در انظار ملل با لایمرد و شرایط مساعدتری برای مبارزه انقلابی در کشورهای سرمایه داری بوجود میآورد .

ولی با وجود تمام اهمیت شرایط خارجی و بین المللی عامل قاطع پدیدایش موقعیت انقلابی همواره شرایط داخلی هر کشور ، حدت تضادهای طبقاتی و سطح مبارزه طبقاتی در هر کشور است .

بنیای عینی تکامل پروسه های انقلابی در کشورهای امپریالیستی تعمیق دائم تضاد های اساسی امپریالیسم است . در سومین مرحله بحران سرمایه داری این تضاد ها که انقلاب کنونی در رشته علم و تکنیک شدت بسیار آنها بخشیده ، خصوصیات تازه ای کسب میکنند ، به اشکال ویژه ای متظاهر میشوند و به بارزترین نحوی در تضاد دمیدم حادثه های یکمشت انحصارگر

که تمام قدرت را بدست دارند از یکطرف و اکثریت قاطع مردم از طرف دیگر متجلی میگرددند . این تضاد اکنون تمام جوانب اساسی حیات اجتماعی کشورهای سرمایه داری را در بر میگیرد و یک سلسله عوامل دائم تاثیر پیدا میآورد که تکامل پروسه انقلابی را تسریع میکند .

تضادهای میان کار و سرمایه حدی پیدا مییابد . انحصارات با استفاده از نتایج پیشرفت علمی و فنی ، اشکال نوینی را برای استثمار زحمتکشان متداول میکنند . مکانیزاسیون و اتوماتیزاسیون روز افزون تولید باعث میشود استثمار کارگران همراه است ، مسئله اشتغال یکبار پیوسته حادث و دردناکتر میکند همان خصلت مزمن میبخشد .

مسائل جنگ و صلح نگرانی ملل را روز بروز بیشتر میکند . محافل افراطی متجاوز بورژوازی انحصارگر مسابقه تسلیحات را دامن میزنند ، میکوشند حالت تشنج را در اوضاع جهان حفظ کنند و با سیاست ماجراجویانه خود خطر جنگ موشکی و هسته ای را پیدا میآورند که در صورت برپاشدن موجودیت تمدن کنونی را در معرض تهدید قرار خواهد داد . در شرایط کنونی تمایلات مستبدانه در میان طبقه حاکمه دامناتشدید میشود و این طبقه میکوشد فعالیت عوسسات دموکراتیک را منسوخ کند و حقوق دموکراتیک زحمتکشان را از هرگونه محتوی واقعی تهی سازد و یا آنکه این حقوق را بکلی باطل کند .

در عین حال اکثریت قاطع کشورهای سرمایه داری با اشکال مختلف و درجات کم و بیش شدید اکنون حاکمیت ملی خود را در نتیجه " انتگراسیون " (" توحید ") امپریالیستی (نظیر - بازار مشترک اروپای غربی) و تشکیل بلوک های نظامی و سیاسی واحداث پایگاههای نظامی در خاک کشورهای غیر و نظائر آن - در معرض خطر می بینند .

قشرهای هر چه بیشتری از مردم مبارزه علیه تعرض سیاسی و اقتصادی بورژوازی انحصارگر برمیخیزند و محکم منطق حیات اجتماعی به جنبش فعال علیه سلطه انحصارات جلب میشوند و این امر تاثیر مستقیم و بلاواسطه در پروسه پیدایش موقعیت انقلابی میبخشد .

۳

تردید نیست که امروز نیز در کشورهای غرب عامل محرکه موقعیت انقلابی ممکنست - همانطور که در سابق مشاهده شد - این بیان بحران سیاسی حادث ناشی از عملیات نیروهای امپریالیستی باشد . منظور ما حوادثی است نظیر تیرگی مناسبات بین المللی ایجاد کننده خطر جنگ هسته ای و نیز خطر کودتای ارتجاعی ، سو " قصد بحاکمیت ملی و تلاش برای برپا کردن جنگ استعماری و غیره . مگر خطر مستقیم جنگ هسته ای نمیتواند برای ایجاد قاطعیت در میان توده ها با عامل قاطعی بدل گردد و آنها را با اقدامات غنی علیه آن محافل حاکمه انحصارگری که سیاست بی بند و بار " کنار پر تگاه جنگ " را تعقیب میکنند ، وادارد ؟ مگر عملیات تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در دوران بحران کارائیب به تشدید فعالیت سیاسی توده ها در بسیاری از کشورهای و از جمله در اسپانیا کمک نکرد ؟

لجام گسیختگی ارتجاعی یا تضییقات پلیسی شدید نیز در شرایط معین جنبش توده ای وسیعی را برای دفع حملات موجب میگردد که کار را به تلاطمات سیاسی بزرگ میکشاند . در اسپانیا در اواسط سالهای سی ام خطر مستقیم فاشیسم بمیزان زیادی موجب پیدایش موقعیت انقلابی خاصی را

فراهم ساخت که برای دفع شوهر فاشیستی تابستان سال ۱۹۳۶ وسط دامنه انقلاب دموکراتیک توده ای در جریان جنگ سه ساله با فاشیسم یک پایه عینی بوجود آورد . امروز نیز خطر نئونفاشیسم یا کودتای ارتجاعی مقاومت و مبارزه شدیدی میان توده هسابوجود میآورد . گواه این امر واقعیتی است نظیر اقدامات ضد فاشیستی بهر روز مردم ایتالیا در ژوئن - ژوئیه سال ۱۹۶۰ که در اثر آن نقشه های ارتجاع عقیم ماند و دولت تامبرونی سقوط کرد . و همی ز پاسخ کمیته زحمتکشان پاریس در ۱۳ فوریه سال ۱۹۶۲ بمقتضاه جوئی پلیس ، مبارزه مردم ژاپن در سال های ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ علیه لایحه قانون " پیشگیری اعمال قهر سیاسی " و اعتلای خروشان کنونی جنبش دموکراتیک در یونان که در پاسخ ترور خونین ارتجاع پدید آمد و کاررا به سقوط دولت افراطی راست منجر ساخت .

* * *

در شرایطی که سرمایه داری انحصاری دولتی بسط مییابد و در زمینه علمی و فنی انقلاب انجام میگیرد تاثیران عوامل اجتماعی و اقتصادی ، که اکنون با اشکال ویژه جدیدی عمل میکنند ، تغییر می پذیرد .

بطوریکه میدانیم لنین تشدید قابل ملاحظه فعالیت توده هارا به افزایش مافوق عادی حواج و مصائب طبقات ستمدیده و وابسته میدانست . این اندیشه رالنین در شرایط جنگ جهانی و خرابی اقتصادی کشورهای اروپا در دوران پس از جنگ بیان داشت . در آن زمان میلیونها زحمتکش در اکثریت کشورهای اروپا با محرومیت های موحشی دست بگریبان بودند . هنگام بررسی این حکم بر اساس شرایط تاریخی مشخصی باید از یکطرف تغییرات وارده در اشکال استثمار سرمایه داری و از طرف دیگر تغییرات وارده در شرایط تولید نیروی کار را در نظر گرفت . نیازمندیهای زحمتکشان یک مقوله تاریخی است که تغییر میپذیرد و تکامل مییابد . باینجهت حکم مربوط به حد اعتلای افزایش حواج و مصائب توده ها بعنوان یکی از علائم پیدایش موقعیت انقلابی ، مستلزم تفسیری است که با واقعیت دوران کنونی مطابقت داشته باشد .

طی دهسال گذشته دستمزدهای واقعی و سطح زندگی طبقه کارگر در کشورهای غربی بالا رفته است . ولی کوه فکری ضد مارکسیستی است اگر از اینجا چنین نتیجه گرفته شود که " طبقه کارگر در جهت بهر روز شدن استحاله مییابد " . مثلا در شرایطی که ارتقا سطح زندگی طبقه کارگر در پرتو مبارزه مستمر و سرسخت خود آن علیه بهر روزی تامین شده است چه جای سخن گفتن از " استحاله بهر روزی " است ؟

از سوی دیگر ، همانطور که لنین خاطر نشان ساخته است ، فقر توده هها ممکنست بحد تصور ناپذیری هم تشدید گردد ولی بسبب پائین بودن سطح شعور طبقاتی و تشکل غیر کافی و غیره تشدید فعالیت آنها را در پی نداشته باشد . میدانیم که رهبری مبارزه در راه ارتقا خواسته های اقتصادی و سیاسی حسب المعمول بهیچوجه از طرف کم مزدترین قشرهای کارگران انجام نمیگیرد . معدنچیان اسپانیاد رزومه کم مزدترین کارگران نیستند ولی مبارزه علیه فراتکنیم همانا تحت رهبری آنها انجام میگردد .

عاملی که کارگر را بمبارزه در راه تغییر اساسی وضع خود سوق میدهد تنها نیازمندی مادی شدید نیست بلکه درک این واقعیت نیز هست که او را استثمار میکنند و تمام ارزشها را میجوید میآورد و

سوسیالیسم عاد لانه ترین و نوع پرورترین شکل سازمان جامعه انسانی است .
 باینجهت با وجود افزایش معین سطح زندگی زحمتکشان در يك سلسله از کشورهای سرمایه داری
 رشد یافته ، مبارزه اقتصادی توده ها طی سالهای اخیر دامنه روز بروز وسیع تر و کیفیت تازه ای کسب
 میکند . علت این امر تشدید استثمار سرمایه داری است که در شرایط سرمایه داری انحصاری دولتی
 و " توحید " اقتصادی امپریالیستی همانطور که در بالا متذکر شدیم اشکال هر چه متنوع تر و زیرکانه تر
 بخود میگیرد . تشدید استثمار کارگران و افزایش میزان سود انحصارات بر افزایش دستمزد واقعی زحمتکشان
 مسافت زیادی سبقت میگیرد . مکانیزاسیون و اتوماتیزاسیون تولید و نیز تغییرات ماهوی در صنایع ناپایداری
 وضع کارگزاران تشدید میکند و خطر بیکاری وسیع مزمن و غیره بوجود میآورد . تشدید تسلط انحصارات در
 شئون مختلف اقتصاد با خرابی مستقیم وضع بخش بزرگی از قشرهای متوسط شهر و ده همراه است .
 در مرحله کنونی این تعرض انحصارات با مقاومت دمدم قاطع تر توده ها مواجه میشود بخصوص
 در مواردی که این تعرض در سطح زندگی آنها تاثیر مستقیم میبخشد . از این گذشته يك سلسله از
 پروسه های اجتماعی و اقتصادی که در بطن سرمایه داری معاصر انجا میگیرد و ضمناً با انقلاب علمی و
 فنی ارتباط دارد مبارزه تعرضی زحمتکشان را در راه استیفای حقوق خویش تسهیل میکند . افزایش
 فوق العاده تعداد احتصاب کنندگان گواه بارز فعالیت روز افزون زحمتکشان است : در سال ۱۹۵۸
 در کشورهای اروپای غربی ، آمریکا و ژاپن جمعاً ۱۳ میلیون نفر احتصاب کرده بودند ولی در سال ۱۹۶۲
 این تعداد به ۴۲ تا ۴۴ میلیون نفر رسید .

تمام جهانیان از نبردهای احتصابی عظیمی که طی سالهای اخیر در فرانسه ، ایتالیا ، بلژیک ،
 ژاپن ، اسپانیا ، آلمان غربی ، آمریکا ، انگلیس و دیگر کشورها صورت گرفته با خبرند . بسیاری از این نبردها
 و از جمله احتصاب عمومی در بلژیک ، با احتصابات فلزکاران ایتالیا ، معدنچیان فرانسه و معدنچیان فلز
 کاران اسپانیا جنبه سیاسی ضد مونوپولیستی آشکار کسب کرد .
 اختلافت کنونی جنبش احتصابی در يك سلسله از کشورهای سرمایه داری دارای صفات مشخصه است
 که بر اساس آن میتوان از وجود یک نوع گرایش بسوی تبدیل مبارزه اجتماعی و اقتصادی روزمره توده ها
 به یکی از عوامل قاطع تکامل انقلابی سخن گفت . دامنه این مبارزه ، جنبه متحدان ، خصلت سیاسی
 روز افزون آن (بدین معنی که در شرایط سرمایه داری انحصاری دولتی هر مبارزه بزرگ اقتصادی
 اهمیت سیاسی کسب میکند) و سرانجام افزایش دائم خواسته های که توده ها به پیش میکنند بطور عینی
 مبارزه اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان را بسطح عالیتری ارتقا میدهد و محتوی اجتماعی آنرا عمیقتر
 میکند . مسائل مربوط به توسعه دامنه حقوق سندیکاها در موسسات تأمین حق کار (بمناسبت
 توسعه دامنه راسیونالیزاسیون و اتوماتیزاسیون تولید) ، ملی کردن و تعمیم دموکراسی در اداره
 امور موسسات ورشته های صنعتی ملی شده و غیره بیشتر از پیش اهمیت درجه اول کسب میکند . بنابراین
 مبارزه غالباً برای تأمین خواسته های انجام میگیرد که تحقق آنها مستلزم تحولات اجتماعی عمیقی است
 که بدرجات مختلف با مواضع انحصارات برخورد پیدا میکنند . اینها در ماهیت امر خواسته های هستند
 که پیش کشیدن آنها سابقاً از طرف کمونیستها فقط در دوران پیدایش موقعیت انقلابی ویا در جریان
 خود انقلاب سوسیالیستی امکان پذیر بود .

ستم اقتصادی ، سیاسی و معنوی انحصارات که در تمام تاروپود وجود جامعه بورژوازی رسوخ کرده
 و سال بسال محسوس تر میشود با مقاومت روز افزون توده های بزرگ خلق مواجه میگردد . مبارزه احتصابی
 پرولتاریا به محور خاصی برای یک جنبش اجتماعی بسی دامنه دار تبدیل میشود . این جنبش که

از پروسه های عقی و دفع ناپذیر منشا میگیرد دائما در تمام عروق و شرائین جامعه بورژوازی جریان دارد . مبارزات ضد مونوپولیستی نیرومند در همانان ایتالیا ، فرانسه و کشورهای دیگر ، شرکت هر چه وسیعتر مهندسان و کارکنان فنی و صاحبان مشاغل آزاد و حتی کارمندان عالیرتبه دولت در اعتصابات ، مبارزه توده ها برای برقراری سیستم جدید آموزشی در مدارس ، اعتصابات عمومی در شهر های که اهالی آنها خواستار تنزل کرایه خانه هستند ، جنبش پرشور اعتراضی مناسبت دوزخک های انحصارات ، تظاهرات دامنه دار علیه ترقی قیصها و در راه بهبود اساسی قانون بازنشستگی ، مبارزه علیه درجه بندی دولتی در مسائل فرهنگ ، مطالبه افزایش اعتبارات مخصوص ترقی علم ، مبارزه برای حل مسئله شهرسازی و وسائط نقلیه و نیز حل معضلات خاص زنان و جوانان - همه این جنبشها با اعتصابات کارگران و کارمندان در میآمیزند و در سال ۱۹۷۰ مبارزه دموکراتیک اجتماعی و اقتصادی را پدید میآورند . البته این پروسه عجالتا فقط در برخی از کشورهای غرب کاملاً عیان و آشکار شده است . ولی عناصر آن همصدا وجود دارد .



مبارزه اجتماعی و اقتصادی توده ها بیشتر از جنبشهای سیاسی دموکراتیک پیوستگی مستقیم پیدا میکند . در بالا راجع به اهمیت و امکانات مبارزه توده ها برای دفاع از صلح ، حاکمیت ملی و حقوق و موسسات دموکراتیک در قبال سوء قصد های ارتجاع سخن گفتیم . در اینجا با خاطر نشان ساختن که این مبارزه توده ها فقط بمنظور پاسخ به تعرض مستقیم ارتجاع نیست . بطوریکه تجربه نشان میدهد ، توده ها خودشان روز بروز بیشتر دست به تعرض میزنند و تحدید قدرت انحصارات خلق سلاح ، انحلال پایگاههای نظامی و ملوک های نظامی ، توسعه و تجدید مبانی دموکراسی را طلب میکنند . " مارشهای صلح " در انگلستان و کشورهای دیگر ، مبارزه در راه تامین حقوق سیاهپوستان آمریکا ، که جنبه انقلابی بخود گرفته ، مبارزه در راه آزادیهای سندیکائی و حقوق اقلیت ملی در اسپانیا ، جنبش خود مختاری منطقه ای در ایتالیا ، مبارزه نیروهای دموکراتیک فرانسه علیه " نیروی ضربتی " دوگل و در راه ساقط کردن رژیم حکومت فردی ، جنبش تشکیلات فدراتیو در بلژیک ، مبارزات ضد فاشیستی در یونان و پرتغال - چنین است برخی از نمونه های توسعه این مبارزه عرض آمیز .

جنبه مبارزه ضد مونوپولیستی همچنان در توسعه است و جوانب هر چه تازه تری از حیثیات اجتماعی را در بر میگیرد : که از آن جمله اند : مسائل مشخص سیاست خارجی و بحرانهای ناشی از " توحید " اقتصادی ، سمت سرمایه گذارها و توسعه جنبش کشورهای آسیائی ، توسعه ورزش و مبارزه با بزهکاری ، کنترل وسائل پخش اخبار و اطلاعات عمومی و فعالیت موسسات قضائی . این مسائل بسیاری از مسائل دیگر اماج مبارزه میان انحصارات از یک طرف و مخالفان آنها از طرف دیگر است . در مورد هر یک از این مسائل نیروهای دموکراتیک راه حل خود را در مقابل راه حل انحصارات پیشنهاد میکنند .

بدینسان هم جنبشهای اجتماعی و اقتصادی و هم جنبشهای سیاسی قادر با ایجاد بحران عمیق عمومی ملی همه روزه از درون عروق و شرائین جامعه بورژوازی بیرون میزنند و ضمن ایجاد رخش فوق العاده در سیر حوادث هم ارتباط حتمی ندارد . میتوان پیشبینی کرد که در شرایط

همزیستی مسالمت آمیزد و سیستم این جریان تشدید خواهد شد .
 مبارزات توده ها در راستای منافع حیاتی مبرم توسعه و تجدید مبانی دموکراسی ، در راه اصلاحات ارضی ، ملی کردن رشته های اساسی اقتصاد ، شرکت موثر سازمانهای دموکراتیک در برنامه ریزی اقتصادی و اصلاحات بنیادی دیگر همه و همه در پرتو فعالیت آگاهانه نیروهای انقلابی در یک جنبش عمومی برای یکرسی نشانند . حانشین دموکراتیک سیاست و قدرت انحصارات متمرکز میگردد . این جنبش هر آینه از پیروزیهای حاصله بعنوان مبنای جهت پیش کشیدن خواسته های جدید و اقدامات توده ای جدید استفاده بعمل آید و نقش طبقه کارگر پیوسته افزایش پذیرد و مواضع آن در تمام شئون حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور تحکیم شود . در برخی موارد به عامل قاطع پیدایش موقعیت انقلابی بدل میگردد . چنانچه حوادث در چنین مجرائی سیر کند ممکنست راه را بپسوی خود انقلاب هموار سازد .

پیشینی این دوره نمای کمونیستهای اسپانیاد مبارزه کنونی علیه دیکتاتوری فرانکو الهام میبخشد . ما این دورتمارا هم برای حل معضلات تکامل دموکراتیک جامعه اسپانیا و هم برای استقرار سوسیالیسم در برنامه حزب خود قید کرده ایم .

۴

بدینسان مشاهده میکنیم که در شرایط اسپریالیسم برای نزدیک شدن (رسیدن) بانقلاب اشکال گوناگونی قابل تصور است . عامل پیدایش موقعیت انقلابی ممکنست خرابی وضع زحمتکشان (بخصوص در صورت توأم بودن با پروسه های دیگر) در یکی از دوره ها و نیز تشدید خطر جنگ یا خطر فاشیسم ، تلاش برای صد ورقوانین ارتجاعی ، ترور خونین زحمتکشان و غیره باشد . بحربه تاریخ نظایر این را تکامل موقعیت انقلابی را بما نشان میدهد .

ولی اکنون امکان واقعی دیگری هم وجود دارد برای آنکه عامل عده پیدایش و تکامل موقعیت انقلابی بحای اعمال طبقات حاکمه ، جنبش خود توده ها باشد . ما میتوانیم پیشبینی کنیم که طبقه کارگر همراه با متحدین خود ضمن پیشروی در راه انجام اصلاحات دموکراتیک و مواجه شدن با مقاومت هر چه شدیدتر انحصارات تنگنای حدود و ثغوری راکه رژیم سرمایه داری برای ارضای منافع طبقه کارگر و منافع تمام زحمتکشان و بطور کلی تمام ملت معین کرده است با شدتی بیشتر از پیش احساس خواهد کرد . توده ها پیش از پیش بینی حاصل خواهند کرد که محل مسائل فرعی و جزئی کافی نیست و باید تمام سرمایه داری را بکلی برانداخت و سوسیالیسم را جایگزین آن نمود . به همین جهت مبارزه حاد برای برانداختن نظام کهنه ناگزیر است .

در عین حال رفرم های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که در نتیجه مبارزه توده ها انجام خواهد گرفت قدرت انحصارات را بیش از پیش محدود و دایره اثرات تنگ خواهد کرد و آنها را با تعرض متقابل و خواهد داشت و ما این عمل موجبات تشدید تازه فعالیت توده ها را فراهم خواهد ساخت . در نتیجه این امر مواضع نیروهای دموکراتیک که در برابر قدرت انحصارات ایستاده اند تحکیم خواهد شد . میتوان پیشبینی کرد که بدینسان در عین حال " بحران زیر نشینان " و عدم تمایل آنان به ادامه زندگی بشیوه سابق یعنی در چارچوب جامعه سرمایه داری و تمایل آنان بایجاد تحولات قطعی و نیز " بحران صدر نشینان " و ناتوانی هر چه عیانتر آنان برای " اداره آرام " کشور -

پدید خواهد آمد . پیدایش موقعیت انقلابی از این نوع بیشتر آنچه که در تکامل جنبه " عادی " دارد مربوط است (نه با آنچه که جنبه " غیر عادی " دارد) . در این شرایط اقدامات توده ها در مراحل اول مبارزه در جهت انجام اقداماتی سیر خواهد کرد که کار را مستقیماً با انحلال پایه های رژیم موجود و درهم کوبیدن فوری تمام رژیم بورژوازی منجر نخواهد ساخت بلکه هدف این اقدامات تحقق انجمن اصلاحات عمیقی است که بحوانب جداگانه سیستم سرمایه داری بر خورده میکند . " بحران صدر نشینان " نیز محتملاً در یک چنین موقعیت انقلابی حد شوشدت سابق را نخواهد داشت . طبیعی است که این چنین موقعیت انقلابی نظر بچگونگی پیدایش آن با سرعت خاص موقعیت های انقلابی مرسوم سابق پدید نخواهد شد . همان سرعت با انقلاب نخواهد انجامید . یک چنین موقعیت انقلابی ظاهراً ضمن یک پروسه طولانی پدید خواهد شد و تکامل خواهد یافت . در این شرایط تمام ابعاد محدود و شغور پروسه انقلابی جنبه نسبی ترو مشروط تری بخود میگیرند و سیال تر میشوند . فاصله میان بحران سیاسی و موقعیت انقلابی ، میان پیدایش موقعیت انقلابی و وقوع انقلاب و میان مراحل مختلف انقلاب و غیره .

نتیجه نهائی تمام این پروسه گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم خواهد بود . ضمناً میتوان گفت که فاصله زمانی میان تصرف حکومت از طرف طبقه کارگر و متحدین آن از یک طرف و ساختن سوسیالیسم از طرف دیگر در کشورهای غربی کوتاهتر خواهد بود .

این مطالب جز گوشه پر ای پیش بینی آینده گرایشهای کنونی جنبش چیز دیگری نیست . بدیهیست که زندگی تنوع و آمیختگی نامحدودی از طرق مشخص و اشکال و آهنگهای تکامل موقعیت انقلابی و چرخشهای شدید و ناگهانی در سیر حوادث پدید خواهد آورد . لنین میگفت : " مارکسیسم هرگز به اشکالی از مبارزه که در یک دوره معین ممکن و موجود است اکتفا نمیکند ، بلکه با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی - ناگزیری پیدایش اشکال تازه ای از مبارزه را که رهبران آن دوره از آن بیخبرند - برسمیت می شناسد " (کلیات آثار ، جلد ۱۱ ، ص ۱۸۶) .

۵

ما ضمن تجزیه و تحلیل مسئله موقعیت انقلابی نمیتوانیم مسئله عامل ذهنی رانانگفته بگذاریم . مفهومی که مارکسیستها برای عامل ذهنی قائلند عبارتست از سطح آگاهی و تشکل توده ها ، آمادگی آنان برای دستزدن به جسورانه ترین و قاطع ترین اقدامات بخاطر پیروزی انقلاب و نیز فعالیت و رهبری کنندگان سازمانهای انقلابی . صفت مشخصه مکانیسم جدید پیدایش موقعیت انقلابی ظاهراً اینست که نقش عنصر آگاه در آن بسی بیخبر از سابق میشود . سابقاً پیدایش موقعیت انقلابی بیشتر مشروط بعواملی بود که بطور خود بخود عمل میکردند . " انگیزه های " آن (جنگ - بحرانهای خانمانسوز و غیره) با چنان حدتی تاثیر میبخشیدند و هدفهایی که در چنین شرایطی بهمیشر کشیده میشد بحدی روشن بود که موقعیت انقلابی حتی در شرایطی هم که فعالیت موثری از طرف پیشاهنگ آنجا نمیگرفت ، پدید میآمد .

امروز عوامل عینی جدیدی که امکان پیدایش موقعیت انقلابی در کشورهای سرمایه داری رشد یافته بانها مشروط است (مسئله جنگ و صلح ، تاثیر سیستم سوسیالیستی ، نتایج انقلاب علمی و فنی ، حدس مبارزه طبقاتی در ارتباط با مسائل دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و کار بستن اسلوب

های زیرکانه تراستعمار از طرف انحصارات و غیره) حسب القاعده شرکت حتمی عامل ذهنی را برای تبدیل این امکان بواقعیت ایجاد میکند . این امر با خصوصیات مهیج بارزه طبقاتی در غرب که در بالا از آن سخن رفت ارتباط دارد . بدون فعالیت موثر نیروهای آگاه انقلابی که خواسته های مختلف توده ها را فرمول بندی میکنند مشکل فشرده ای بیان میدارند و علاوه بر این جریانهای گوناگون مبارزه و دستمطی مختلف زحمتکش را بایکدیگر متحد میکنند ، هدف نهائی مبارزه را همواره با آنها نشان میدهند و آنرا با مرحله جاری اقدامات آنها مربوط میسازند ، توده ها را در مبارزه آنان از یک نبرد به نبرد دیگر و از یک مرحله به مرحله دیگر و از طریق تمام این مراحل بسوی هدف سوسیالیستی هدایت مینمایند . بدون چنین فعالیتی پیدایش شرایط عینی برای انقلاب ممکن نیست .

با تامل درجه معینی از رشد عامل ذهنی نیروی پدید میآید که بشا برسم معمول آنرا ارتش سیاسی انقلاب مینامند . بدین معنایست بخصوص باید خاطر نشان ساخت که در کشورهای اروپایی باختری تامین وحدت دامنه دار نیروهای کارگری و دموکراتیک ، که امروز تحت نفوذ آید بولوزنیک سحر بیان عده - کمونیستی ، سوسیال دموکراتیک و کاتولیکی قرار دارند برای پیدایش موقعیت انقلابی اهمیت درجه اول دارد . پروسه هایی که این اواخر در جریانهای سوسیال دموکراتیک و کاتولیکی جنبش کارگری یکسلسله از کشورهای مشاهده میشود (رشد قابل ملاحظه خود آگاهی طبقاتی شرکت در عملیات مشترک ، تحکیم مواضع نیروهای چپ و تضعیف گرایشهای آنتی کمونیستی) امکانات واقعی تازه ای برای نیل باین هدف فراهم میسازد . تامین وحدت طبقه کارگر برای مبارزه در رامنیل بهد فهای مستقیم مخصوص هدفهای نهائی ، فعالیت توده ها و درجه رشد عامل ذهنی - انقلاب را بسطح کیفی جدیدی ارتقاء خواهد داد .

یکی از مهمترین شرایط تکامل اثر بیشتر موقعیتهای انقلابی در کشورهای امپریالیستی و مهم ترین مقدمات لازم برای تامین راه مصالحت آمیز انقلاب عبارتست از افزایش خاص (در قیاس با سابقه) موقعیتهای انقلابی دوره های گذشته) شرکت کنندگان آگاه جنبش . در اینجا اولاً سخن بر سرمانوس شدن قشرهای عقب مانده در پرولتاریا و نیمه پرولتاریا با مبارزه سیاسی فعال و ثانیاً توسعه پایه اجتماعی انقلاب سوسیالیستی است . اکنون که سرمایه انحصاری اکثریت مردم را استثمار میکند برای سازمان داد متوسط دامنه مبارزات توده ای باید نه فقط طبقه کارگر و دهقانان نیمه پرولتر را بسیج کرد بلکه سایر قشرهای دهقانان ، پیشه وران ، کسبه ، روشنفکران و در موارد معینی بخش از بورژوازی متوسط و همچنین توده زنان و جوانان نیز که وظایف و مسائل خاصی را در برابر خود دارند باید با مبارزه جلب شوند . این امر تامین کنند ه آن تفوق قاطع قوای خلق در مبارزه علیه انحصارات است که نظریه کنونی انقلاب سوسیالیستی در غرب از ضرورت آن ناشی میشود . کثرت نسبی طبقه کارگر در میان اهالی کشورهای سرمایه داری رشد یافته انجام این وظیفه را بطور قابل ملاحظه ای آسان میسازد .

انتخاب صحیح تاکتیک از طرف پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر در ایجاد ارتش سیاسی انقلاب نقش بزرگ ایفا میکند . لنین بموقع خود اهمیت این مطلب را که بار کسب استنباط میکنند : تاکتیک خود را با شرایط مختلف ، منحصران استادانه تطبیق دهند خاطر نشان ساخته است . (کلیات آثار ، جلد ۱۵ ، ص ۲۶۷) . باید در نظر داشت که ممکن است شرایط عینی برای موقعیت انقلابی فراهم آید ولی سیاست اشتباه آمیز و از حمله پیروی از نظریات دگماتیک در تئوری و استراتیسم در فعالیت پراتیک منضج شرایط ذهنی انقلاب را دچار وقفه سازد . از این گذشته تاکتیک

اشتباه آمیزی که بشرایط عینی تکامل جنبش‌ری اعتناست (اعم از اینکه سخن بر سر تاکتیک ماجراجویانه چپ روی باشد یا اپورتونیستی راست و یا روش انتظار و ترصد ") ممکنست کار را به فروکش فعالیت انقلابی و کاهش تشکل تودهمانجر سازد . برعکس اقدامات فعال پیشاهنگ چنانچه از شرایط و امکانات عینی جدید استاده استفاده کند به تبدیل بحران سیاسی بموقعیت انقلابی کمک میکند و پروسه ایجاد مقدمات ذهنی انقلاب را تسریع مینماید .

مثلا ماکمونیستهای اسپانیا بر پایه تجربه خویش این نتیجه رسیدیم که اگر ما بجای تعقیب سیاست توافق ملی ، که امروز ازان دفاع میکنیم واعلام آن بعنوان پایه اساسی مبارزه ضد فرانکو- ازمیاست ادامه جنگ داخلی پیروی میکردیم وضع فرانکو و دیکتاتوری آن امروز باید ارترواستوارتر بود . در چنین صورتی امروز از احتیاطات بزرگی که طی سالهای اخیر از طرف طبقه کارگر برپاشده و از مبارزات دهقانان در ده و از مبارزه دانشجویان و روشنفکران وهمچنین از اپوزیسیون ضد دیکتاتور گدوئی قشرهای اجتماعی بسیار وسیع خبری نبود و الا اقل این پروسه امروز بسیار ناپخته بود .

بهنگام تحلیل مسائلموقعیت انقلابی چنین سئوالی هم پیش میآید که آیا پدایش کانون مبارزه مسلحانه بخودی خود میتواند ایجاد مقدمات لازم برای پدایش موقعیت انقلابی راشدیدا تسریع کند ؟ این يك مسئله بغرنج است که آنرا فقط بر پایه شرایط مشخص هر کشور باید حل کرد . بسیار حالب است که تجربه علی موجود در این زمینه عمیقتر تحلیل شود ولی این مطلب از حد وظایف این مقاله خارج است . در اینجا ما میخواهیم مسئله دیگری را طرح کنیم : آیا میتوان منکر شد که در صورت وجود شرایط عینی لازم برای انقلاب - مبارزه مسلحانه (کانون پارتیزانی یا مرکز قیام) میتواند مقدمات ذهنی این انقلاب را فراهم سازد ؟ این مسئله هم ظاهر انوط است بشرایط مشخص کشور معین . بهترین تاکتیک تاکتیکی است که بکمک آن میتوان تودمهای بزرگ را بمبارزه جلب کرد . ولی در يك مطلب نمیتوان تردید کرد و آن اینکه بدون وجود شرایط عینی نمیتوان انقلاب کرد .

حزب ما در این زمینه تجارب زیاد اند و خسته است . تقریبا تمام فعالیت آن طی چند سال (سال های چهلم) متوجه پشتیبانی از جنبش پارتیزانی بود که پس از جنگ داخلی و در جریان دومین جنگ جهانی پدید آمد و در دوران معینی از پشتیبانی تودمهای دهقانان برخوردار بود . برهم خوردن ائتلاف ضد هیتلری و آغاز جنگ سرد " در اوضاع اسپانیا نیز تاثیر منفی بخشید . در این شرایط پس از سال ۱۹۴۵ جنبش پارتیزانی نتوانست برای انقلاب ضد فرانکو مقدمات ذهنی فراهم سازد زیرا در داخل کشور برای چنین انقلابی شرایط عینی وجود نداشت . این مطلب بعد های معنی در سال ۱۹۴۸ برای ما روشن شد . امروز برعکس در نتیجه پروسه بغرنجی ، که بحکم شرایطی که این پروسه در آن انجام میگردد ناگزیر کند است ، برای پایان دادن به دیکتاتوری مقدمات عینی لازم پدید میگردد بر این پایه شرایط ذهنی نیز فراهم میشود . اگر ما جنگ پارتیزانی را ادامه میدادیم این کار ممکن نمیشد .

حال میتوان این سئوال را مطرح کرد که آیا ادامه تاکتیک سابق در نقاطی که مبارزه انقلابی بشکست انجامیده است عملا موجب کندی سیر تکامل انقلاب نخواهد شد ؟ بنظر ما این سئوال میتواند پاسخ مثبت داد ، زیرا کم بهسادادن بشرایط عینی جدیدی که چندین مبارزه ای باید بر اساس آنها گسترش یابد معمولا بهنگست از تودمها خواهد انجامید .

در شرایط وجود موقعیت انقلابی امکانات عینی گوناگونی برای تکامل انقلاب از راه مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز یعنی مسلحانه بوجود می آید . امکان ترکیب هر دو راه را در صورت تفوق یکی از آنها در هر لحظه معین نیز نباید نفی کرد .

در کشورهای غرب میان راه های جدید پیدایش و تکامل موقعیت انقلابی که در بالا از آن سخن رفت از یک طرف و دورنمای تکامل مسالمت آمیز انقلاب در این کشورها از طرف دیگر - بدون شك ارتباط مستقیم و چند جانبه ای وجود دارد . لنین نیم قرن پیش ضمن تکیه روی ارتباط محکم اشکان مبارزه انقلابی با نظام اجتماعی و سیاسی جامعه در مورد شعار قیام چنین نوشته است :

" هر اندازه که بغرنجی نظام اجتماعی بیشتر می شود و سازمان حکومتی کشور به پایه بالاتری میرسد و تکنیک جنگی کاملتر میگردد اعلام سبک سرانه چنین شعاری بیشتر غیر محاز می گردد " (کلیات آثار ، جلد ۹ ، ص ۳۳۸) .

راه مسالمت آمیز تکامل انقلاب با پاسی قسم که منکر اعمال پیکار حیوانیه توده ها است هیچ وجه مشترکی ندارد . مفهومی که کمونیست های اسپانیا برای راه مسالمت آمیز مبارزه انقلابی در راه سرنگونی فرانکو قائلیم عبارتست از مبارزه اعتصابی و دموکراتیک و نه خیابانی که به اعتصاب عمومی در سراسر کشور میانجامد . برای رسیدن به چنین اعتصابی ما برای ترتیب دادن اعتصاب عمومی سیاسی طبقه کارگر که اعتصاب اخیر معدن نچیان استوریا و لئون گام مهمی در راه آن بود - مجاهدت میورزیم . نظریه ما درباره اعتصاب عمومی در سراسر کشور نظریه ایست درباره یک پیکار عمومی بزرگ علیه دیکتاتوری که تمایز آن با قیام مسلحانه نوع کلاسیک و جنگ داخلی در آنست که مبارزه مسلحانه در آن شکل اساسی مبارزه نیست .

در عین حال کمونیست های اسپانیا این موضوع را نیز نفی نمیکنند که در شرایط معینی همانا مبارزه مسلحانه است که به عنوان اهمیت آحاد کسب کند . این در صورتیست که شرایط عینی برای مبارزه مسلحانه پدید گردد و چنین شکلی از مبارزه بما تحمیل شود . ولی بهر تقدیر ما باید - علیت مسلحانه را بعنوان نمود ارونقطه اوج مبارزه خود معای بزرگ مردم تلقی کنیم .

احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری میدانند که عامل تعیین کننده اهنگ و امکان پیشروی بسوی سوسیالیسم همان نبرد های طبقاتی امروز است . احزاب کمونیست با شکل وسیع تودها برای عملیات روز بروز محده تر و کوشش برای تامین وحدت تمام نیروهای دموکراتیک نه فقط به ایجاد مقدمات لازم برای پیدایش موقعیت انقلابی کمک میکنند بلکه مساعدترین شرایط را نیز برای پیروزی راه مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی فراهم می آورند . البته کمونیست ها این نکته را - در نظر میگیرند که تبدیل این امکان بواقعیت بدرجه مقاومت و اشکال مقاومت بجزر و جزی انحصارگر نیز بستگی دارد .

اروپای غربی معطوف داریم • برخی ممکنست چنین درنمایش را بسیارعیدبدانند • ولی ما با چنین عقیده همدستان نیستیم • وانگهی باید در نظر داشت که پیدایش و تکامل موقعیت انقلابی در یکسلسله از کشورهای اروپای غربی ممکنست در صورت پاره شدن یکی از حلقات ضعیف زنجیر امپریالیستی در این منطقه جهان تسریع شود • ما برانیم که اسپانیا چنین حلقه ایست •

تشکیلات حزب واحد انقلاب سوسیالیستی کوبا

ازنان بساره را

اتحاد نیروهای انقلابی کماکه با یکدکامشترک خود پیروزی انقلاب کهارا تامین نمودند در مرحله اول انقلاب در وجود سازمانهای متحدہ انقلابی انجا میگرفت * ولی بموازات تکامل انقلاب ، هنگامیکه در برابر ولت جدید وظایف سازمان دادن بساختمان سوسیالیستی قرار گرفت نقصان این شکل اتحاد آشکار گردید * رهبران انقلاب مردم کما ضرورت مبرمی برای تاسیس حزب طرازنومین ، حزب مارکسیست - لنینیست احساس کردند * چنین حزبی میبایست تمام انقلابیونی راکه نیروی خود را وقف ساختمان سوسیالیسم کرده اند در برگیرد * فیدل کاسترو ضمن نتیجه گیری از این ضرورت مبرم گفت : * بدون یک سازمان انقلابی نیرومند با انضباط نمیتوان انقلاب رابه پیشراند * * کاسترو افزود کسیکه علیه تمام بلا یاود شوارهای موجود در راه انقلاب باید مبارز کند جز خلق کسی نیست * * در پیشا پیش خلق هم باید حزب حرکت کند * و اما حزب یعنی پیشاهنگی که پر شورترین مبارزان ، قاطعترین افراد ، استوارترین افراد یعنی سرگل کشور را در محل کار ، در دهات ما و در شهرهای ما متحد میکند * *

باید یاد آور شد که سازمانهای متحدہ انقلابی بر پایه اتحاد سه سازمان که مسئولیت اساسی تکامل انقلاب بدو شانها افتاد پدید آمدند * این سه سازمان عبارت بودند از :

* جنبش ۲۶ ژوئیه * ، حزب سوسیالیست خلق و * دیرکتور انقلابی * *

تحقق اتحاد فقط بر اساس معیار و ملاک وسیع ، بدون استثنا و تبعیض ، با ایمان به انقلاب و در عمل ، نه با ایمان بیک گروه بندی معین - امکان پذیر بود * در غیر این صورت کار به ارتکاب اشتباهات سکتاریستی منجر میشد و وحدت زبان میرسید و امر تحکیم و تقویت خود انقلاب در معرض خطر قرار میگرفت * بهمین جهت لازم بود به اسلمهای سکتاریستی که از همان آغاز پروسه اتحاد ریشه دوانده بود پایان داده شود ، زیرا این اسلمها اصولا خود مفهوم حزب و نقشی راکه حزب میبایست در شرایط جدید کشور ایفا کند محدود میکرد *

همچنین نباید از نظر دور داشت که پیروزی انقلاب کما با شرکت نیروهای مختلف بدست آمد و با همین نیروها که از عناصر اپورتونیست و خائن تصفیه شد بودند ، با افراد کاملا پیگیر و از لحاظ سیاسی استوار که مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان جهان بینی خود پذیرفته بودند - میبایست پروسه انقلابی را هدایت نمود و کار ساختمان دولت نووارگانهای رهبری کنندہ آن همواره کار تاسیس حزب را به پیشبرد *

علاوه بر این میبایست به پدیدهای تبعیضی که در روابط میان افراد شرکت کنندہ در مبارزه

مسلحانه مناطق کوهستانی از کسوف و کسانیکه در جریان فعالیت خود بعلت کار مخفی در شهرها غالباً گمنام میمانند، از سوی دیگر و نیز میان انقلابیون قدیمی و انقلابیون جوان و غیره مشاهده میشود پایان داده شود.

برانداختن این قبیل پدیدهها شرط لازمی بود برای تحقق خود اتحاد • این کار انجام گرفت و همانطور که فیدل کاسترو اظهار داشت اکنون انقلاب • تمام کادریهای هر سه سازمان انقلابی را در اختیار دارد • مهمترین خدمت حزب سوسیالیست خلقی تقدیم کادر اعضای قدیمی بود که حزب آنها را با روح سوسیالیسم تربیت کرده است • • دیرکتوار • کادریهای جوان تحویل داد و خدمت • جنبش ۲۶ ژوئیه • که نمیتوانست کادریهای سیاسی با سابقه چندین ساله تحویل دهد این بود که همه زیادی جوان پر شور و انقلابیون پر شوق در اختیار گذاشتند و بدینسان تمام تحریریه حاصله در مبارزه بخاطر احراز قدرت در اختیار حزب قرار گرفت •

تحول سازمانهای متحد و انقلابی در این جهت انجام گرفت و وظیفه ساختمان حزب واحد انقلاب سوسیالیستی نیز در همین جهت انجام گیرد •

برای ایجاد حزب توده ای جوانگویی و وظایف انقلاب و شرکت و سیعترتود و هاد مبارزه انقلابی تصمیم برفتن بمیان خود توده ها محل کار آنها در صنایع و کشاورزی، تصمیم برفتن میان روشنفکران گرفته شد تا بتوان در میان خود توده ها کمک آنها بهترین افراد، افراد پیشرو یعنی اعضای آینده حزب را پیدا کرد و آنها را گزین کرد •

بدین طریق اسلوب تشکیل جلسات عمومی کارگران اشاعه پیدا کرد • در این جلسات کارگران از میان رفقای خود زحمتکشانی را که نمونه هستند و شایستگی معرفی برای عضویت حزب را دارند انتخاب میکنند • این قبیل جلسات معمولاً با حرارت برگزار میشوند و بحثهایی پرده انجام میگردد و انتقاد و انتقاد از خود در آنها ادامه وسیع دارد •

فقط کسانی بعنوان زحمتکش نمونه انتخاب میشوند که واجد شرایط زیر باشند : موفقیت در کار تولیدی، طرفدار از انقلاب سوسیالیستی و آمادگی برای دفاع از آن، بی خدشه بودن از نظر اخلاقی، نداشتن ارتباط قبلی با دیکتاتوری باتیستای یعنی نداشتن سابقه خدمت در ارگان های تشییقی آن و عضویت نداشتن در رهبری سندیکاهای مزد و روز نیز عدم شرکت در انتخابات تقلبی سال ۱۹۵۸ که موجودیت دولت باتیستارا تمدید کرد •

در جلسات عمومی معمولاً توده اساسی زحمتکشانشان حضور میابند • در سپتامبر سال ۱۹۶۲ از این قبیل جلسات در ۳۹۵۹۹ موسسه کشور تشکیل شد و در آنها جمعا ۳۵۶٫۲۲۶ نفر از تعداد کل ۴۵۰٫۲۶۹ نفر شرکت کردند که ۷۹٫۱۱٪ افراد شاغل بکار را تشکیل میدهند •

عنوان زحمتکش نمونه هنوز بمعنای عضویت حزب نیست • انتخاب افراد از میان این گروه زحمتکشانش و قبول آنها بعضویت حزب توسط ارگانهای حزبی انجام میگردد • علت این امر آنستکه اولاً حزب باید اعضای خود را بدقت گزین کند و تمام محاسن و نقائص آنها را بررسی نماید و ثانیاً بسیاری از کارگرانی که تودهها آنها را بعنوان زحمتکشانشان نمونه معرفی کرده اند بعلل مختلف برای ورود فوری بحزب اظهار تمایز نمیکندند •

طبق اطلاعاتی که امیلیو آراگونس دبیر تشکیلاتی رهبری مرکزی حزب در مصاحبه بانمایند و مطبوعات داد در اواخر فوریه سال ۱۹۶۳ کارگران قریب نیمی از اعضای حزب واحد انقلاب سوسیالیستی و زنان ۱۳٪ را تشکیل میدادند • ۵۱٫۷۸٪ اعضای حزب رفقای جوانی هستند که از میان زحمتکشانشان

نمونه برگزیده شده اند و ۴۸٫۲۲٪ از میان اعضای سازمانهای متحده انقلابی هستند * ضمناً برخی از آنها پس از انتخاب بعنوان زحمتکش نمونه بحزب پذیرفته شد و برخی دیگر در جریان ایجاد حوزه های حزبی بعلمت داشتن صفات انقلابی بعضویت حزب پذیرفته شده اند .

زحمتکش نمونه یافرد دیگری که بطیرغم توصیه رفقای همکار خود بحزب پذیرفته نمیشود بدین طریق از امکان عضویت حزب محروم نمیکرد . برای تأمین چنین امکانی عنوان عضو آزمایشی حزب (نامزد عضویت حزب) وجود دارد . دوره آزمایشی حزب یکسال است . در تمام این مدت حوزه میکوشد شرکت عضو آزمایشی را در حیات حزب تأمین کند و معلومات ثوریک او را افزایش دهد و صفات انقلابی را در او تقویت کند . در پایان سال مسئله پذیرش او بعضویت حزب بررسی میشود .

در اواخر فوریه سال ۱۹۶۳ در هاوانا نخستین جلسه بزرگ اعضا^۱ حزب واحد انقلاب سوسیالیستی تشکیل شد . شش هزار عضو حزب از سه استان غربی کشور : پینار دل ریو ، هاوانا و ماتاناس در آن شرکت کردند . فیدل کاسترو ضمن نطاق خود در این جلسه گفت :

" ما آهسته به پیش رفتیم ولی کار زیاد انجام دادیم . برخی افراد ناشکیبائی نشان میدهند . برخی میپرسند :- " چهوقت ما بمتشکیل حزب در اینجا یا آنجا خواهیم پرداخت ؟ " بعضی دیگر میگویند : " اگر ما حزب متشکل داشتیم میتوانستیم مشکلاتی را در برخی موسسات و در برخی جنبه های کار حل کنیم " . مطلب واقعاً مهم منطوق است . ولی اینهم صحیح است که مسئله اساسی تشکیل حزب نیست ، بلکه تشکیل نیکی است . ما پیشنهاد کردیم که کار تشکیل حزب بی خدشه و هر قدر ممکنست بهتر انجام گیرد .

" روزهای بحرانی اکبر انقلابی ، از آن پدید آمد از برخی لحاظ کار سازمانی را در چاروقفه نمود . ولی این کار ادامه دارد ، باتائی انجام میگیرد ، ولی بطور مطمئن ، آهسته است ولی خوبست . ماکارار از مراکز کارگری ، از کارخانه ها و مراکز پرولتری آغاز کردیم . در جنبه های دیگر هم کار انجام میگیرد . ولی اثبات کار انجام شده که از اسلحه های آن آگاهید این واقعیت است که در استانهای غربی نزدیک به ۱۰ هزار عضو حزب واحد انقلاب سوسیالیستی متحد در حوزه ها وجود دارند . "

اینکار همزمان با تشکیل حزب در مراکز صنعتی و در میان کارمندان دولت و در محافل روشنفکران - در دهات هم گسترش مییابد . بدینمناسبت رهبری مرکزی حزب دستور کار تشکیل سازمانهای حزبی را در مناطق روستائی صادر کرده است .

برای اینکار توصیه میشود هر منطقه روستائی وترکیب طبقاتی اهالی آن قبلاً بررسی شود و در

پذیرش بحزب برای کارگران کشاورزی ترجیح قائل گردند . علاوه بر آن باید یقین حاصل گردد که عضو اینده حزب از اشکال سوسیالیستی تولید پشتیبانی میکند ، دارد دیگران را مورد استثمار قرار نمیدهد ، از اعتبار مالی واگذار شده خوب استفاده میکند ، در تحویل مواد خواربار دولت دستکار است و در امر دفاع از کشور شرکت دارد .

در مناطوقوهستانی استان اورینته پایه تشکیل سازمانهای حزب " گروهانهای کوهستانی " نگهبانان متشکل و تعلیم دیده و مدارعده کارگران کشاورزی و دهقانان تهیه ست هستند و تعداد آنها نزدیک به ۳۰ هزار نفر است .

از لحاظ سازمانی ساختمان حزب بدینقرار است : سازمان اولیه (حوزه) ، کمیته های بخش شهرستان و استان . تشکیل کمیته های بخش ناشی از رشد حزب بود که رهبری سازمانهای اولیه را از طرف کمیته های شهرستان و استان دشوار کرده بود . کمیته بخش نخست در جلسه عمومی کمیته های

تمام سازمانهای اولیه منطقه انتخاب میشد * ولی افزایش عدّه اعضای حزب موجب شده که برای جلساتی که اعضا کمیته بخش در آنها انتخاب میشوند نمایندگی معینی در نظر گرفته شود * هر نس سازمان بخش برای کنفرانس شهرستان ازهر ۲۰ نفر عضو حزب یک نمایند * انتخاب میکند * برای کنفرانس استان ازهر ۵۰ نفر عضو کنفرانس انتخاب میشود *

رفقای انتخاب شده برای ارگان حزبی در ساعت تنفس کنفرانس جلسه میکنند و مقامات رهبری را توزیع مینمایند و سپس این تصمیم را به کنفرانس اطلاع میدهند * کنفرانس این تصمیم را یا تأیید میکند و یا بسته باوضاع و احوال آنرا اصلاح مینماید *

در اوایل سال ۱۹۶۳ توزیع کارتهای حزبی با اعضا * حزب واحد انقلاب سوسیالیستی آغاز گردید * کارت حزبی با تشریفات باشکوه در جلسه ای که با اختصاص تشکیل شده با اعضا * حزب تسلیم میشود تا اهمیت عضویت حزب طبقه کارگر و نقش این سازمان پیشاهنگ در تکامل و تحکیم انقلاب سوسیالیستی تأکید شود * در این جلسه معمولاً از زحمتکشان و خوشاوندان عضو حزب که کارت حزبی دریافت میکنند دعوت بعمل میآید *

کار ایجاد حزب واحد انقلاب سوسیالیستی در کوهبادک این ضرورت انجام میگردد که حزب در میان توده مردم ریشههای عمیق داشته باشد ، حامل تعالیات انقلابی توده ها و مظهر خرد آنها باشد ، روح هلاک داشته باشد و مبارزه و انرژی انقلابی پایان ناپذیر مردم کوه را رهبری کند * فیدل کاسترو روز ۴ ژوئن سال ۱۹۶۳ گفت : " ما در آینده نیز در تکمیل سازمان حزب خود خواهیم کوشید ، زیرا باید حزب را در آینده نیز توسعه داد و توجه فراوان بآن معطوف داشت و این نکته واقع بود که حزب سلاح واقعی انقلاب است * "

دراين شماره

نقش جهانی واهمیت مبارزه حزب کمونیست
اتحاد شوروی

لوئجی لونگو
(معاون دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا)

چکسی درقرارهای مشترک تجدید نظر
میکنند ؟

پدرومتالیما
(پولیسیت برزلی)

رامسالت آمیز - شکل انقلاب است .

لوئیس کهرولان
(دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی)

نکاتی چند درباره پیدایش موقعیت انقلابی

سانتیاگو الوارس
(عضو هیئت اجرائیه حزب کمونیست اسپانیا)

تشکیلات حزب واحد انقلاب سوسیالیستی کوبا

ازنان باره را